

کپی کوتاه با عزت الله انتظامی
من عزتم ، بچہ سنگلج



عاشقانه

Asheghaneh Publication

29th Year • No. 347 • March 2014

سال بیست و نهم • شماره ۳۴۷ • اسفند ماه ۱۳۹۲

برآمد باد صبح و بوی نوروز
بر کام دوستان و بخت پیروز
مبارک بادت این سال و همه سال
همایون بادت این روز و همه روز



Shafaii

Sylvan Beach Pavilion

THE ULTIMATE PLACE
FOR YOUR SPECIAL EVENT

WEDDING & RECEPTIONS

بهترین محل برای مهمانی های شما

Choosing a reception hall is the first and most important job that you will have as you plan your event. Let our staff assist you with all the details that will make your event memorable.

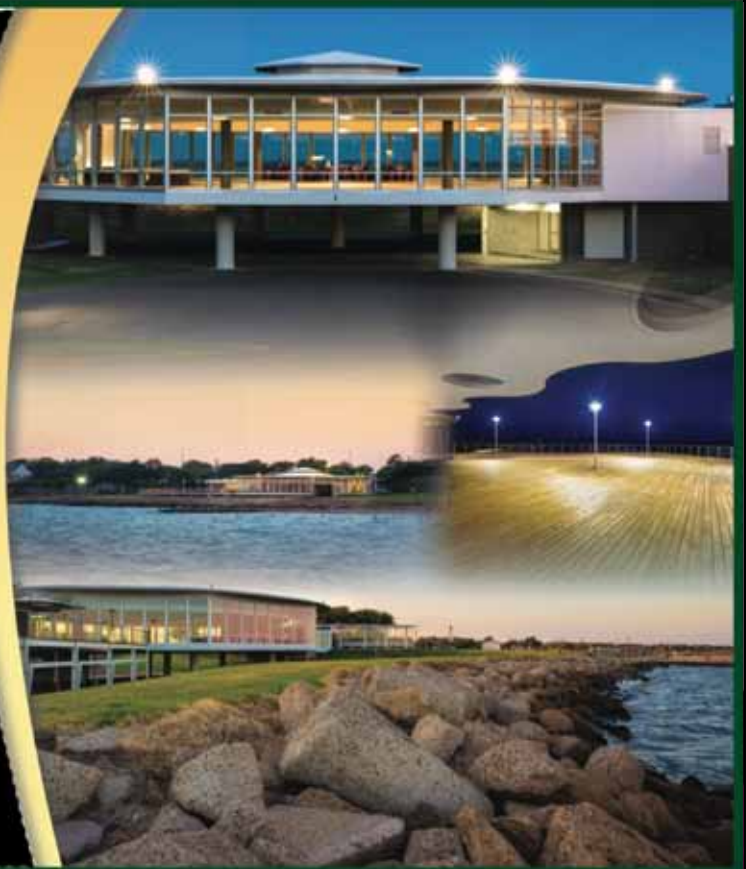


mysylvanbeachpavilion.com

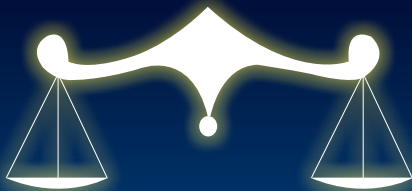


shafaii.com

832-643-4422



MANA YEGANI



ATTORNEY AT LAW

AREAS OF PRACTICE

- IMMIGRATION LAW (CITIZENSHIP, GREEN CARD, FIANCÉ VISAS, ASYLUM VISAS, DEPORTATION)
- CRIMINAL LAW (DRUG CHARGES, DWI, ASSAULT)
- DIVORCE

- ویزای نامزدی و ازدواج
- پناهندگی دینی و سیاسی
- مترجم رسمی امور مهاجرت
- فرار از اداره مهاجرت یا دستگیری توسط پلیس

LICENSED BY THE SUPREME COURT OF TEXAS
CERTIFIED TRANSLATOR

1221 STUDEWOOD STREET • HOUSTON TEXAS 77008



مانا یگانی

وکیل رسمی دادگستری تگزاس

MY@LAW-MANA.COM
WWW.LAW-MANA.COM

OFF: (713) 481-6703

FAX: (281) 674-8320



FARMERS

Auto . Home . Life . Business

فریدون دهمکردی

مشاور شما در امور بیمه

برای هر گونه امور بیمه خود از قبیل:
ماشین . منزل . عمر . تجاری
با یک متخصص آشنا تماس بگیرید.



www.farmersagent.com/fdehkordi
Email : fdehkordi@farmersagent.com

Dehkordi

Insurance Agency

Office : 713 - 781 - 4200

Cell : 713 - 628 - 1976

Address : 2825 Wilcrest Dr., Suite 461 - Houston, TX 77042

هوایمایی

SUPER TRAVEL

آژانس



برای کلیه امور مسافرتی جهت استثنای ترین نرخ و بهترین سرویس با ما تماس بگیرید

ما بهترین قیمت را در تابستان، برای مسافرت به ایران به شما پیشنهاد می کنیم.

سفر به ایران از \$950 و بلیط های ایران ایر به کلیه شهرهای ایران

تلفن و دورنگار 713-914-9160 arezoo6282@yahoo.com

281-679-9160

آرزو آزادی

12800 Briar Forest Dr. #102
Houston TX 77077

تلفن همراه 713-530-4205

Arezoo Azadi



Alfred Valdez



SADEGHI LAW FIRM ATTORNEYS AT LAW



Aram Sadeghi

Family, Criminal, Immigration Federal & State Courts

- Family Law
- Criminal Law
- Business Law
- Probate/Will/Trust
- PERM, H-B, E-2, L-1, Investment, Asylum, Immigration Court
- Mediation

Attorneys with more than 30 years of combined experience

Help is a Phone Call Away

Tel: 713-206-1920 / 713-899-6926

- امور جنائی
- امور مالی
- انحصار وراثت و وصیتنامه
- امور مهاجرت، ویزای کار، سرمایه داری، پناهندگی، دادگاه مهاجرت
- میانجیگری

10101 Harwin Dr. Suite 320
Houston, TX 77036

Fax: 713-422-2162

www.sadeghilaw.com
Email: asadeghilaw@gmail.com

Licensed by the Supreme Court of Texas. Not certified by the Texas Board of Legal Specialization.

آژانس هواپیمایی پرشین گلف

نماینده کلیه شرکتهای هواپیمایی در هوستون
با بهترین قیمت ها، همراه با کادر مجرب ایرانی
و ۲۰ سال سابقه در خدمت شماست

ارزانتترین بلیط از ایران به آمریکا
ارزانتترین بلیط از آمریکا به ایران



جهت تهیه بلیط با فرهاد صادقی تماس بگیرید

Cell: 713.517.4124

Tel: 281.499.8219

PersianGulfTravelAndTours@yahoo.com

10333 Harwin Drive, Suite #550
Houston, Texas 77036

CHAMPIONS

REAL ESTATE GROUP

امیر صالحیان

مشاور مجرب، فعال، متعهد و مطلع شما در امور
خرید، فروش و یا اجاره املاک مسکونی و تجاری
سرلوحه کارما، توجه کامل به ذوق و خواست متقاضیان است
که درمعرض خرید و فروش املاک به ما مراجعه مینمایند

انتخاب میکنیم اگر فرصت دهید در خدمت شما هموطنان گرامی باشیم

Amir Salehian

Your Full Service RealEstate
Professional

Residential
Commercial



Direct: 281-221-7253

Office: 713-785-6666

Fax: 713-785-6631

asalehian@sbcglobal.net

spc3:1254/amir salehian

March 1, 2014

29Th Year, No. 347



عاشقانه

ماهنامه فرهنگی، هنری، ادبی و اجتماعی
Asheghaneh Publication

A Persian Monthly Review of Culture, Art, Literature & Social Affairs

فرهنگی - اجتماعی - سیاسی

- ۱۰ وصل شدن ایران به ارباب پیشرفت غرب (قسمت سوم): کاظم علمداری
- ۱۷ دریچه: خبرها و رویدادها
- ۲۸ احزاب سیاسی ایران (اوضاع سیاسی و اجتماعی در نخستین سال های سلطنت محمدرضا شاه) : محمود نفیسی
- ۸۴ ۸ مارس یاد آور مبارزات زنان جهان برای تغییر و بهتر نمودن

ادبی - هنری

- ۶ آمد نوروز هم از بامداد، آمدنش فرخ و فرخنده باد
- ۸ خواجه پیروز، از باورهای زیبای گره خورده با نوروز
- ۲۲ داستان سیاوش : امیر صادقی
- ۳۲ سیزده بدر و حکایت دیو و سلیمان : دکتر الهی قمشه ای
- ۳۶ شعر با طراوت برکا: مازیار اولیائی نیا
- ۵۶ جهان هنر و ادب : حسن فرزنان
- ۶۸ نگاهی به دو فیلم بر گزیده سال : حسن فیاد
- ۷۲ رستخیز چمن: شهریار - شعری از ملک الشعرا بهار
- ۷۶ هالیوود کارخانه فیلم سازی نه معلم تاریخ : جمال آریان
- ۸۰ باغ دزاشیب (داستان): امیر حسین چهل تن
- ۸۵ وقت خنده
- ۸۶ کاروان شعر: سید ابوطالب مظفری، احمد رضا احمدی، هوشنگ ابتهاج، وحشی بافقی، منوچهر آتشی و بیدل دهلوی
- ۹۱ کتابخانه عاشقانه

گفتگو

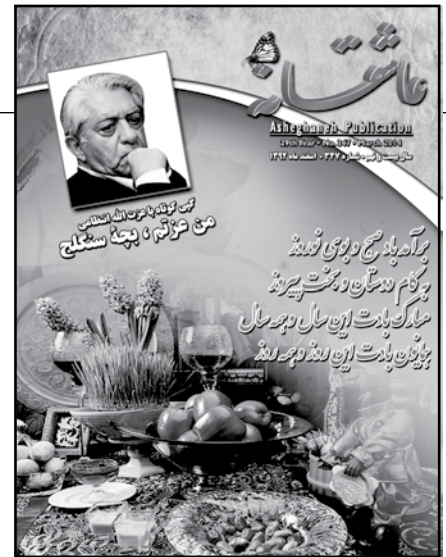
- ۴۶ گپی کوتاه با عزت الله انتظامی: شیما شهرابی

پزشکی - علمی

- ۸۸ ماه مارچ: ماه ملی آگاهی از سرطان روده بزرگ : دکتر طنناز ارمغانی

مطالب دیگر

- ۹۴ فال ماه
- ۹۵ جدول ماه
- ۹۶ نت موسیقی
- ۹۷ فرم اشتراک مجله و نیازمندی ها



صاحب امتیاز و مدیر: احمد آدم

سردبیر: آزیتا افهامی

Publisher: Ahmad Adam

Editor in Chief: Azita Afhami

Asheghaneh Publication, Inc

1403 Brittmoore Rd.

Houston, TX 77043

Tel: (713) 973-8686

Fax: (713) 722-0153

www.asheghaneh.com

email: asheghanehpublication@gmail.com

Copy Right 2014©

ISSN 1536-6049

برای عاشقانه، خبر، مقاله، شعر، عکس و طرح بفرستید. مطالب از چهار صفحه بیشتر نباشد. عاشقانه در اصلاح و کوتاه کردن مقالات با حفظ نظر نویسنده آزاد است. مطالب ارسالی پس داده نمی شود. نقل مطالب عاشقانه به طور کامل و بدون تغییر با ذکر مأخذ آزاد است. مطالب ماهنامه عاشقانه اختصاصاً برای آن نوشته می شود و در صورت استفاده از منابع دیگر، مأخذ اصلی ذکر خواهد شد. مسئولیت آگهی ها در عاشقانه به عهده آگهی دهندگان است و عاشقانه هیچ گونه مسئولیتی در قبال صحت آگهی ها به عهده ندارد.

صفحه آرا: امیررضا امینی

آمد نوروز هم از بامداد آمدنش فرخ و فرخنده باد

نوروز روز جشن آغاز سال پارسی است که در روز نخست فروردین ماه، برابر با ۲۱ مارس میلادی برگزار می شود. در زبان عربی کلمه «نوروز» به صورت پهلوی «نوگ روز» و پارسی «نوروز» و معرب «نیروز» به کار رفته است.

بیرونی در تعریف و وجه تسمیه نوروز آورده است: «نخستین روز است از فروردین ماه و بدین جهت نوروز نام گرفته که آغاز سال نو است و تا پنج روز پس از آن جشن ها بر پا می کردند و روز ششم فروردین را نوروز بزرگ یا جشن بزرگ و یا نوروز ملک گویند زیرا خسروان در آن پنج روز به حقوق اطرافیان و مردم و نیز بزرگان رسیدگی می کردند و روز ششم جهت ملاقات خاصان و نزدیکان خلوت می کردند. ایرانیان معتقد بودند در این روز خداوند از آفرینش جهان آسود و مشتری را بیافرید و زردشت با خداوند توفیق مناجات یافت و کیخسرو بر آسمان عروج کرد.

پنج روز اول جشن نوروز که جنبه همگانی داشت و عموم مردم در آن به اجرای مراسم خاص خویش می پرداختند «نوروز عامه» و از روز ششم که جشن نوروز به طرز ویژه ای در دربار برگزار می شد «نوروز خاصه» بوده است.

در نوروز شب با روز برابر شود و به قول گردیزی: سایه ها از دیوارها بگذرد و آفتاب از روزن ها اوفتد و عجمان گویند: اندر این روز جمشید بر گوساله نشست و سوی جنوب رفت، به حرب دیوان و سیاهان، و کارزار کرد و همه را مغلوب نمود.

در سبب پیدایش نوروز آورده اند که دیوان به فرمان جمشید تختی بساختند و آن را بر دوش گرفتند و از دماوند به بابل بردند. مردم از دیدن او که چون خورشید بر تخت خود می درخشید، به حیرت افتادند و پنداشتند که او خورشید است و به یک روز دو خورشید در آسمان پیدا شده، این امر در نخستین روز فروردین بود و از این رو، مردم بر گرد تخت او جمع شدند و همگان گفتند این روز نو است و جمشید فرمان داد این روز و پنج روز پس از آن را جشن گرفتند. بیشتر منابع، جمشید را پایه گذار نوروز و رسم های نیکو دانسته اند. طبری و فردوسی هم همین روایت را تأیید کرده اند. بیرونی روایات مختلفی در این باب و در مورد وجه تسمیه و برپایی نوروز گرد آورده است. در یک روایت ضعیف،



وضع نوروز به سلیمان بن داوود انتساب یافته که این هم ناشی از خلط روایات مربوط به سلیمان و جمشید می تواند باشد.

نوروز را در ایران قدیم جشن فروردگان نیز گفته اند زیرا این زمان را اوقات نزول فرَوهرها از آسمان می دانسته اند. در موقع ششمین گاهنبار که خلقت بشر در آن صورت گرفته، فرَوهرها ده شب در روی زمین توقف می کنند. بیرونی می نویسد این جشن ده روز طول می کشیده و آخرین پنج روز اسفند ماه را نخستین فروردگان، و خمسۀ مُستَرَقَه (اندرگاه) را دومین فروردگان می گفته اند. در دو جشن نوروز و مهرگان، در دوره هایی از تاریخ ایران، مردم به فراخور موقعیت خود، برای شاهان هدیه می بردند.

برخی به این نتیجه رسیده اند که نوروز جشنی آریایی نیست و قبل از آریایی ها در تمدن های سامی بین النهرین وجود داشته است.

در ایام نوروز مراسم خاصی در ایران قدیم برگزار می شد که دنباله آن تا امروز نیز باقی است. پارسیان برای جشن فروردین، خانه را تمیز می کنند و اتاق برگزاری مراسم را می آرایند و بر روی میزی کوزه آب و گلدان گل و ظرفی از آتش می گذارند و آتش را با چوب صندل و سایر چوب های خوشبو نیرو می دهند و هر کس می بایستی با دست خود چوب بر آتش نهد و نام درگذشتگان خود را برشمارد. مردم برخی نواحی ایران معتقدند که در شب آخر سال، ارواح درگذشتگان به خانه های خود بر می گردند و از روشنی چراغ شاد می شوند.

رسم برافروختن آتش در نوروز تا زمان عباسیان در بین النهرین رواج داشت و از احترام خاص آتش نزد ایرانیان حکایت می کرد. رسم دیگر، آب ریختن به یکدیگر و غسل کردن در صبح نوروز بوده و علت آن را این دانسته اند که وقتی در زمان جمشید، به علت عدم مرگ و میر، زمین بر جانوران تنگ شده بود، خداوند آن را سه برابر کرد و مردمان را امر نمود با آب غسل نمایند تا از گناه پاک شوند و نیز گفته اند چون این روز به «هرودا» فرشته آب تعلق دارد، به این جهت مردمان هنگام سپیده دم با آب قنات خود را می شویند. از رسم های دیگر، لباس نو پوشیدن و سفره هفت سین گذاشتن و کاشتن سبزی و هفت نوع غلات بود که هر کدام از آنها که بهتر می روید، دلیل قوت آن نوع نبات در سال جدید بود. برخی از این رسوم هنوز در جوامع روستایی ایران پابرجا هستند. نوروز و مهرگان از مهمترین جشن هایی بودند که در ایران برگزار می شدند و در شعر و ادب فارسی فراوان به این دو جشن بزرگ، بویژه نوروز، اشاره شده است:

روز نوروز و ماه فروردین
آمدند ای عجب ز خُلد برین (مسعود سعد)
آمد نوروز هم از بامداد
آمدنش فرخ و فرخنده باد (منوچهری)

برگرفته از فرهنگ اساطیر و داستان واره ها در ادبیات فارسی

تألیف دکتر محمد جعفر یاحقی



خواجه پیروز، از باورهای زیبای گره خورده با نوروز



رویش های نوروزی است.

«دکتر مهرداد بهار در مقاله‌ای که نخست در ۱۹۸۳ منتشر گردید، چنین اظهار عقیده نموده که سیاهی چهره حاجی فیروز از آیین‌ها و افسانه‌های مرتبط با شاهزاده سیاوش گرفته شده، و این‌ها نیز خود از آیین‌ها و افسانه‌های مربوط به خدای میان‌رودانی کشاورزی و دامداری، تموز (سومری: Dumuzi) اقتباس شده‌اند. وی، به پیروی از جیمز فریزر، استدلال نمود که تموز در هر بهار از جهان مردگان باز می‌گشت، و جشن بازگشت وی یادآور مرگ و باززایی هر ساله گیاهان بود. در طی برگزاری برخی از این آیین‌ها، که مردم در خیابان‌ها سرود می‌خواندند و می‌رقصیدند، بسیاری چهره خود را سیاه می‌کردند. براساس این شواهد، بهار نتیجه گرفت که

«خواجه پیروز» یا «حاجی فیروز»، از باورهای زیبای گره خورده بانوروز است که ریشه‌ای بسیار کهن در این سرزمین دارد. چهره سیاه شده خواجه پیروز دلیل بازگشت او از جهان مردگان و نیز نماد سیاهی زمستان است و لباس سرخ او هم نماد سرخی آتش و آمدن گرما و نیز نماد سرخی گل‌ها و طبیعت زیبای نوروزی است. شادی و پایکوبی او هم به خاطر پیروزی بهار و باززایی طبیعت و زایش‌ها و

میرجلال‌الدین کزازی پژوهشگر معتقد است که: «جامه سرخ حاجی فیروز یادآور سرخی خورشید است، بر این پایه، تیرگی روی او می‌تواند نشانی از سیاهی شب باشد. آن طرازمندی بهاری به گونه‌ای در رنگ و ریخت حاجی فیروز به نمود آمده است. شب نشانی است از شب، زمستان و سرما که به پایان می‌رسند سرخی لباس او نشانی از روز گرمی و نیرومندی دیگر باره خورشید که آغاز می‌شود. به سخنی دیگر می‌توان گفت که ما در حاجی فیروز به شیوه‌ای رازآلود و نمادین دو سوی بنیادین و ناگزیر را در هستی

جهان و انسان می‌توانیم یافت. نیستی و هستی؛ مرگ و زندگی؛ پژمرگی و شکوفایی؛ زمستان و بهار»

اما چگونه است که این سنت‌های کهن نوروزی و از آن جمله «خواجه پیروز» با نام‌ها و مناسبت‌های گوناگون در درازای تاریخ این سرزمین پاسداری شده‌اند، اما مشابه این آیین‌ها در بین‌النهرین (عراق کنونی) با آن همه سند و مدرک به فراموشی سپرده شده است؟ این را دیگر باید در ویژگی فرهنگ ایرانی جستجو کرد و از سویی، گواه دیگری بر بومی بودن و مردمی بودن این باور هاست. چون تنها سنت‌ها و آیین‌هایی که از دل مردم جوشیده‌اند، می‌توانند این چنین در دوران گوناگون دوام بیاورند و هر چند نامش دگرگونی پیدا کند، اما جاودان بماند.

منابع:

۱- (دانشنامه ایرانیکا، ج ۱۱، ص ۵۳-۵۵۲).

۲- سایت میراث فرهنگی

زایش و باروری بر زمین باز می‌ایستد. «دوموزی ایزد نباتی است که با رفتنش به جهان زیرین، گیاهان خشک می‌شوند. پس چاره چیست؟ خواهر دوموزی نیمی از سال را به جای برادرش در سرزمین مردگان به سر می‌برد تا برادرش به روی زمین باز آید و گیاهان جان بگیرند. بالا آمدن دو موزی و رویش گیاهان همزمان با فرا رسیدن بهار و نوروز ما ایرانی‌هاست. در آن هنگام که دوموزی به همراه مردگان بالا می‌آید و سال نو آغاز می‌شود، ایرانیان نیز به استقبال فروهرهای مردگان می‌روند و

**لباس سرخ او
نماد سرخی آتش و
آمدن گرما و نیز نماد سرخی
گل‌ها و طبیعت زیبای نوروزی
است. شادی و پایکوبی او هم به
خاطر پیروزی بهار و
باززایی طبیعت و زایش‌ها و
رویش‌های نوروزی است.**

برای روان‌های مردگان که به خانه و کاشانه خود بازگشته‌اند، مراسم دینی برگزار می‌کنند. همزمان با این آداب و رسوم، حاجی فیروز با جامه‌ای سرخ و چهره‌ای سیاه و دایره زنگی در دست، فرارسیدن بهار را نوید می‌دهد. آیا این جامه‌ی سرخ حاجی فیروز همان جامه‌ی سرخی نیست که بر تن دوموزی کرده‌اند و وی به هنگام بازگشت به جهان زندگان آن را هنوز بر تن داشته است؟ آیا چهره سیاه حاجی فیروز نشان از تیرگی جهان مردگان ندارد؟ و آیا دایره زنگی او و نی لبکی که همراه با او می‌نوازد، همان نی و سازی نیست که به دست دوموزی داده‌اند؟»

به گفته شیدا جلیلوند، همه این موارد تأییدی است بر دیدگاه شادروان مهرداد بهار درباره بومی بودن این بخش از آیین‌های نوروزی و بهاری. ۲

حاجی فیروز ایرانی با چهره سیاه شده‌اش، می‌بایست بازمانده مراسم میان‌رودانی سیاه کردن صورت افرادی باشد که در جشن تموز شرکت می‌کرده‌اند.

مهرداد بهار ده سال بعد در مصاحبه‌ای، فرضیه بدیع خود را با تأکید بیشتری اظهار داشت و مدعی گردید که «چهره سیاه حاجی فیروز نماد بازگشت او از جهان مردگان است و لباس سرخ او نیز نماد خون سرخ سیاوش و حیات مجدد ایزد شهیدشونده، و شادی او شادی زایش دوباره آنهاست که رویش و برکت با خود می‌آورند». بهار در جایی دیگر حدس زده است که نام سیاوش ممکن است به معنای «مرد سیاه»، یا «مرد سیاه چهره» باشد؛ و اظهار می‌دارد که بخش «سیاه» نام وی می‌تواند اشاره‌ای باشد یا به سیاهی چهره‌ی شرکت‌کنندگان در آیین‌های یاد شده‌ی میان‌رودانی، یا به صورتک‌های سیاهی که آنان برای جشن می‌زدند. وی می‌افزاید که شخصیت حاجی فیروز می‌تواند باقی مانده همین رسوم باستانی باشد. با این همه، وی از اثبات دیدگاه‌های خویش در می‌ماند، و نظریاتش مجموعه حدسیاتی مبتنی بر شباهت‌هایی با پشتوانه‌ای بکلی نامستدل باقی می‌مانند. دانشمند دیگری بر این گمان است که حاجی فیروز تداوم سنت سال نو دوران ساسانی است، که در طی آن، بردگان سیاه جامه‌ای رنگارنگ می‌پوشیدند و چهره‌پردازی بسیاری می‌کردند و مردم را با سرودخوانی و رقص سرگرم می‌نمودند. ۱

اما شیدا جلیلوند که روی لوح اکدی فرود ایشتر کار کرده، به نکته‌ای پی برده که گفته‌های مهرداد بهار را تأیید می‌کند. ایشتر به جهان زیرین سفر می‌کند و برای او دیگر بازگشتی نیست. پس از فرو شدن ایشتر،



آیا ایران بار دیگر عقب می ماند؟

وصل شدن ایران به ارابه پیشرفت غرب

کاظم علمداری

چکیده بخش‌های پیشین: در بخش نخست نشان داده شد که ایران در سی و پنج سال گذشته، هم از کشورهای هم‌ردیف خود عقب مانده است و هم رشد اقتصادی‌اش نسبت به قبل از انقلاب به شدت کاهش یافته است. برای این تفاوت به دو عامل اشاره شد: یکی سلطه و مدیریت نهاد روحانیت و نظامی بر تمام ارکان جامعه، و دوم جدا افتادن ایران از ارابه پیشرفت تمدن مدرن، که این نیز ناشی از دینی شدن حکومت بود. عامل اول در بخش دوم توضیح داده شد، در این بخش فرایند وصل شدن ایران به ارابه پیشرفت غرب، و در بخش چهارم، در ادامه این مطلب، به عوامل و نتایج جدا شدن از پیشرفت‌های مدرن توضیح داده خواهد شد.

فرایند رشد اقتصادی و صنعتی ایران

موتور رشد و پیشرفت در غرب، سرمایه‌داری بود. شرق و جوامع در حال توسعه با تأخیر طولانی به سرمایه‌داری دست یافتند. ژاپن در نیمه دوم قرن نوزدهم و بسیاری جوامع دیگر بعد از جنگ جهانی دوم، با وصل کردن خود به ارابه تمدن کشورهای پیشرفته غرب، توانستند از دست آوردهای علمی، صنعتی، تجربی،

مدیریت و همچنین سرمایه گذاری و در مراحل بعدی بازار آنها استفاده کنند و فازهایی از رشد و پیشرفت را طی کنند، و بخشی از عقب ماندگی خود را جبران نمایند. ایران، قبل از انقلاب ۱۳۵۷، در این موقعیت قرار داشت؛ اما انقلاب، با نام «استقلال»، ایران را از ارابه پیشرفت غرب جدا کرد. تحول از اقتصاد ماقبل سرمایه‌داری به سرمایه‌داری در ایران با گام‌های آهسته

کرد. این کمک‌ها تا سال ۴۲ به ۵۰۰ میلیون دلار رسید. درآمد نفت نیز سال به سال افزایش یافت، بطوری که از ۳۴ میلیون دلار در سال‌های ۱۳۳۲ و ۱۳۳۴، به ۴۳۷ میلیون دلار در سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ رسید. [۱] از نظر سیاسی این رخدادها به سود دیکتاتوری شاه بود، ولی از نظر اقتصادی و توسعه به سود جامعه تمام می‌شد. باز خوانی واقعیت‌های دیگر این امر را روشن‌تر می‌کند. زنده یاد بیژن جزنی در کتابی که در

صنایع مشابه کند. کشوری‌های عقب مانده، مانند ایران، نیاز داشتند که در نخستین مراحل رشد خود از صنایع وارداتی بهره بگیرند. برای نمونه، «ایران خودرو» به دلیل آنکه قادر به ساخت موتور و برخی قطعات اتومبیل نبود به کمپانی هیلمند وابسته بود تا تولید خود را تکمیل کند. امروز نیز، پس از گذشت ۳۵ سال از انقلاب، این نیاز برطرف نشده است؛ از جمله برای استخراج نفت و گاز هنوز به صنایع و ماشین‌آلات و سرمایه خارجی نیاز است.

از این گذشته، هیچ کشوری نمی‌تواند مانع رشد و پیشرفت کشور دیگر بشود. کره شمالی و پاکستان علی‌رغم خواست کشورهای دیگر به تولید بمب هسته‌ای دست یافتند. اگر این کشورها می‌خواستند به جای بمب هسته‌ای، تلویزیون، کامپیوتر، اتومبیل، کشتی و هواپیمای مسافری بسازند، کشورهای دیگر نمی‌توانستند مانع آنها شوند. کشورهایی مانند کره جنوبی و برزیل، به جای بمب هسته‌ای، راه تولید صنایع سنگین و سبک خود را با کمک گرفتن از غرب پیش بردند. امروز، کره جنوبی در ساخت کشتی‌های تجاری و برزیل در ساخت هواپیماهای مسافربری به رقبای نیرومند غرب بدل شده‌اند. آنها از صنایع مونتاژ و استفاده از اعتبارات و سرمایه امپریالیستی آغاز کردند و امروز بخشی از بازار کشورهای امپریالیستی را هم در اختیار دارند. برزیل امروز به دومین کشور وام‌دهنده به دولت آمریکا، بعد از چین، بدل شده است.

● ایران بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

در این قسمت به بازبینی برخی از اطلاعات مربوط به فرایند رشد صنعتی شدن ایران می‌پردازم. پرواند آبراهامیان می‌نویسد: بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۶، آمریکا برای جلوگیری از ورشکستگی حکومت جمعاً مبلغ ۱۴۵ میلیون دلار به ایران کمک

و پراکنده، پیش از انقلاب مشروطیت آغاز شد، ولی رشد شتابان و برنامه ریزی شده آن، بعد از سال ۱۳۳۲ و بویژه بعد از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ رخ داد.

نگاه ایدئولوژیک، تقسیم جهان میان شرق و غرب در دوران جنگ سرد، بی‌توجهی به اهمیت کارآفرینی، تولید ثروت ملی، غلبه دیکتاتوری و فضای بسته سیاسی سبب شد که ارزیابی دقیقی از دگرگونی‌های اقتصادی و صنعتی قبل از انقلاب انجام نگیرد و مقابله با دیکتاتوری، به مبارزه علیه سرمایه‌داری و امپریالیسم بدل شود. همین ارزیابی سبب شد که پس از انقلاب، زیر پوشش حکومت مستضعفان و مقابله با مستکبران، شرکت‌ها و مؤسسات نو بنیاد صنعتی ایران مصادره و رابطه با غرب قطع شود.

● صنعت مونتاژ

صنایع مونتاژ یا صنعت نطفه، به جای وارد کردن محصولات آماده صنعتی، در شرایطی که هنوز جامعه توان ساخت مستقل و کامل آنها را ندارد، نه تنها منفی نیست، بلکه مثبت و تنها راه عقلانی دست‌یابی به صناعی است که کشورهای غربی در زمانی طولانی‌تر آنها را ساخته‌اند. همین گونه است در مورد کسب علم. ایرادی که به صنایع مونتاژ گرفته می‌شود یکی سودبری شرکت‌هایی خارجی از سرمایه‌گذاری در داخل و دیگری انتقال ماشین‌آلات خارجی به کشور میزبان برای وابسته کردن صنعت آنها است. سودبری شرکت‌های خارجی و با داخلی برای تولیدات، توسعه صنعتی و تجارت امری کاملاً متعارف، قانونی و پذیرفته شده است. انتقال قطعات ماشین و تکمیل آن در داخل، به جای وارد کردن ماشین نیز برای کشوری که امکان ساخت آنها را ندارد، یک گام به پیش است.

وابسته کردن صنایع داخلی به کشورهای خارجی فرض درستی نیست. زیرا اگر کشوری خود امکان تولید صنایع مشابه را داشته باشد، دلیلی ندارد که اقدام به واردات

نگاه ایدئولوژیک، تقسیم جهان میان شرق و غرب در دوران جنگ سرد، بی‌توجهی به اهمیت کارآفرینی، تولید ثروت ملی، غلبه دیکتاتوری و فضای بسته سیاسی سبب شد که ارزیابی دقیقی از دگرگونی‌های اقتصادی و صنعتی قبل از انقلاب انجام نگیرد.

سال ۱۳۵۱ در زندان تنظیم کرد می‌نویسد: «بورژوازی ملی که در فاصله سال‌های ۳۲-۲۰ به زیان بورژوازی کمپرادور رشد چشم‌گیری کرده بود، به دنبال کودتای ۲۸ مرداد از رشد باز ماند... و در جهت بورژوازی کمپرادوری کانالیزه شد و اکنون به مثابه یک نیرو و قشر معتبر اجتماعی - اقتصادی شناخته نمی‌شود.» [۲] «بقایای فئودالیسم که هنوز در بعضی از نواحی و برخی از رشته‌ها به چشم می‌خورد، نمی‌تواند به منزله ادامه نظام فئودالی تلقی گردد.» [۳]... نویسنده نتیجه می‌گیرد که: «نظام اجتماعی - اقتصادی ایران نظام سرمایه‌داری وابسته است.» در سرمایه‌داری بودن نظام سخنی نیست، ولی در مورد وابستگی آن باید گفت سرمایه‌داری، برخلاف نظام فئودالیسم، از

و به نفع خودش بهره جوید. چرا جبهه ملی که سرنوشت یک ملت و اعتماد بخش گسترده‌ای از جامعه سیاسی آن را به دست داشت این گونه به نابودی خود کمر بست؟ پاسخ مختصر این است: در نتیجه ضعف تحلیلی، قضاوت‌های نادرست سیاسی، فقدان رهبری قاطع، عدم دموکراسی درونی و آشفتگی تشکیلاتی. [۶] کاتوزیان اضافه می‌کند: «... جبهه ملی حتی از اعلام پشتیبانی از اصلاحات ارضی نیز، به خاطر مخالفت نیروهای محافظه کار، می‌هراسید... و عملاً عنوان کرد که از آنجا که در ایران فئودالیسم هرگز وجود نداشته است، بنابراین نیازی هم به اصلاحات ارضی نیست.» [۷]

روند دگرگونی ساختار اجتماعی - اقتصادی جامعه، جدا از مبارزات سیاسی و ضد دیکتاتوری مردم، به پیش می‌رفت. آنطور که جزئی نوشته است، «فتودالیسم» به عنوان یک فرماسیون اجتماعی - اقتصادی عمرش در ایران به سر آمده بود و جامعه آماده تحول به سرمایه‌داری بود. بقایای «بورژوازی ملی» هم، کوچک و عقب مانده در تولید به زور به حیات خود ادامه می‌داد. در این شرایط، جامعه آماده

تحول به سرمایه‌داری بود. بورژوازی ملی ایران زمانی می‌توانست به حیات خود ادامه دهد که متحول می‌شد. تحول بورژوازی ملی، یعنی وارد شدن به عرصه تولیدات صنعتی و بالا بردن تولید برای نیاز روز افزون جامعه. بنابراین، «بورژوازی کمپرادور»، همان سرمایه داران ایرانی بودند که این نیاز را درک کردند و خود را به ارابه پیشرفت‌های صنعتی جهان متصل نمودند تا به تولید بالا دست پیدا کنند. این حرکت، بیش از آنکه به سود شاه باشد، به سود رشد و پیشرفت جامعه بود.

واقعیت این است که این ناتوانی ربطی به فراهم شدن شرایط برای رشد «بورژوازی کمپرادور» نداشت تا برنامه خود را که رشد و گسترش «سرمایه داری وابسته» بود، با خیال راحت پیش ببرند. در حالی که نیروهای مترقی خواهان اصلاحات بدون دیکتاتوری شاه بودند و روحانیت سنتی و رادیکال ایران مخالف اصلاحات ارضی و حق رأی زنان بودند.

جزئی خود در جای دیگر می‌نویسد: «حتی پس از سقوط امینی، هنگامی که شاه و جناح او موضع خود را عوض کرده بودند، سازمان دانشجویان و بالاخره رهبری مردم جبهه ملی، در فراندوم بهمن ۴۱، شعار «اصلاحات ارضی بله - دیکتاتوری شاه نه» را سر دادند. این خود نشان می‌داد که خلق نمی‌توانست خود را از اصلاحات ارضی بر کنار دارد.» [۵]

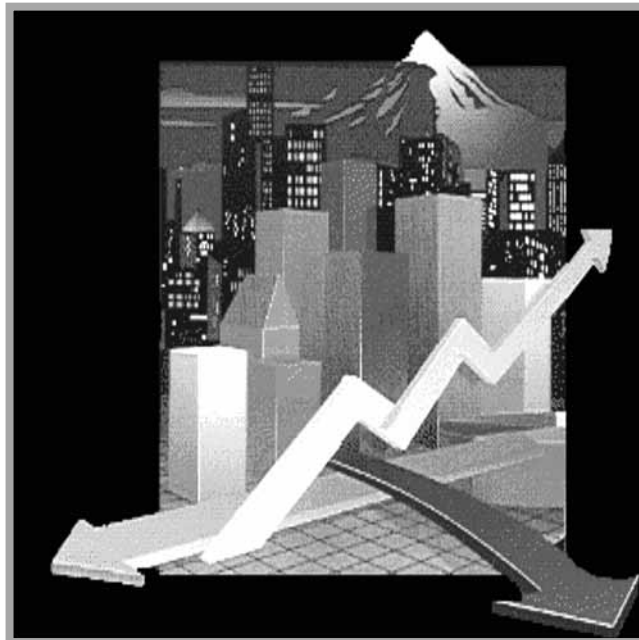
در ارتباط با نقش جبهه ملی، همایون کاتوزیان ارزیابی نسبتاً متفاوتی ارائه می‌دهد. او می‌نویسد: «اگر خود شاه هم سرپرستی فعالیت‌های جبهه را به عهده داشت، نمی‌توانست به این خوبی از آن علیه تمامی آپوزیسیون (و از آن جمله خود جبهه)

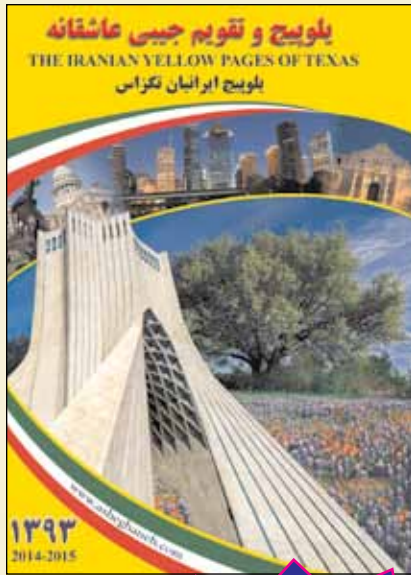
آغاز یک پدیده جهانی بود، و هر کشوری که به قلمرو سرمایه‌داری وارد می‌شد نمی‌توانست در انزوا بماند. بنابراین همه بهم وابسته‌اند. رشد و پیشرفت سرمایه‌داری به جهانی بودن آن وابسته است. همین امروز اگر بازار جهانی از شرکت ماکروسافت گرفته شود نابود می‌شود. همین گونه است وابسته بودن مصرف کنندگان کامپیوتر در جهان به این تکنولوژی. تولید در سیستم سرمایه داری، نه برای بازار داخلی، بلکه برای بازار جهانی است.

جزئی می‌نویسد: «سال‌های ۳۹-۴۲ یعنی مهم‌ترین مرحله انتقال، علی‌رغم حرکات کوچک و پراکنده نیروهای مترقی، در هیچ یک از دو جناح بورژوازی ملی و طبقه کارگر یک نیروی سازمان یافته و با تجربه که قادر باشد جنبش‌های خود انگیخته توده را رهبری کند وجود ندارد. بنابراین بورژوازی کمپراتور و امپریالیسم با خیال نسبتاً آسوده برنامه خود را به مورد اجرا گذاشتند.» [۴] با توضیحات فوق روشن می‌شود که عمر «فتودالیسم» و «سرمایه داری ملی» در ایران پایان پذیرفته بود و جامعه به مرحله نوینی وارد می‌شد. مبارزات مردم ایران در آن زمان، سیاسی

و علیه دیکتاتوری بود، نه سرمایه‌داری و صنعتی شدن ایران.

در سال‌های ۳۹-۴۲، دولت با مشکلات مالی، و جامعه با رکود اقتصادی روبرو شد. علی‌رغم باز شدن فضای جامعه، فشار جان اف کندی رئیس‌جمهور وقت آمریکا به شاه برای اصلاحات و انتخاب علی‌امینی به نخست‌وزیری، رشد بی‌سابقه جنبش دانشجویی، تشکیل جبهه ملی دوم و نهضت آزادی و بالاخره واقعه ۱۵ خرداد، نیروهای سیاسی نتوانستند جنبش ضد دیکتاتوری را رهبری کنند.





انتشارات عاشقانه تقدیم می کند

یلوپیج و تقویم جیبی عاشقانه

The Iranian Yellow Pages of Texas

یلوپیج ایرانیان تگزاس

و

تقویم دیواری عاشقانه

(۱۳۹۳-2014)

بهترین هدیه
با تیرازی بالا
منتشر شد

برای دریافت این یلوپیج جیبی
و تقویم تمام رنگی دیواری
به مراکز پخش عاشقانه
مراجعه فرمائید

چرا نام و آگهی شغل شما در یلوپیج جیبی
و تقویم دیواری عاشقانه نباشد؟

۷۱۳-۹۷۳-۸۶۸۶



آژانس مسافرتی اسکای ویز

Where in the world You Are Going!

نمایندگی شرکتهای هوایی

- لوفتانزا
- بریتیش ایر ویز
- ک - ال - ام
- شرکت هواپیمائی اطیش
- ایر فرانس
- شرکت هواپیمائی کویت
- شرکت هواپیمائی ترکیه
- هواپیمائی امارات
- شرکت هواپیمائی قطر

ارزانترین قیمت و بهترین شرایط را از ما بخواهید!

با امکانات و قراردادهائی که بین اسکای ویز تراول و شرکتهای
بین المللی هوایی وجود دارد، مسافرت می توانند از نقاط مختلف
جهان به مقصد خود مسافرت کنند.

(713) 621-9300

Fax: (713) 621-9391

10550 Richmond Ste#150 Houston, TX 77042

سفره عقد پیوند

ارائه کننده زیباترین انواع سفره های عقد

تزئین زیبا ترین و سنتی ترین سفره عقد در مدت کوتاه



Elegant Persian
Wedding Decoration
by Monir

سفره هفت سین
سفره عقد و عروسی
دکوراسیون برای جشن تولد
و فارغ التحصیلی و جشن نامزدی
انواع سفره های سنتی

منیره هدایت نژاد

281-579-3380

832-646-3001

TABS FURNITURE

**WIDE SELECTION
OF ASHLEY
FURNITURE PRICED
IN WHOLESALE**

عمده فروشی و وارد کننده مستقیم
مبلمان، نقاشی، آینه و لوازم دفتر

انتخابی گسترده از مبلمان Ashley

به قیمت عمده فروشی

82000 SQFT FULL WITH
FURNITURE

خرید بیشتر، تخفیف بهتر

3002 FONDREN RD.
(BETWEEN RICHMOND & WESTHIMER)
HOUSTON, TX 77063

713-975-8048

713-975-1070



با صمیمانه ترین تبریکات بمناسبت فرا رسیدن نوروز باستانی و سال نو

لغات رایج کشورهای ایران، ترکیه، امارات، اهلان، ملای، پاکستان، عرب و کشورهای منطقه فارسی
با نصب دیش و بدون نصب دیش

ماهواره بین المللی
International Satellite

بدون پرداخت هزینه ماهانه

برای خرید و نصب:

دیش و رسیورهای ۲۴ ساعته ایرانی

با تلفن زیر تماس بگیرید.

شماره ۷۱۳-۷۷۱-۱۱۰۴ خسرو

Sitars

Photography & Video

تولید جشن نامزدی عقد و عروسی سالگرد ازدواج فارغ التحصیلی

شهره ۷۱۳-۷۷۱-۱۱۰۴

مامی سکه سنجر سمنو سبزه

سال نو مبارک

برای تهیه لوازم سفره هفت سین عید نوروز با ما تماس بگیرید.

قنادی آرموند (جنب فونیشیا)
۲۸۱-۶۷۹-۹۴۴۴
۷۱۳-۷۷۱-۱۱۰۴

تخم مرغهای جادویی نوروزی

مژده مژده تخم مرغ جادویی رسید

با ۱۲ طرح و رنگ مختلف بدون نیاز به رنگ و نقاشی در کمتر از ۵ ثانیه

قنادی آرموند (جنب فونیشیا)
۲۸۱-۶۷۹-۹۴۴۴
۷۱۳-۷۷۱-۱۱۰۴

PEYMAN
P.M.A. Remodeling & Construction L.L.C

خدمات ساختمانی و تغییرات دکوراسیون منزل

نقاشی ساختمان
ساخت حمام
نصب کف پوشهای چوبی و سرامیکی
تغییر دکوراسیون آشپزخانه
نصب و تعمیر دربهای ورودی و پنجره ها
نصب و تعمیر دیوارهای ساختمان
خدمات الکتریکی
خدمات لوله کشی
تغییر دکوراسیون پله و نرده

**بازدید و برآورد
قیمت مجانی**

پیمان (832) 860-3249



سفره عقد رویا
زیباترین و رویانی ترین شب زندگی خود را با سفره عقد رویا جاودانه سازید

royarazavi@gmail.com

مجری سفره های عقد سنتی و مدرن ایرانی
قبول سفارشات، سفره آرایین، شمع آرایین، گل آرایین رایگان بهمراه
هدیه به یاد ماندنی و خاطره انگیز به عروس و داماد

936-645-3531 Visit us on facebook
936-462-9864 Nic-Nac



Cool Rain

Air-Conditioning and Heating

Commercial

24h Service

Residential

Call For Maintenance Contract

Free Estimates on Replacements

Financing Available

Licensed and Insured

TACL B26903E

جواد علیشاهی

سرماریز

**کولر - تهویه مطبوع
فروش، نصب، سرویس**

713-829-0006

713-900-4428

• سرویس بموقع • کیفیت برتر • قیمت مناسب



Carrier



YORK

TRANE



RUUD



bryant



سبکتر شوند، فرانسه در ایران فرصت‌های تجاری فوق‌العاده‌ای خواهد داشت.»
بر اساس این گزارش، این شرکت‌ها تصمیم دارند تا از فرصت شش‌ماهه توافق هسته‌ای ژنو استفاده کرده و پیش از هجوم رقبا، جایگاه پیشین خود را در بازار ایران باز یافته و فروش خودرو به این کشور را از سر بگیرند. بجز فرانسه، نمایندگان تجاری و صنعتی چندین کشور اروپایی دیگر از جمله آلمان و هلند هم بزودی به ایران سفر می‌کنند.

سفر، بزرگترین نشانه آمادگی غربی برای از سرگیری سرمایه‌گذاری در ایران طی یک دهه گذشته به شمار می‌رود.

«فرانسوا نیکولو» سفیر پیشین فرانسه در ایران در این باره گفته است که شرکت‌های فرانسوی که تا پیش از اعمال تحریم‌ها در ایران فعالیت داشتند، اکنون خواستار بازگشت به این کشور هستند. وی از جمله به شرکت‌های رنو، «پژو

سفر نمایندگان بیش از صد شرکت فرانسوی به ایران

سیتروئن»، «ایرباس گروپ» و شرکت‌های خدمات بانکی «کردی آگریکول»، «سوسیتیه ژنرال» و «بی‌ان‌پی پارینا» اشاره کرده است. «پی‌یر موسکوویسی» وزیر بازرگانی فرانسه نیز گفته است که هدف از این سفر «رساندن این پیام است که اگر تحریم‌ها



نمایندگان بیش از صد شرکت فرانسوی دوشنبه ۳ فوریه ۲۰۱۴ برای دیداری سه روزه به ایران سفر کردند تا با مسئولان سیاسی و تجاری ایران ملاقات و مذاکره کنند. در این هیئت، نمایندگان دولت فرانسه هم حضور داشتند. به گزارش ایلنا به نقل از رویترز، این



۵ سرباز ایرانی گروگان گرفته شدند

پنج سرباز ایرانی در مرز بلوچستان ربوده شدند. یک روز پس از وقوع این اتفاق، جیش العدل مسئولیت این گروگان‌گیری را به عهده گرفت. جیش العدل با انتشار فیلمی، از جمهوری اسلامی خواسته تا در ازای آزادی این پنج سرباز، ۵۰ عضو زندانی این گروه، ۲۰۰ نفر از شهروندان سنی مذهب زندانی در ایران و همچنین ۵۰ نفر از زنان سنی را که به گفته جیش العدل در سوریه در بازداشت سپاه پاسداران هستند، آزاد کند.
تا لحظه تنظیم خبر هنوز مقامات ایرانی در این خصوص به جیش العدل پاسخی نداده‌اند. مسئولین جمهوری اسلامی معتقدند مرزبانان ایرانی به داخل خاک پاکستان انتقال یافته و به همین علت دو بار سفیر این کشور در تهران را احضار و مراتب نگرانی خود را به پاکستان اعلام کرده‌اند.

هشدار سازمان ملل به افزایش اعدام‌ها

دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد در بیانیه جدیدی، نسبت به بالا رفتن شمار اعدام‌ها در ایران هشدار داده است.
به رغم فشارهای بین‌المللی، اما آمارهای ارائه شده از سوی این دفتر نشان می‌دهد که در سال جاری میلادی، دست کم ۸۰ مورد اعدام انجام شده است.

ارتکاب به قتل، تجاوز به عنف، ارتداد، اهانت به پیامبر اسلام، جرم‌های مرتبط با قاچاق مواد مخدر، مشارکت در قتل و سرقت مسلحانه از جمله موارد اتهامی در دستگاه قضائی جمهوری اسلامی است که منجر به صدور حکم اعدام می‌شود. بخش عمده‌ای از احکام اعدام در ایران برای جرم‌های مرتبط با قاچاق مواد مخدر صادر می‌شود.

حشیش و کدئین؛ بیشترین مواد مصرفی در میان دانشجویان ایران

ندارند. او در ادامه گفته است: «در بین داروها بیشترین شیوع مصرف در بین دانشجویان به ترتیب، کدئین، ترامادول، دیازپام و ریتالین اختصاص دارد. این قرص‌ها به اندازه هم‌خانواده‌های مخدرشان ترسناک نیستند، اما عوارضی دارند که دانشجویان از آن بی‌خبرند.» این پژوهش نشان داده است که شیوع مصرف مواد در دانشجویان گروه نمونه در میان پسران سه برابر دختران بوده، ولی مصرف دارو در بین دانشجویان دختر بیشتر از دانشجویان پسر است.

حمید صرامی افزوده است: «طبق این مطالعه، مصرف مواد در دانشجویان گروه نمونه که در منازل مجردی سکونت دارند، بیشتر از دانشجویانی بوده که در خوابگاه یا همراه خانواده خود زندگی می‌کنند و اکثریت دانشجویان گروه نمونه اولین تجربه مصرف خود را قبل از ورود به دانشگاه عنوان کردند.»

نادرست دانشجویان را تهدید می‌کند و آن اینکه مواد و داروهای محرک و مخدر باعث کم‌شدن استرس شب امتحان، کم‌خوابی، تمرکز بیشتر و... می‌شود. او به پژوهشی درباره شیوع‌شناسی مصرف مواد در بین دانشجویان دانشگاه‌های تابعه وزارت علوم اشاره کرد که بر اساس آن ۵۶ درصد دانشجویان گروه نمونه اعلام کرده‌اند که در مورد مواد مخدر اطلاعات کافی ندارند. بر اساس این تحقیق، میزان شیوع مصرف مواد در سال گذشته شمسی در بین دانشجویان دانشگاه‌های تابعه وزارت علوم، معادل ۶ / ۲ درصد بوده و بیشترین شیوع مواد در گروه نمونه دانشجویان به ترتیب حشیش، تریاک، قرص اکس و شیشه بوده است. مدیرکل تحقیقات ستاد مبارزه با مواد مخدر در عین حال هشدار داده که دانشجویانی که مواد مخدر مصرف نمی‌کنند، در مقابل قرص‌های روان‌گردان مقاومتی



مدیرکل

تحقیقات ستاد مبارزه با

مواد مخدر اعلام کرد که بیشترین ماده مخدر مصرفی بین دانشجویان ایران، حشیش و بیشترین دارو، کدئین است.

خبرگزاری مهر به نقل از مدیرکل تحقیقات ستاد مبارزه با مواد مخدر گزارش داده که مصرف مواد مخدر به دلیل استرس شب امتحان و کم‌خوابی در میان دانشجویان رواج پیدا کرده است. حمید صرامی در این ارتباط هشدار داده است: «یک پندار غلط و یک باور

تفاوت در آمارهای رسمی و غیر رسمی کودکان کار



آنها را مجبور به کار می‌کنند. در منطقه فرحزاد در غرب تهران، کودکان کار اکثراً افغانی هستند. در این منطقه کودکان علاوه بر کار اجباری، به مواد مخدر اعتیاد داشته و در فروش مواد مخدر فعال هستند»

کودکان گفت: «در منطقه شوش و دروازه غار تهران اعتیاد، فحشا و سایر معضلات به وضوح دیده می‌شود. کولی‌ها موسوم به غربتی‌ها در این منطقه بسیار زیاد هستند که کودکان آنها فاقد شناسنامه بوده و خانواده‌هایشان

و حتی نوزادی که در آغوش مادر و به اجبار وارد چرخه کار می‌شود نیز وجود دارد». او در ادامه گفت: «آمار واقعی این کودکان حدود هفت میلیون نفر است که نیمی از آنها اتباع کشورهای همسایه هستند.»

آقای واحدی در تعریف کودک کار گفت: «طبق تعریف‌های رسمی، کار کودک فعالیت اقتصادی است که به واسطه آن کودک مورد آسیب جسمی، روحی و روانی قرار گیرد و از آموزش باز بماند». دبیر سمینار تخصصی کودکان کار درباره خاستگاه این

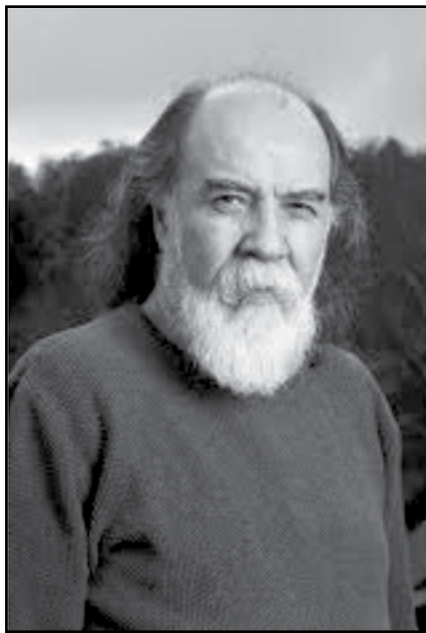
معاون اجتماعی سازمان بهزیستی در حاشیه همایش ملی کودکان خیابانی گفت: «در حال حاضر ۱۷ هزار کودک خیابانی در کل کشور وجود دارد که ۳۰ درصد از آنها اتباع کشورهای دیگر هستند.»

محمد نفریه اظهار داشت قانونی برای برخورد با والدینی که کودکانشان را در خیابان رها می‌نند، وجود ندارد. از سوی دیگر محیا واحدی فعال حقوق کودک و دبیر سمینار تخصصی کودکان کار، میانگین سنی کودکان کار را بین ۱۰ تا ۱۵ سال اعلام کرد اما تاکید کرد: «کودک کمتر از ۵ سال

منصور کوشان نویسنده و روزنامه نگار درگذشت

منتشر کرده است. رمان های: دهان خاموش؛ تثلیث جادو(ناخدا بانو)؛ عشق های شیطان؛ راز بهار خواب؛ آداب زمینی؛ محاق؛ و مجموعه داستان های خواب صبحی و تبعیدی ها واهمه های مرگ؛ واهمه های زندگی؛ زانیه و داستان های دیگر (سه داستان) و... از جمله آثار این نویسنده تبعیدی است. از منصور کوشان همچنین ۱۱ نمایشنامه و ۱۰ کتاب در نقد و بررسی و شناخت ادبیات منتشر شده است.

کوشان در سال های میانی دهه ۱۳۷۰، در تهران سردبیری نشریه ادبی «تکاپو» را بر عهده داشت و پس از خروج از کشور، از بهار سال ۱۳۸۸ فصلنامه ادبی-فرهنگی «جنگ زمان» را منتشر می کرد.



منصور کوشان، داستان نویس، نمایشنامه نویس، روزنامه نگار، عضو کانون نویسندگان ایران، و از کوشندگان آزادی بیان در پی یک دوره طولانی بیماری سرطان، در ۶۵ سالگی، در نروژ درگذشت.

منصور کوشان یکی از فعالان جمع مشورتی کانون نویسندگان و از اعضای هیئت هفت نفره احیای این کانون بود و همزمان با قتل های زنجیره ای، بعد از دعوت به نروژ جهت سخنرانی در پنجاهمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر (دسامبر ۱۹۹۸)، دیگر به ایران باز نگشت. آخرین رمانی که از منصور کوشان در ایران انتشار یافته، «زنان فراموش شده» نام دارد. این رمان را انتشارات ققنوس در سال ۱۳۸۸

خانه کاشف السلطنه، «پدر چای ایران» به غارت رفت



خبرگزاری های ایران گزارش داده اند که منزل مسکونی میرزا کاشف السلطنه مشهور به «پدر چای ایران» در محله شمیران تهران (در خیابان شریعتی) در غفلت سازمان میراث فرهنگی غارت شده است.

بر اساس اطلاعات اهالی محل، کاشی ها، درها، پنجره های بارزش، آیینه کاری ها و

تمامی ملحقات نفیس این خانه با همکاری سرایدار یا مالک قبلی خانه و عتیقه فروشان منطقه شمیران با «پتک و تیشه» از جای کنده شده و به غارت رفته است.

به گفته سجاد عسگری این بنا در لیست خانه های تاریخی اداره کل میراث فرهنگی تهران ثبت نشده و به همین خاطر این سازمان واکنشی به این خبر نشان نمی دهد.

سجاد عسگری گفته است که این خانه به مبلغ ۲۵ میلیارد تومان به شخص دیگری واگذار شده و بر اساس منابع محلی احتمالاً مالک جدید این بنا را خواهید کویید و به جای آن یک آسمان خراش خواهد ساخت.

در سال های اخیر روندی آغاز شده که بر اساس آن با حکم دیوان عدالت اداری، آثاری از فهرست بناهای تاریخی و ملی ایران خارج و سپس تخریب می شوند. خانه پدر پروین اعتصامی (شاعر صاحب نام ایرانی)، خانه صداقت، سرای قاجاریه دلگشا، خانه علیزاده، خانه ویلای نمازی از جمله این ابنیه اند که در تهران واقع شده اند. اما این روند تنها مختص به پایتخت نیست و اخبار بسیاری از تخریب خانه های تاریخی در یزد و اصفهان نیز شنیده می شود.



توقیف روزنامه «آسمان»

روزنامه «آسمان» به سردبیری محمد قوچانی پس از ۶ شماره انتشار از سوی هیات نظارت بر مطبوعات توقیف شد. در این روزنامه در گزارشی با عنوان «روزگار سخت سیاست» از قول داوود هرمیداس باوند حقوقدان و استاد دانشگاه خاطره ای درباره اساتید حقوق دانشگاه نقل می شود. در این نقل قول از عبارت لایحه غیر انسانی قصاص استفاده شده است. اعتراض سایت های اصولگرا به این عبارت که آن را توهین به حکم الهی قصاص قلمداد کردند، باعث شد هیئت نظارت بر مطبوعات با گذشت کمتر از یک هفته از انتشار این نشریه، دستور توقیف این روزنامه را صادر کند.

عکاس ایرانی برنده جایزه «کتاب سال عکاسی آمریکا» شد



قاره‌های مختلف جهان - اعطا شد. مجید سعیدی این مجموعه عکس خود را با عنوان «زندگی در جنگ»، با تمرکز بر جنبه‌های انسان‌دوستانه در خاورمیانه طی دو دهه اخیر و به تصویر کشیدن زندگی مردم خسته از جنگ و درگیری در افغانستان تهیه کرده است.

«فتو اوبدنس» یا عکس‌های شهادت دهنده، جایزه‌ای سالانه در تقدیر از

عکاسانی است که در کارشان شجاعت و تعهدی معطوف به نمایاندن نابسامانی‌ها و بی‌عدالتی‌ها و تلاش‌ها برای رفع این معضلات، بروزی برجسته دارد.

سعیدی که دو سال پیش نیز نامزد کسب این جایزه شده بود، متولد تهران است و عکاسی را از ۱۶ سالگی آغاز کرد و زمانی که ۱۸ داشت برای عکاسی به مرز ایران و عراق رفت. تاکنون عکس‌هایی از سعیدی در نشریات مطرحی چون تایم، اشپیگل لایف، نیویورک تایمز، واشینگتن پست و بسیاری از نشریات خاورمیانه منتشر شده است.

جایزه عکاسی یونیسیف در سال ۲۰۱۰، جایزه هنری نانن در سال ۲۰۱۰، جایزه عکاسی خبری چین در سال ۲۰۱۳ و همچنین جایزه RPS ژاپن در سال ۲۰۱۳ و جایزه لوکاس دوله گا فرانسه از جمله جوایزی هستند که سعیدی تاکنون کسب کرده است.



جایزه کتاب سال عکاسی آمریکا - Photo Evidence - در سال ۲۰۱۴ به مجید سعیدی عکاس ایرانی و مجموعه «زندگی در جنگ» در رقابت با عکاسان بیش از ۶۰ کشور جهان با پروژه‌هایی از

ویدئو تازه گوگوش در حمایت از همجنس‌گرایان



همجنس‌گرایان بیان کرده است. این نشریه نیز از نوید اخوان نقل قول کرد که هم او و هم گوگوش از پیش می‌دانستند که این ویدئو واکنش‌های موافق و مخالف بسیاری را به دنبال خواهد داشت.

گوگوش در صفحه رسمی خود در فیس‌بوک این ویدئو را با آرزوی روزهایی سرشار از عشق برای همه، به اشتراک گذاشت.

این ویدئو تاکنون بیش از ۱۶۰۰ بار بازپخش شده و بیش از ۲ هزار نظر برای آن در صفحه گوگوش ثبت شده است. در همین مدت ویدئوی بهشت نزدیک به ۱۵۵ هزار بار در یوتیوب دیده شده است.

این ویدئو در شهر برلین فیلم‌برداری شده است و یاسمین آزادی و پگاه فریدونی دو زن جوانی هستند که نقش زوج همجنس‌گرا را در آن بازی کرده‌اند.

«هافینگتون پست» نیز در گزارش این ویدئو نوشت که ملکه موسیقی پاپ ایران با این ویدئو پیامی قدرتمند در حمایت از

آخرین ویدئو کلیپ گوگوش، خواننده مشهور موسیقی پاپ، واکنش‌های بین‌المللی و داخلی بسیاری را برانگیخته است. این ویدئو در روز جهانی ولنتاین (روز عشق) برای اولین بار پخش شد.

رسانه‌های مطرحی مثل «گاردین» و «لس آنجلس تایمز» درباره این اقدام گوگوش گزارش نوشتند.

در این ویدئو، عشق دو زن همجنس‌گرای ایرانی و مشکلاتی که با آن مواجه‌اند به تصویر کشیده شده است. اولین بار است که یک خواننده مطرح ایرانی عشق همجنس‌گرایان را دست‌مایه کلیپ خود قرار داده و حمایت خود از آزادی عشق برای همه افراد با گرایش‌های جنسی مختلف را اعلام کرده است.

انتشار تکنوازی‌های مشکاتیان



کتاب شعر بی‌واژه ۵، مجموعه‌ای از تکنوازی‌های پرویز مشکاتیان (برای ساز سنتور) به زودی منتشر می‌شود. گرد آوری و آوانگاری این مجموعه توسط محسن غلامی، و ویرایش و نگارش مجموعه نیز توسط علیرضا جواهری انجام گرفته است. جلد پنجم از این مجموعه ۱۲ جلدی، شامل نغمات و گوشه‌هایی از دستگاه همایون و آواز اصفهان از آلبوم‌های بیداد، خلوت گزیده، کنسرت فستیوال مولانا در ایتالیا، افق مهر، کنسرت گروه عارف در سال ۱۳۷۶ و آلبوم دونوازی در دستگاه همایون است.

حضور دیوید گارنر در آلبوم تازه همایون شجریان

هنر و ادبیات آمریکا در سال ۲۰۱۳ و همچنین دریافت نشان استاد برجسته از بنیاد «جرسارلو» را در کارنامه خود دارد. او ادامه داد: «گارنر» یکی از آهنگ‌های آلبوم «نه فرشته‌ام نه شیطان» را برای ارکستر زهی، پیانو و سه‌تار تنظیم کرده است. به گزارش ایسنا، از دیگر هنرمندانی که در این آلبوم حضور دارند، می‌توان به شجاعت حسین‌خان، نوازنده ساز سینتار اشاره کرد که در آلبوم «افسانه شو» هم با تهمورس پورناظری همکاری کرده بود. همچنین پدرو ائوستاچه، نوازنده سازهای بادی و جیمی جانسون، نوازنده گیتار باس از دیگر هنرمندانی هستند که در این آلبوم حضور دارند. «نه فرشته‌ام، نه شیطان» توسط انتشارات ایران‌گام منتشر می‌شود و از هفدهم اسفند ماه در اختیار علاقه‌مندان موسیقی قرار گرفته است.

دیوید گارنر، آهنگساز آمریکایی در آلبوم «نه فرشته‌ام، نه شیطان» در آلبوم شجریان و تهمورس پورناظری همکاری خواهد کرد. به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران



(ایسنا)، تهمورس پورناظری با اعلام این خبر گفت: پرفسور کنسرواتوار سانفرانسیسکو، دیوید گارنر یکی از آهنگسازان توانمند آمریکایی است که سابقه نامزدی در آکادمی

ATLAS

International Travel, Inc

Best fare to Europe, Middle East, Africa, and Tehran

آژانس مسافرتی اطلس اینترنشنال
بهترین قیمت به ایران و دیگر نقاط جهان

6065 Roswell Rd, Suite 525 Atlanta, GA 30328

www.flyatlas.com

800-230-4726 404-252-6877

PERSIAN LAPTOP CLINIC

WE FIX ALL COMPUTERS: PCS, LAPTOPS, NOTEBOOKS, TABLETS
WE SPECIALIZE IN APPLE PRODUCTS (IMAC, IPAD & MACBOOK FAMILY)

IF YOU'RE DESPERATE TO REPAIR YOUR LAPTOP, PLEASE CALL US

832-461-5177

WWW.HAMID_A_IR@YAHOO.COM



HAMIDREZA

MULTI BRAND LAPTOP SERVICES
HARDWARE MAINTENANCE & REPAIR
PROFESSIONAL DATA RECOVERY
IT SERVICES & NETWORK

در خدمت تمامی هموطنان گرامی

دکتر مهناز مسکوب

MAHNAZ MESSKOUB

D.D.S., M.S.

متخصص درمان ریشه دندان

*Root Canal
Therapy*

9400 Westheimer
Suite #1

Houston, Texas 77063

با تعیین وقت قبلی

713-932-7730

داستان سیاوش



امیر صادقی

در شماره های پیشین خواندیم که سیاوش تصمیم می گیرد که برای دور بودن از کاووس شاه، به توران زمین برود؛ و از طرفی افراسیاب با رایزنی پیران، موبد توانا، بهترین کار را در این می بیند که سیاوش را که شاهزاده ای شایسته و خردمند است به توران بخواند چون در این صورت جنگ های توران و ایران هم به پایان می رسد. سیاوش نامه ای برای پدرش کاووس شاه می فرستد و پدر را از رفتن خود به توران زمین آگاه می سازد و سپس راهی توران زمین می شود در آنجا مورد استقبال گرم قرار می گیرد و بسی زر و گهر به زیر پای او می ریزند. سیاوش از دوری ایران زمین غمین و ناراحت است و افراسیاب می کوشد محیط را برای او مهیا سازد و کاخی بدو اختصاص می دهد. و با او به چوگان بازی و شکار می پردازد. سرانجام پیران به سیاوش پیشنهاد می دهد که ازدواج کند و از میان دختران خود او و افراسیاب و گرسیوز، همسری برگزیند. سیاوش که دل در گرو جریره دختر پیران دارد، او را به همسری خود در می آورد. اما پس از مدتی، پیران برای پایبندی بیشتر سیاوش در توران و محافظت از او، صلاح را در این می بیند که سیاوش با فرنگیس دختر افراسیاب ازدواج کند. سیاوش می پذیرد و افراسیاب موافقت می کند. و جشن عروسی سیاوش و فرنگیس برگزار می شود. اینک بخش شانزدهم:

افراسیاب، کاتبان و دبیران دربار خویش را پیش می خواند و فرمان می دهد سندی بر پرنیان بنویسند. منشور که آماده می شود به همراه بزرگان به کاخ سیاوش می فرستد و به او پیشکش می کند.

به کاخ سیاوش فرستاد شاه یکی تخت زرین و زرین کلاه

سپس به فرمان افراسیاب، خوان گسترده می شود و همه بزرگان لشکری و کشوری دعوت می شوند تا شاهد این منشور باشند و بدانند که افراسیاب بخشی از توران زمین را به سیاوش بخشیده است.

می و خوان و خوالیگران یافتی بخوردی و چندان که بر تافتی

ببردی و رفتی سوی خوان خویش بدی شاد یک چند مهمان خویش

بدان گاه که از می سرمست می شود، به خواهش سیاوش تمامی زندانیان آزاد می شوند. هفت روز از جشن شادمانی تورانیان می گذرد.

به هشتم پیامد سیاوش پگاه

ابا گرد پیران به نزدیک شاه

سیاوش و پیران، شاه را احترام می کنند و

او را شهریار زمین می خوانند.

گرفتند هر دو بر او آفرین

که ای مهربان شهریار زمین

همیشه ترا جاودان باد روز

به شادی و بدخواه را پشت گوز

تنت تا جهان است پاینده باد

زمانه همیشه ترا بنده باد

به گیتی سراسر چو تو شاه نیست

ز تو بگذردی در جهان راه نیست

پیران و سیاوش بسیار شاه را آفرین

گفته، از کرامت شاه سپاسگزاری می کنند

و به سوی شهری که افراسیاب به

سیاوش بخشیده است حرکت می کنند.

سیاوش ز گفتار او گشت شاد

بزد نای کوس و بُنه بر نهاد

سپاه و سلیح و نگین و کلاه

ببردند با گنج با او به راه

فراوان عماری بیاراستند

پس پرده خوبان بیاراستند

سپس فرنگیس، سر بانوان را به داخل

عماری می نشانند و فرمان حرکت صادر

می شود. پیران که همیشه با سیاوش

روزگار می گذرانند، دمی از او غافل نیست

و عنان با عنان او ره می سپارد. همه با هم

به راه می افتند.



به شادی برفتند سوی ختن
همه نامداران شدند انجمن
پیران به زادگاه خود ختن می‌رسد. سیاوش
مهمان پیران می‌شود و شادمانی به اوج خود
می‌رسد.

همی بود یک ماه مهمان اوی
بدان سر چنین بود پیمان اوی
ز خوردن نیاسود یک روز شاه
گهی رود و می، گاه نخجیر گاه
سی روز در بزم و شکار و شادمانی می‌گذرد
و سرانجام،

سر ماه برخاست آواز کوس
بدانگه که خیزد خروش خروس
بیامد سوی پادشاهی خویش
سپاه از پس پشت و پیران ز پیش
سپس سیاوش به منطقه‌ای که افراسیاب
به او سپرده رهسپار می‌شود. پیران نیز همراه
اوست و برای اینکه او را یاری دهد می
ازو غافل نمی‌شود. آنها به سرزمین اهدایی
افراسیاب می‌رسند.

بدان مرز و بوم اندر آگه شدند
بزرگان به نزد شهنشه شدند
به کام دل از جای برخاستند
جهانی به آیین بیاراستند

به جایی رسیدند کآباد بود
یکی خوب فرخنده بنیاد بود

سرزمینی که سیاوش اداره آن را به عهده
گرفته، بسیار زیبا و سرسبز است و از طرفی
مشرف به دریاست. کوه‌های بلند، سر به ابر
کشیده‌اند. دشت و هامون پر از شکار، آب روان
و درختان انبوهند.

به یک سوش دریا و یک سوی کوه
به یک سوی نخجیر دور از گروه

هوا خوشگوار و زمین خوب رنگ
ز دیبه زمینش چو پشت پلنگ

درختان بسیار و آب روان

همی شد دل سالخورده، جوان

سیاوش رو به پیران کرده به او اطمینان

سازد. چندی می‌گذرد و فرستاده‌ای از سوی
افراسیاب برای سیاوش پیغامی می‌آورد که شاه
می‌خواهد از حال و روز گار شما خبر داشته باشد
و امر کرده است که اگر باز هم دلت می‌خواهد،
سرزمین‌های دیگری به تو خواهیم بخشید و
سفارش کرده است که،

به شادی بباش و به نیکی بمان

ز خوشی مپرداز دل، یک زمان

پیران نیز سخنان فرستاده شاه توران را
می‌شنود و خرسند و شاد می‌گردد و به سیاوش
می‌گوید تو داماد شاه هستی و افراسیاب تو را
به فرزندی برگزیده است. تو اکنون ولیعهد
ایران زمین هستی و روز گار با توست، هر چه
می‌خواهی بکن. من نیز به خدمت تو کمر

می‌دهد که: من در اینجا شهرها خواهم ساخت
و آبادانی را در این جا معنی خواهم بخشید.

سیاوش به پیران سخن برگشاد

که اینت بر و بوم فرخ نهاد

بسازم من ایدر یکی خوب جای

که باشد به شادی مرا دلگشای

برآرم یکی شارسان فراخ

بدو اندرون باغ و ایوان و کاخ

سالی می‌گذرد و همه کارها به خوبی و

شادمانی به پیش می‌رود. سیاوش سخت

در امور سازندگی کوشش کرده، شهری

بنا می‌کند که نظیر آن در هیچ کجای جهان

یافت نمی‌شود. گویی معماری است که از

بهشت آمده و می‌خواهد جهان را آباد و شاد

بسته‌ام.

سیاوش بدو گفت کای بختیار

درخت بزرگی تو آری به بار

چو فرمان دهی من بر انسان که خواست

برآرم یکی جای تا ماه راست

نخواهم که باشد مرا بوم و گنج

زمین و زمان از تو دارم سپنج

مرا گنج و خوبی همه زان توس

به هر جای رنج تو بینم نخست

سیاوش به پیران می‌گوید ای بزرگوار در

هر کاری که پیش می‌آید نخست با تو رایزنی

خواهم کرد و تو جز خوبی و شادمانی چیزی

برای من نمی‌خواهی. من نیز پاسخ مهر تو را

خواهم داد و،

یکی شهر سازم بدین جای من

که خیره بماند از آن انجمن

پیران و سیاوش یکدیگر را در برمی‌گیرند

و هر دو شادمانه کار ساختن شهر را ادامه

می‌دهند و شهر را گنگ‌دژ می‌نامند.

سیاوش می‌خواهد حجت را بر مردم توران

تمام کند و ثابت کند برای صلح و سازندگی

آمده است.

کنون بشنو از گنگ‌دژ داستان

بدین داستان باش همدانستان

که چون گنگ دژ در جهان جای نیست

بر انسان زمین دلاری نیست

که آن را سیاوش برآورده بود

بسی اندرو رنج‌ها برده بود

سیاوش به همراه ایرانیانی که با او بودند و

هزاران سرباز تورانی به ساختن گنگ‌دژ همت

می‌گمارد و با کوشش بسیار شهری بنا می‌کند

که مانند آن را کسی نه دیده و نه شنیده است.

او در میان کوهی بلند و دریا، دژی به پا می‌کند

که سر در ابر می‌کشد و سی و دو فرسنگ،

دیوار سنگی آن را در بر می‌گیرد، دژی که اگر

پنج مرد در آن بودند کافی بود تا به یک لشکر

به مبارزه برخیزند.

مر این کوه را گنگ‌دژ در میان

بدان کت ز دانش نیاید زیان

چو فرسنگ صد گرد بر گرد کوه

ز بالای او چشم گردد ستوه

ز هر سو که پویی بر او راه نیست

همه گرد بر گرد آن بر یکی است

بدین گونه سی و دو فرسنگ تنگ

از این روی و آن روی دیوار سنگ

بسی بازار و گرمابه در گنگ دژ می‌سازد

که اگر سالیان درازی هم در آن می‌ماندند نیاز

به خارج نداشتند و همچنین انبارهای غله و

زمین‌های حاصلخیز بسیار به وجود می‌آورد.

در کوه‌های اطراف دژ، شکار فراوان یافت

می‌شود:

تذروان و طاووس و کبک دری

بیابی چو بر کوه‌ها بگذری

نه گرمایش گرم و نه سرماش سرد

همه جای شادی و آرام و خورد

نبینی در آن شهر، بیمار کس

یکی بوستان از بهشت است و بس

همه آبها روشن و خوشگوار

همیشه بر و بوم او چون بهار

درازی و پهنایش سی بار سی

بود گر بیمایدش پارسی

یک و نیم فرسنگ بالای کوه

که از رفتنش مرد گردد ستوه

بدان سوی، کوه هامونی است که در جهان

مانند ندارد. نظر سیاوش بدان جای خرم جلب

می‌شود،

برفتش سیاوخش و آن را بدید

مر آن را ز توران زمین برگزید

تن خویش را نام بردار کرد

فزونی یکی نیزه دیوار کرد

سیاوش فرمان می‌دهد که دیواری به بلندی

یک نیزه گرداگرد هامون برقرار کنند.

ز سنگ و ز گچ ساخته وز رخام

وز آن گوهری کش ندانیم نام

ز صد رش فزون است بالای اوی

همان سی و پنج است پهنای اوی

نیاید بدو متجینق و نه تیر

بباید ترا دیدن آن ناگزیر

مکانی به وجود می‌آورد که آلات جنگی آن

روزگار نمی‌توانستند به آن چیرگی پیدا کنند

و اگر چشم آن را نمی‌دید، باور آن مشکل

می‌نمود.

بنا کرد جایی چنان دلگشای

یکی شادمان اندر آن خوب جای

بدو کاخ و میدان و ایوان بساخت

درختان بسیاریش اندر نشاخت

بسازید جایی چنان چون بهشت

گل و سنبل و نرگس و لاله کشت

چو هر چش ببايست بر ساختند

عمارت به خوبی برافراشتند

روزی سیاوش و پیران بزرگ به بازدید از

اطراف می‌پردازند و نقاط ضعف دژ و هامون

و هر جایی که به وجود آمده بود از نظر

می‌گذرانند. در حین گشت و گذار،

برفتند و دیدند جایی چنان

که از دیدنش پیر گشتی جوان

خوش و خرم و خوب و آراسته

به هر جای گیتی پر از خواسته

پسندیده بدُ جای شاهنشهان

ز کاخ بزرگان و جای مهان

سیاوش به پیران می‌گوید که سزاوار است

که کاخ بلندی در این جا بسازیم.

از آن جای خرم چو گشتند باز

سیاوش همی بود با دل به راز

از اخترشناسان پیرسید شاه

که ایدر یکی ساختم پایگاه

ازو فر و بختم به سامان بود

و یا دل ز کرده پشیمان بود

بزرگان و اخترشناسان به سیاوش پاسخ

می‌دهند که سرانجام خوشی نداری و

بدخواهان، روزگار تو را نزد افراسیاب تیره

خواهند کرد.



**SOROUGH
MONTAZARI**
دستیار فارسی زبان

THE FORESTER LAW FIRM

DON FORESTER WITH 38 YEARS OF EXPERIENCE

AREAS OF PRACTICE:

IMMIGRATION:

ASYLUM, FAMILY PETITIONS, CITIZENSHIP,
FIANCÉ VISAS, & DEPORTATION

CRIMINAL: (DWI, DRUG CHARGES)

AUTO ACCIDENTS امور مهاجرت: پناهندگی دینی و سیاسی

DIVORCE امور جنائی

WILLS & PROBATE امور تصادفات

CORPORATIONS و طلاق



Licensed by U.S. Supreme Court

DON FORESTER

وکیل رسمی دادگستری آمریکا

OFFICE: (713) 528-4668

DIRECT: (713) 408-9403

3015 CAROLINE ST., HOUSTON, TX 77004

WWW.DONFORESTERLAW.COM

Licensed by TX Supreme Court. Not Certified by TX Board of Legal Specialization in any one area.

Shafaii

Sylvan Beach Pavilion

THE ULTIMATE PLACE
FOR YOUR SPECIAL EVENT

WEDDING & RECEPTIONS

بهترین محل برای مهمانی های شما

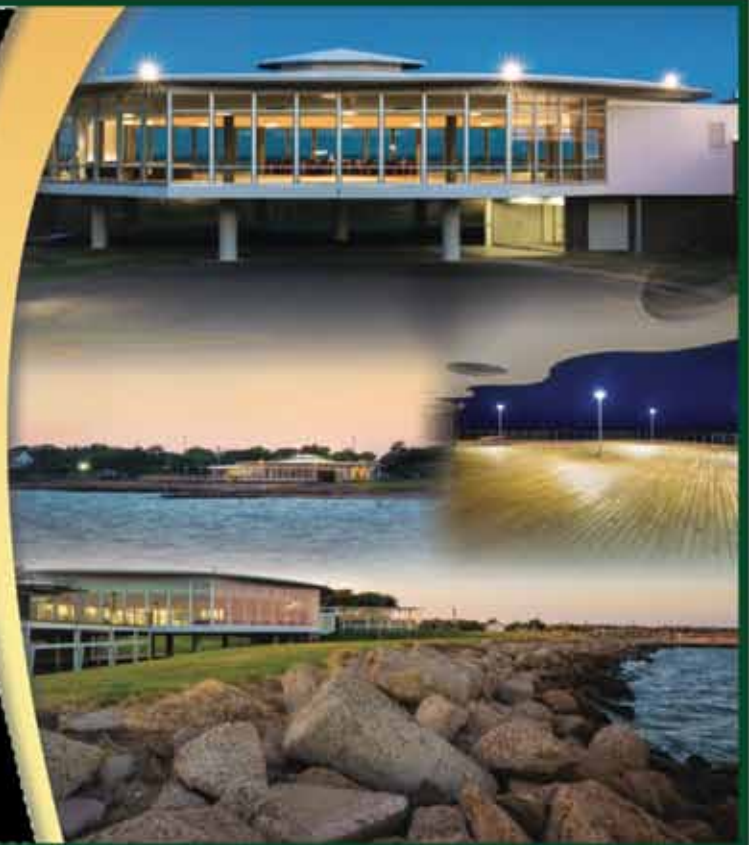
Choosing a reception hall is the first and most important job that you will have as you plan your event. Let our staff assist you with all the details that will make your event memorable.



mysylvanbeachpavilion.com

shafaii.com

832-643-4422





دکتر علی شعاعی



مطب دندانپزشکی



دکتر لیلا ضیافت

خدمات دندانپزشکی برای هموطنان گرامی

ALSADENTAL

Ali Shoae D.D.S.
Leyla S. Ziafat D.D.S.

Family and Cosmetic Dentistry

Phone: 832-230-5222

Fax: 832-200-3161

1013 Dairy Ashford Houston, Texas 77079

www.alsadental.com

در زندگی هر شخص قطره ای باران حقوقی هم می بارد.

**LAW OFFICES
OF
MARSHALL TAHERI**

CIVIL AND COMMERCIAL LITIGATION
CRIMINAL DEFENSE - FEDERAL AND STATE COURTS
INTERNATIONAL BUSINESS LITIGATION
PERSONAL INJURY AND WRONGFUL DEATH
U.S. CUSTOMS, IMMIGRATION, AND INTERNATIONAL TRADE

Houston	713.871.0000
Dallas	214.871.0000
Los Angeles	310.557.0000
New York	212.247.0000
Washington, D.C.	202.333.0000

www.marshalltaheri.com

More than 40 years experience and Professor of Law

Consultation by appointment only

در زندگی هر شخص قطره ای باران حقوقی هم می بارد.



Pain Relief

Chiropractic Clinic

دکتر همایون مهاجر

دکتر پریسا مهاجر

دارای برد تخصصی در کایروپراکتیک

عضو انجمن کایروپراکتیک آمریکا و ایالت تگزاس

صدمات ناشی از کار و تصادفات

زمین خوردگی

درمان دردهای گردن، کمر و دست و پا

صدمات ناشی از ورزش

درمان ناراحتی های مفصلی، عضلانی و عصبی

دیسک گردن و کمر و کمر دردهای پس از زایمان

سر دردهای مزمن و میگرن

اکثر بیمه های درمانی پذیرفته میشود.

6223 Richmond Ave, Ste. 105

Houston, TX 77057

713-784-8189

دکتر آزیتا مجیدی

جراح پلاستیک

Botox™

Fillers

Breast implants

Breast lift

Tummy tuck

Lip Implant

Liposuction

با تخصص از فرانسه و آمریکا
www.DrAzitaMadjidi.com

جراحی زیبایی و ترمیمی:

• صورت • سینه • شکم



Azita Madjidi, MD, MS, PA

Plastic Surgery
6624 Fannin, Suite 2390
Houston, TX 77030

713 797 1000

احزاب سیاسی ایران

جنبش‌های دانشجویان در زمان رضاشاه



دنیاله: حزب توده ایران از دیدگاه یک مخالف

محمد ارسی در ادامه نوشتار خود چنین می‌نویسد: در معنی، سلسله پهلوی فقط نیروی چپ را سرنگون نکرد، راست خردگرا و نخبه این کشور هم که گردانندگان دانای چرخ سیاسی ایران می‌توانستند باشند، به گونه‌ای دیگر سرکوب شدند و از عرصه کشورداری خارج گشتند.

به جرئت می‌توان گفت که تراژدی توسعه نیافتگی در جامعه سیاسی ایران از ضعف نیروی چپ ناشی نمی‌شود، بلکه ریشه در نبود نیروی راست مدبر و پخته و دانا دارد که ایران را به وضع اسفبار کنونی کشانده است. لذا وقتی که حزب توده با آن کادرهای باسواد و مردمی و کوشا، گام به عرصه سیاست ایران گذاشت و آنگونه سریع و سراسری رشد کرد و به نیروی بی‌رقیبی در اکثر عرصه‌ها تبدیل شد، یک جریان معقول و نیرومند و منسجمی از جناح راست وجود نداشت که به رقابت با توده‌ای‌ها بپردازد و عامل مهمی در ایجاد تعادل میان چپ و راست در کشور باشد. آری، برای توسعه سیاسی پایدار ایران، حضور هر دو جناح چپ و راست ضروری بود تا در یک رقابت و کنش و واکنش سیاسی و اجتماعی، با هم رشد کنند و جامعه را هم در مسیر ترقی و تعالی پیش ببرند.

نکته چهارم در انتقاد از حزب توده

در ارتباط با انتقادات و حملاتی که به حزب توده می‌شد و می‌شود، حرف و حدیث بسیار است. در این مورد بطور اساسی با دو نوع انتقاد و ایراد رو به رو هستیم. الف: آنچه دشمنان حزب توده مطرح می‌کردند.

ب: انتقاداتی که نیروهای ملی و مردمی پیش و پس از انقلاب می‌گفتند و می‌گویند.

الف: ۱- ورد زبان عوامل رژیم سلطنتی این بود که: توده‌ای‌ها همه مزدور مسکو هستند؛

داده، در می‌یابیم که اصلاح طلب بودن و دوری از خشونت و انقلابگری، تجدید نظر در جزمیت های مکتبی، اصلاح و کنار آمدن و سازش‌های ضروری با حکومت‌ها و رقبا، طرد مبارزه مسلحانه و حرکات چپ روانه، همه و همه، آن ارزش‌های جهانشمولی هستند که ایران و کشورهای همسایه و منطقه، برای سازندگی و پیشرفت و عدالت و توسعه همه جانبه، سخت بدان نیازمندند....

لذا بر این نظرم که انشعابات که از موضع چپ روانه و انقلابی‌گری از حزب توده صورت گرفته بود، انشعابات و گسست‌های زیان‌آور و بی‌ثمری بوده است. زیرا نه حزب توده تحولی کرد و نه انشعاب‌کننده‌ها به جایی رسیدند. اگر انشعاب‌کننده‌ها در حزب می‌ماندند و به یک مبارزه سالم درونی با صبر و بردباری دامن می‌زدند، امکان تحول حزب توده به یک حزب بزرگ سوسیال دموکرات ایرانی ممکن می‌گردید. و آن گاه جنبش ملی - مردمی و عدالت طلب ملت ایران هم در وضعیت بهتری قرار می‌گرفت و ای بسا جامعه نیز به راهی دیگر می‌رفت و مسیر سالمی را طی می‌کرد.

ب: گمان نویسنده مقاله آن است که انتقادات سازنده، حقیقی و مسئولانه، همان‌هایی هستند که ملی‌گراهای مصدقی، یعنی جبهه ملی ایران، نیروی سوم ملکی، نهضت آزادی ایران و طیف گسترده‌ای از پژوهشگران و روشنفکران منصف و مردمی درباره حزب توده، قبل و بعد از انقلاب ۱۳۵۷، گفته و مطرح کرده‌اند.

۱- پیروی افراطی از شوروی سابق که جنبه ایدئولوژیکی داشت که صد البته با نوع وابستگی و دنباله روی عوامل انگلیس و آمریکا در ایران بطور اساسی متفاوت بود.

۲- رقابت‌های غیر اصولی با نیروهای ملی در جریان ملی شدن صنعت نفت

۳- دشمنی با نیروهای ملی، خاصه، خصومت بی‌حد و مرز با نهضت آزادی بازرگان، تحت عنوان مبارزه با «لیبرالیسم، به عنوان پایگاه امپریالیسم آمریکا در ایران»، که

به جرئت می‌توان گفت که تراژدی توسعه نیافتگی در جامعه سیاسی ایران از ضعف نیروی چپ ناشی نمی‌شود بلکه ریشه در نبود نیروی راست‌مدبّر و پخته و دانا دارد که ایران را به وضع اسفبار کنونی کشانده است.

انقلابی واقعی نیستند؛ لذا خائن به مارکسیسم محسوب می‌شوند و باید طرد و افشا شوند. و در مجموع، ورد زبان عامه مردم ایران این بود که حزب توده بازیچه شوروی است و در جریان نهضت ملی شدن نفت به دکتر مصدق ضربه زده و از عوامل شکست جنبش ملی بوده و می‌توانسته از کودتای ۲۸ مرداد جلوگیری کند که نکرده.

حال، از آنچه عوامل رژیم پهلوی علیه توده‌ای‌ها می‌گفتند، آشکار است که از سرکمونیزم و سوسیالیسم ستیزی و دشمنی با روشنفکران و دلسوزان جامعه، و بطور اساسی برای حفظ منافع هیئت حاکمه فاسد و منافع آمریکا و انگلیس در ایران بوده است. در این میان، موضوع وابستگی به شوروی، تنها بهانه‌ای برای سرکوبگری و توجیه جنایاتی بود که علیه حزب توده و افسران والای آن مرتکب می‌شدند. کما اینکه با چپ‌های غیر وابسته به شوروی به مراتب بدتر و غیر انسانی‌تر رفتار کردند.

و در رابطه با آنچه چپ افراطی و انقلابی علیه حزب توده مطرح می‌کرده، اقرار باید کرد که آنها نه تنها نقص و عیبی محسوب نمی‌شوند بلکه امتیازات و محسنات آن حزب بوده‌اند و امروزه در پرتو تحولات شگرفی که در ایران و سراسر جهان رخ

ضد وطن و بی‌وطن‌اند. اگر به قدرت دست یابند، زن و ناموس مردم را هم می‌گیرند و مصادره می‌کنند؛ جاسوس و خائن‌اند، پس باید تارومار شوند.

۲- چپ‌های تندرو مارکسیست لنینیست‌های خیلی انقلابی، خاصه پیروان مشی چریکی و مسلحانه، می‌گفتند: حزب توده تجدید نظر طلب شده، ضد استالینی است، مخالف پیکار مسلحانه است؛ سازشکار است؛ رهبرانش خودخواه و نفع پرستند و به هنگام سختی و مبارزه، فرار را بر قرار ترجیح می‌دهند؛ در زندان‌ها تسلیم دشمن می‌شوند و در نهایت رفرمیست و پارلمانتاریست‌اند و



سبب ساز بی توجهی حزب توده به امر آزادی و دموکراسی بعد از انقلاب اسلامی شد و در نتیجه، قدیمی ترین و پرتجربه ترین حزب سیاسی عدالت محور ایران، به نام دفاع از انقلاب و استقلال از غرب و پیکار با سرمایه داران جهانی، آزادی را فراموش کرد و آن هنگام که انبوهی از مخالفان حکومت اسلامی را از خود رنجانده بود، خود نیز گرفتار و قربانی تیغ تیز استبداد مذهبی گشت.

بحث درباره حزب توده را از حوزه عشق و نفرت باید بیرون آورد. اگر بحث درباره حزب توده را به امری شخصی و ایدئولوژیکی تبدیل نکنیم، اگر آن را از حوزه عواطف کین و مهر گروهی خارج کنیم، اگر حزب توده را تنها در وابسته به شوروی بودن، یا به سبک کار کیانوری، در حمایت از آیت الله خمینی و خلخالی تقلیل بدهیم و از دایره تنگ پریشانی خائن یا خادم بیرون بیائیم، می توانیم بگوئیم که حزب توده بخش مهم و بزرگی از گذشته نزدیک ماست که با همه خوبی ها و بدی هایش به همه ملت ایران تعلق دارد. یعنی بخشی قابل توجه از تاریخ کشور ایران است. این حزب که با احتساب شکل گیری گروه ۵۳ نفر به همزاد دانشگاه تهران تلقی می شود، فرزند زمانه خود و عصر خویش بود و علیرغم مدرن و انتروناسیونالیست بودن، خصوصیات اصلی توده ملت ایران را بر پیشانی خود داشت.

حزب توده کانون اکثریتی از نسل دوم روسنفکران و کوشندگان سیاسی و اصلاح طلبان اجتماعی بعد از مشروطیت بود که برای مدرن کردن جامعه، نجات آن از چنگال فقر و عقب ماندگی و نظام ارباب رعیتی، احقاق حقوق زحمتکشان، برابری حقوق زن و مرد و آزادی منطقی و روشنمنند از سلطه ارتجاع و خرافات مذهبی، گام به میدان پر مین جامعه مذهبی سیاسی و اقتصادی ایران گذاشت و با درایتی کم نظیر در کمترین مدت، به بزرگترین حزب ایران. به حزب تحصیل کردگان و زحمتکشان ایران تبدیل شد؛ به حزب توده ایران.

توده ای ها در پیشبرد هدف های انسانی شان، البته اشتباهات بسیار زیادی را مرتکب شده اند ولی هر چه کرده اند به عشق مردم کرده اند و در آرزوی رهایی رنجبران و زحمتکشان. حزب توده هر چند به هدف های مکتبی خود در ارتباط با کارگران و دهقانان دست نیافت، اما در چهار زمینه اجتماعی،

انسان بایستی به آثار و کارهای نسل های گذشته احترام بگذارد، زیرا اگر غیر از این باشد، بهم پیوستگی فرهنگ، ادامه کوشی انسانی به منظور تجسس اشکال تازه و عقلانی و آزادانه تر غیر مقدور خواهد بود.

فرهنگی چنان مؤثر واقع شد که جای هیچ تردید و گفتگو نمی گذارد.

۱- حزب توده حزبی فرهنگ ساز بود، بیشترین و برجسته ترین روشنفکران، نویسندگان و هنرمندان، متخصصان و فرهنگیان، حتی نظامیان مردمی را جلب و جذب و نیز تربیت کرد.

۲- در مدرن و عقلانی کردن جامعه، جهانی فکر کردن و هم عصر شدن با مردم دنیا، نقشی بی رقیب ایفا نمود.

۳- اگر چه حکومت کارگران - دهقانان را نتوانست ایجاد کند، اما حزب توده بود که آنها را سازماندهی کرد، به پیشتازان آنها غرور و آگاهی و شخصیت داد و فضائی را تشکیل داد که توفیق خدمت به خلق و زحمتکش و توده محروم اجتماع، به شرف و شعور و غرور و افتخار واقعی تبدیل شد.

نوشتۀ خود را با بخشی از نامه ای که ماکسیم گورکی برای شرکت کنندگان سومین کنگره جهانی بروکسل. که درباره تعلیم و

تربیت تشکیل شده بود به پایان می رسانیم. گورکی می نویسد: انسان بایستی به آثار و کارهای نسل های گذشته احترام بگذارد، زیرا اگر غیر از این باشد، بهم پیوستگی فرهنگ، ادامه کوشش انسانی به منظور تجسس اشکال تازه و عقلانی و آزادانه تر غیر مقدور خواهد بود.

غالباً شنیده می شود که می گویند: «گذشتۀ بشر آکنده از لغزش هاست.» درست است، ولی این تأیید و تصدیق آسان و رایگان به دست نیامده است و در قبال آن می توان این ضرب المثل قدیمی را عنوان کرد که، «فقط اشخاصی اشتباه نمی کنند که کاری انجام نمی دهند.» اشتباهات بشری با رنج های توصیف ناپذیری جبران شده اند و دردهای انسان آفریننده شایسته احترام آیندگان است. بنابراین باید کودکان خود را با منافع مشترک بشریت سهیم سازیم و آنها را وادار نمائیم تا به تلاش مقدس نسل های پیشین واقف شوند.

واپسین گفته اینکه، هر وقت این شعر برشت را می خوانم بی اختیار این نام ها در ذهنم صف می بندند:

ارافی - روزبه - مختاری - به آذین - محمد قاضی - کسرائی - طبری و...

ولی شما! وقتی که زمانه فرزانه شد
وقتی آدمی یاور آدمی شد
با گذشت از ما یاد کنید

«بر تولد برشت»

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران حال بر می گردیم به ادامه مقاله داود نوروزی که چنین می نویسد: حزب توده ایران حزب طبقه کارگر ایران است. ایدئولوژی آن مارکسیسم لنینیسم است. تکیه گاه اصلی حزب، طبقه کارگر، مهمترین هدف سازمانی و سیاسی آن جلب و متشکل کردن این طبقه. «جلب بهترین و آگاه ترین قشر آن و متشکل کردن مجموعه آن در اتحادیه کارگری. ایجاد وحدت کارگر و سایر طبقات و قشرهای

شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران، بدون تردید یکی از بزرگترین خدمات حزب و مقدمه ضرور و اجتناب ناپذیر برای تمام فعالیت‌های آتی آن بوده است. اگر در سال‌های بعد در داخل حزب و رهبری آن به تدریج تمایلات خرده بورژوازی و بورژوازی از یک طرف و تمایلات چپ روانه و مافوق انقلابی از طرف دیگر یکی بعد از دیگری شکست خورد و طرد شد، مهمترین دلیل آن افزایش تأثیر طبقه کارگر در داخل حزب و غلبه ایدئولوژی این طبقه بر ایدئولوژی‌های غیر پرولتری است.

ستایش مارکسیسم - لنینیسم کافی نیست. مارکسیسم - لنینیسم ایدئولوژی طبقه کارگر است. سلاح مبارزه آنست. بهترین عرصه برای اشاعه اندیشه‌های مارکسیستی - لنینیستی، عرصه کار و فعالیت طبقه کارگر، و آماده‌ترین طبقه برای پذیرفتن آن، طبقه کارگر است. اگر پایه‌گذاران حزب توده ایران به این نکته اساسی توجه نمی‌کردند. اگر به میان طبقه کارگر نمی‌رفتند، اگر عرصه کار و فعالیت طبقه کارگر را میدان اصلی پخش اندیشه‌های مارکسیستی - لنینیستی قرار نمی‌دادند، بطور مسلم تکامل کمی و کیفی حزب بدین شکل و در این جهت انجام نمی‌شد و چه بسا تمایلات راست و چپ که آن روز در حزب به میزان وسیع وجود داشت، می‌توانست حزب را به جهت نادرست سوق دهد.

«ادامه دارد»

پانویس:

- ۱- محمد ارسی - ۱۴ اسفند ۱۳۹۰ تگزاس آمریکا به نقل از تارنمای «خسرو روزبه»
- ۲- «یک حادثه مهم حیات اجتماعی کشور ما - داود نوروزی - از مقاله حزب توده ایران ضرورت تاریخی
- میهن ما - قسمت‌هایی از دو مقاله بلند است که اولی در شماره ویژه بهار ۱۳۴۰ و دومی در شماره تابستان ۱۳۴۵ فصلنامه دنیا نشریه سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران چاپ شده است.

تعریفی که از حزب توده ایران در سه برنامه و اساسنامه حزب ذکر شده، نمودار تکامل کیفی حزب توده ایران است؛ در همان حال که در طول دهه‌های اخیر، احزاب فراوان قارچ وار از زمین روئیده و به سرعت نابود شده‌اند، حزب توده ایران علی‌رغم تمامی مصائب و قربانی‌ها، علی‌رغم فراز و نشیب‌ها، راه تکامل را طی کرده و بعد از هر شکست، با قدرت عظیم‌تر، در صحنه مبارزات سیاسی ایران قدم نهاده است... در اوآن تأسیس حزب توده ایران، حدود و ثغور بسیاری از مسائل سیاسی و ایدئولوژی روشن نبود؛ حزب تجربه کافی نداشت؛ بردانش مبارزه طبقه کارگر، یعنی بر مارکسیسم - لنینیسم بطور کامل مسلط نبود؛ در داخل حزب، حتی در رهبری آن عناصری با تمایلات و انگیزه‌های گوناگون شرکت داشتند؛ ولی با وجود تمام این اشکالات، حزب فراموش نکرد که رسالت اساسی تاریخی آن متشکل کردن طبقه کارگر ایران و سوق آن به میدان مبارزه اجتماعی است؛ و حزب در این راه به یک کامیابی بزرگ نایل شد. جلب آگاهترین عناصر طبقه کارگر و تأسیس



زحمتکش و مترقی، در درجه اول دهقانان، و سرانجام سوق و رهبری این طبقات و قشرها به میدان مبارزه بر ضد امپریالیسم و ارتجاع است. حزب توده ایران در سالیان پرفراز و نشیب زندگی خود از مراحل فراوانی گذشته و در تمام زمینه‌ها تکامل یافته است. بدیهی است که برنامه کنونی حزب هم با برنامه‌ای که در ۷ مهرماه ۱۳۲۰ به وسیله جلسه مؤسسان حزب تصویب شد و پس از آن در مهرماه ۱۳۲۱ در کنفرانس حزبی در تهران تکمیل گردید، تفاوت‌هایی دارد. این تفاوت‌ها هم در زمینه سیاسی و ایدئولوژیک و هم در زمینه سازمانی به چشم می‌خورد؛ ولی علی‌رغم این تفاوت‌ها، از نخستین تأسیس حزب تا کنون حتی یک لحظه هم حزب ما فراموش نکرده است که عرصه اساسی فعالیت آن، طبقه کارگر ایران است. در اولین برنامه حزب توده ایران مصوب اولین کنگره حزبی ۱۳۲۳، حزب توده ایران اینگونه توصیف می‌شود: «حزب توده ایران، حزب طبقات زحمتکش یعنی کارگران، دهقان، روشنفکران آزادیخواه و پیشه‌وران است.» دومین برنامه حزب مصوب دومین کنگره حزبی - ۱۳۲۷ - نیز این اصل را به همان شکل حفظ می‌کند. در طرح اساسنامه حزب توده ایران مصوب پلنوم هفتم - پلنوم وسیع - کمیته مرکزی و کنفرانس وحدت، حزب توده ایران اینگونه توصیف می‌شود:

«حزب توده ایران، سازمان سیاسی طبقه کارگر در سرتاسر ایران و عالیترین شکل اتحاد داوطلبانه مبارزین پیشرو طبقات و قشرهای زحمتکش ایران، کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، روشنفکران و افرادی است که برنامه‌اش را می‌پذیرند و در راه تحقق آن گام برمی‌دارند. در طرح اساسنامه تصریح می‌شود که: جهان بینی حزب توده ایران مارکسیسم است و اصول تشکیلاتی وی از این جهان بینی ناشی می‌شود. مقایسه

سیزده بدر و حکایت دیو و سلیمان

که به گفته حافظ :

اسم اعظم بکند کار خود ای دل خوش باش
که به تلبیس و حیل ، دیو سلیمان نشود
و

بجز شکر دهنی، مایه هاست خوبی را

به خاتمی نتوان زد دم از سلیمانی

و به زبان مولانا :

خلق گفتند این سلیمان بی صفاست

از سلیمان تا سلیمان فرق هاست

و در این احوال، سلیمان همچنان بر لب بحر ماهی می گرفت. روزی ماهی را بشکافت و از قضا، خاتم گمشده را در شکم ماهی یافت و بر دست کرد.

سلیمان به شهر نیامد، اما مردم از این ماجرا با خبر شدند و دانستند که سلیمان حقیقی با خاتم سلیمانی، بیرون شهر است. پس در سیزده نوروز بر دیو بشوریدند و همه از شهر بیرون آمدند تا سلیمان را به تخت باز گردانند. و این روز، بر خلاف تصور عامه، روزی فرخنده و مبارک است و به حقیقت روز سلیمان، بهار است؛ و نحوست آن کسی راست که با دیو بسازد و در طلب سلیمان از شهر بیرون نیاید.

و شاید رسم ماهی خوردن در شب نوروز، تجدید خاطره ای از یافتن نگین سلیمان و رمزی از تلاش انسان برای وصول به اسم اعظم عشق باشد که با نوروز و رستاخیز بهار همراه است و از همین روی، نسیم نوروزی نزد عارفان همان نفس رحمانی عشق است که از کوی یار می آید و چراغ دل را می افروزد :

ز کوی یار می آید نسیم باد نوروزی

از این بادار مدد خواهی چراغ دل بیفروزی

ما همه فانی و او پا برجاست.. عشق را

می گویم.. بی گمان عشق خداست..

بر گرفته از کتاب «مقالات» دکتر الهی قمشه ای



دلی که غیب نمایست و جام جم دارد
ز خاتمی که دمی گم شود ، چه غم دارد؟
حافظ

اما دیو چون به تلبیس و حیل بر تخت نشست و مردم انگشتی با وی دیدند و ملک بر او مقرر شد، روزی از بیم آنکه مبادا انگشتی بار دیگر به دست سلیمان افتد، آن را در دریا افکند تا بکلی از میان برود و خود به اعتبار پیشین بر مردم حکومت کند. چون مدتی بدینسان بگذشت، مردم آن لطف و صفای سلیمانی را در رفتار دیو ندیدند و در دل گفتند :

که زنه از این مکر و دستان و ریو

به جای سلیمان نشستن چو دیو

و به تدریج ماهیت ظلمانی دیو بر خلق آشکار شد و جمله دل از او بگردانیدند و در کمین فرصت بودند تا او را از تخت به زیر آورند و سلیمان حقیقی را به جای او نشانند

دکتر الهی قمشه ای

یکی از جذاب ترین تعبیرات «نفس و عشق»، قصه دیو و سلیمان است که از دیرباز در ادب پارسی به اشاره و تلمیح از آن یاد شده است.

قصه چنین است که سلیمان فرزند داود، انگشتی داشت که اسم اعظم الهی بر نگین آن نقش شده بود و سلیمان به دولت آن نام، دیو و پری را تسخیر کرده و به خدمت خود در آورده بود، چنانچه برای او، قصر و ایوان و جام ها و پیکره ها می ساختند (قرآن / سبا / ۱۳). این دیوان، همان لشکریان نفسند که اگر آزاد باشند، آدمی را به خدمت خود گیرند و هلاک کنند و اگر دریند و فرمان سلیمان روح آیند، خادم دولتسرای عشق شوند.

روزی سلیمان انگشتی خود را به کنیزکی سپرد و به گرمابه رفت. دیوی از این واقعه باخبر شد. در حال خود را به صورت سلیمان در آورد و انگشتی را از کنیزک طلب کرد. کنیز انگشتی به وی داد و او خود را به تخت سلیمان رساند و بر جای او نشست و دعوی سلیمانی کرد و خلق از او پذیرفتند (از آنکه از سلیمانی جز صورتی و خاتمی نمی دیدند.) و چون سلیمان از گرمابه بیرون آمد و از ماجرا خبر یافت، گفت سلیمان حقیقی منم و آنکه بر جای من نشست، دیوی بیش نیست. اما خلق او را انکار کردند. سلیمان که به ملک اعتنایی نداشت و در عین سلطنت، خود را «مسکین و فقیر» می دانست، به صحرا و کنار دریا رفت و ماهیگیری پیشه کرد.

سرویس برتر در مشاوره املاک

مهندس شهرام ابری

مسکونی - تجاری - سرمایه گذاری

1708-B Washington Ave.
Houston TX 77007

Sean Abri (Broker) 281-380-0438
www.iAssistRealty.com

سالن آرایش Elegant Cuts



- جدید ترین کوپ های فشن با استایل برای خانم ها و آقایان
- کالر و های لایت و لولایت
- اکستنشن مو
- صاف کردن مو با کراتین
- شنینون و میکاپ عروس همراه گریم
- بند ابرو
- وکس کامل بدن

افسانه امین با تجربه کار در ایران و آمریکا

Tell : (832) 252 - 8026 1523 WALNUT BEND LN
 Cell : (832) 646 - 6810 HOUSTON, TX 77042

Smart Accounting Inc.

خدمات حسابداری، مالیاتی، و دفتر داری
 Accounting, Payroll, Tax, Bookkeeping

انجام کلیه امور مالیاتی، مسابرداری شرکتها و اشخاص
 با استفاده از پیشرفته ترین سفت افزارها و نرم افزارهای کامپیوتری
 توسط با تجربه ترین متخصصین این امور با بیش از ۱۵ سال سابقه

- Provide Business startup services
- Corporate, Partnership, Sole proprietor Business Returns
- Limited Liability Companies - Federal and Multi-State
- Individual Tax Preparation - Federal and Multi-State
- Accounting and Bookkeeping
- Payroll and Financial Statements
- Payroll & Business Tax Fillings- Federal & Multi-State
- Profit and Loss Reports
- General Ledger and Cashbooks
- IRS and State Tax audit and presentation

713-783-9100

مشاوره رایگان

Ask for Fery Seirafi

800 Wilcrest Dr. Suite 304
 Houston, Texas 77042

Office: 713-783-9100

Fax: 713-783-9106

smartaccounting@yahoo.com

A.S.A

(Contractors)

با ۳۵ سال سابقه

with 35 years experience

**LOOKING TO
REMODEL
OR MAINTENANCE ?****بازسازی و تجهیز و نگهداری ساختمان شما**

- تغییرات داخلی • لوله کشی و برق کشی • محوطه سازی
- رفع پوسیدگی اسکلت ساختمان • کاشیکاری کف و دیوار
- تعمیرات بام • نرده های چوبی و فلزی • فنس
- تعویض و بازسازی کابینت و صفحه کابینت قدیمی • نقاشی
- رفع گرفتگی لوله ها و نم ساختمان • آشپزخانه

بازدید و برآورد قیمت به صورت مجانی

832-343-0676

asacontractor@mail.com

Furniture Upholstery & Repair

روکش میلمان خانه و محل کار
جدید و استفاده شده در اسرع وقت
همچنین تعمیرات لازم قبل از روکش

With 30 Years Experience
in Fine Furniture

- New
- Recover
- Finish
- Traditional & Contemporary

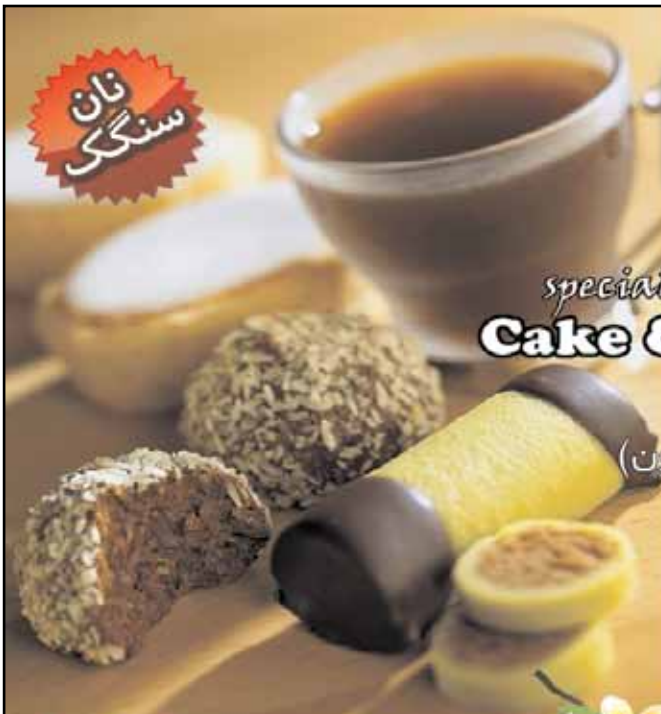
با بیش از ۳۰ سال تجربه

832.647.3586**832.647.3586**

5310 Airline Dr.

Houston, TX 77022

www.mirakfurniture.com

نان
سنگی

special orders for
Cake & Pastry

- کیک و شیرینی
- انواع قهوه و چای
- نان بربری و شیرمال
- پیراشکی مخصوص آرموند
- انواع ساندویچ ایرانی (کوکو، کتلت، ژامبون)

فال قهوه :

شعبه ما ۱۱ صبح الی ۳ بعد از ظهر

برای سفارشات خود با ما تماس بگیرید

12151 Westheimer Rd. Suite L

Houston TX 77077

(Beside Phoenicia Foods)

Tel : (281) 679-9444

(جنب فروشگاه فونیشیا)



**فونشیا عرضه کننده بهترین مواد غذایی باب طبع ایرانی
بزرگترین سوپرمارکت غذاهای ایرانی در شهر هیوستن**

Phoenicia Specialty Foods carries more than 15,000 products with down-to-earth pricing from more than 50 countries.

12141 Westheimer Rd
Houston, TX 77077
(281) 558-8225


www.phoeniciafoods.com

1001 Austin St
Houston, TX 77010
(832) 360-2222

LOTUS TAX SERVICES

TIME FOR TAXES



www.lotus-groups.com/tax

* فایل Tax در اسرع وقت
* هر گونه مشاوره در زمینه مالیات سالیانه بصورت رایگان
* اگر به هر دلیلی نمی توانید به آفیس ما بیایید، نگران
نباشید ما به آفیس یا منزل شما می آییم و Tax شما را
فایل می کنیم.

Call us Today: **832.273.0761**
12527 WHITTINGTON DR, Houston, TX 77077

حفاظت و امنیت در محل کار را به ما بسپارید

Houston Security



Services:

- Commercial & Residential
- Education & Health care facilities
- Entertainment & Events
- Hotel, Parkings
- Executive Protection

Tel: 281-990-3838
EMAIL: INFO@SOPSEC.ORG

شعر باظراوتِ برکا

مازیار اولیایی نیا

امیری برکا شاعر، نمایشنامه نویس و فعال سیاسی سیاه‌پوست در تاریخ نهم ژانویه ۲۰۱۴ میلادی (در ۷۹ سالگی) در ایالت نیوجرسی روی در نقاب خاک کشید، در حالی که پیش از آن به مدت یک ماه در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان بت ایزراییل بستری بود. وی به مدت چندین دهه در مرکز بحث‌ها و منازعات سیاسی و اجتماعی گوناگون قرار داشت و البته هیچگاه در صدد خاموش کردن شعله این منازعات نیز بر نیامد، بلکه گاه شخصاً و به نحوی لجبازانه آتش بیار این معرکه‌های سیاسی و اجتماعی شد. مثلاً در سال ۱۹۶۵ در مقاله‌ای چنین نوشت: «بیشتر آمریکاییان سفیدپوست، همجنس‌گرا بار آمده‌اند و به همین دلیل چهره‌شان ضعیف و بی‌احساس است... سفیدپوستان متوسط عمدتاً فکر می‌کنند که هر آدم سیاه‌پوستی بالقوه می‌خواهد به همه زنان سفیدپوست تجاوز کند. درست است، یک سیاه‌پوست باید بخواهد که همه چیز سفیدپوستان را از آنها بریاید. اما برای سفیدپوستان، گناه دزدی همان گناه تجاوز است؛ به این معنا که سفیدپوستان می‌دانند که مستحق آن هستند که همه مایملکشان از چنگ آنها به در آید...» زمانی که در سال ۲۰۰۹ از برکا درباره این اظهار نظرهای شدید‌الحن پرسیدند، وی خشم نژادی ناشی از سوء قصدهای متعدد به جان رهبران سیاه‌پوست و رهبران آمریکایی را که از حقوق مدنی سیاه‌پوستان دفاع می‌کردند دلیل این گفته‌های بی‌پایه عنوان کرد. لیکن اظهارات نژادپرستانه (برضد سفیدپوستان)، ضد زن، ضد همجنس‌گرایان و ضد یهودیان در گفته‌های وی اندک نیست و این گفته‌ها را وی در زمان‌های متفاوت و به مناسبت‌های متفاوت به زبان آورده است.

امیری برکا به عنوان نظریه‌پرداز و نیز عمل‌گرا، در دهه ۱۹۶۰ شخصیتی کلیدی در جنبش هنری سیاه‌پوستان به شمار می‌آمد و



او را به حال خود رها کند.

کلی یک تک‌گویی طولانی را آغاز می‌کند که در آن خشم خود را از نژاد سفید بر ملا می‌سازد و آرزو می‌کند که سیاه‌پوستان به جای توسل به موسیقی، رقص، مذهب و یا کاسه لیبی برای سفیدپوستان، از خواب بیدار می‌شدند و مثل سفیدپوستان با یک منطق حسابگرانه و خونسردانه همه سفیدپوستان را می‌کشتند و موضوع نژادپرستی را یک بار برای همیشه حل می‌کردند. کلی می‌گوید که اگر می‌خواست حرف‌های لولا را به دل بگیرد، باید هر سفیدپوستی را که می‌دید، می‌کشت. پس از آنکه کلی این حرف‌ها را می‌زند، می‌گوید که به آنچه گفته است، معتقد نیست و قصد کشتن کسی را ندارد و ترجیح می‌دهد که از موضوع نژادپرستی کاملاً غافل باشد و از در افتادن با سفیدها بپرهیزد. اما لولا در این زمان با خونسردی تمام چاقویی را دو بار در قلب کلی فرو می‌کند و او را از پای در می‌آورد. سپس وی همه مسافران اعم از سفیدپوست و سیاه‌پوست را قانع می‌کند که جسد کلی را از قطار بیرون بیندازند و در ایستگاه بعدی از قطار خارج شوند. سپس نمایشنامه با نگاه لولا به یک جوان سیاه‌پوست تازه وارد پایان می‌یابد. اکنون قطار تقریباً خالی است و زمانی که راننده مسن سیاه‌پوست قطار وارد کوپه می‌شود، برای لولا کلاه از سر بر می‌دارد.

در زمانی که برکان نمایشنامه «داچمن» را نوشت، داشت همسر یهودی

خود را طلاق می‌داد و ناسیونالیسم

سیاه‌پوستان را به عنوان یک ایدئولوژی اجتماعی پذیرفته بود. بدین ترتیب کل نمایشنامه «داچمن» را می‌توان به عنوان بازتاب نمادین رابطه اجتماعی سفیدپوستان و سیاه‌پوستان در نظر گرفت که در آن سیاه‌پوستان قربانی دسیسه و نیرنگ‌های سفیدپوستان هستند؛ سیاهان اگرچه ممکن است که در ظاهر خشونت به خرج دهند و برابر دیگران خشن جلوه کنند ولیکن در نهایت این سفیدپوستان هستند که سیاه‌پوستان را قربانی نیرنگ خود می‌سازند، گاهی با دلبری و فریب، گاه با تحقیر و توهین و گاه با امحای فیزیکی.

به غیر از «داچمن» و چند نمایشنامه

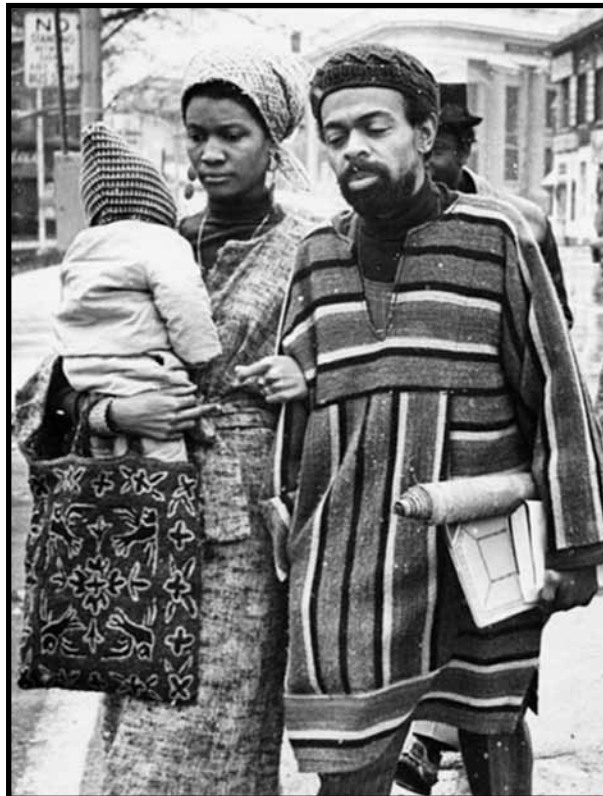
دیگر، اشعار بسیاری از برکا به چاپ

طبیعت و فرم شعر سیاه‌پوستان پس از جنگ جهانی دوم را متحول ساخت. او را از این جهت می‌توان با ازرا پاوند مقایسه کرد که نه تنها نظریه پرداز شعر مدرن به شمار می‌آمد، بلکه در هر فرصت ممکن، خود را به صحنه عمل سیاسی وارد می‌ساخت. تأثیر برکا بر شاعران و هنرمندان دیگر بیش از هر چیز اهمیت داشت. او توانست موازین نقد را به گونه‌ای تغییر دهد که حتی منتقدان کار وی از نظریات وی تأثیر پذیرند و بدین ترتیب وی نظریه‌پردازی برای نقد کار خویش و نسلی از نویسندگان سیاه‌پوست گشت.

شهرت امیری برکا در جهان سفیدپوستان عمدتاً با نمایشنامه «داچمن» آغاز شد که در سال ۱۹۶۴ به چاپ رسید. نمایشنامه «داچمن» گرد دو شخصیت اصلی نمایشنامه می‌گردد که در قطار زیرزمینی شهر نیویورک یکدیگر را ملاقات می‌کنند، مرد سیاه‌پوست کلی نام دارد و زن سفیدپوست لولا نامیده می‌شود. لولا در حالی که سیبی را گاز می‌زند وارد قطار می‌شود و این به طور نمادین شخصیت حوا را به یاد می‌آورد که به اغوای آدم می‌پردازد. این دو شخصیت وارد یک مباحثه طولانی می‌شوند. در ابتدا لولا، کلی را متهم می‌کند که به باسن او زل زده است و اگرچه کلی این مطلب را انکار می‌کند، لولا همچنان به مکالمه ادامه می‌دهد و سعی می‌کند که جزئیاتی از زندگی کلی را حدس بزند. وقتی این حدس‌ها درست از کار در می‌آیند،

کلی شگفتزده می‌شود و حتی گمان

می‌برد که شاید لولا ارتباطی با دوست وی دارد که از چنین جزئیاتی باخبر است. در همین حین، لولا با عشوهری سعی دارد که کلی را به سوی خود جذب کند و حتی وعده همبستر شدن با کلی را به او بدهد. پس از آنکه لولا احساس می‌کند که کلی به او اعتنای لازم را ندارد، تغییر شیوه می‌دهد و راه تمسخر کلی را در پیش می‌گیرد. او لهجه سفیدپوستی کلی، تحصیلات او و لباس او را مسخره می‌کند. در ابتدا کلی نسبت به لحن تحقیرآمیز لولا بی‌اعتنایی نشان می‌دهد ولیکن در نهایت، او را به زیر می‌کشد و دو سیلی در گوش او می‌نوازد و از وی می‌خواهد که



نیز از اینکه به آنها آنگ نژادپرستی زده شود، خشمگین می‌شدند، بی‌آنکه متوجه باشند همه هنرمندان را با محک نژاد، طبقه و ملیت خود محک می‌زنند و این ممکن است از دید نژاد، طبقه و ملیت‌های دیگر غیرمنصفانه به نظر رسد. هنرمندان سیاه‌پوست به دنبال محک‌های ارزیابی جدیدی بودند که از بطن فرهنگ و جامعه خود آنها جوشیده باشد.

مجموعه شعر «مقدمه‌ای بر یک یادداشت خودکشی بیست جلدی» نخستین کتاب شعر برکا (در آن زمان لی ری جونز) بود که اشعار آن در سال‌های ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۱ سروده شد. این اشعار، با آثار خشمگین و ایدئولوژیک بعدی برکا متفاوت بودند. دلیل اینکه برکا این مجموعه را «مقدمه‌ای بر یک خودکشی» نامید آن بود که وی در آغاز دوره‌ای بسر می‌برد که می‌خواست بخش سفیدپوست هويت خود را از بین ببرد. این عقیده متداول ناسیونالیست‌های سیاه‌پوست آن دوره بود که سیاهان باید به سمت خلوص نژادی بیشتر بروند و از وابستگی به نژاد سفید خلاصی یابند. در مجموعه «مقدمه‌ای بر...» هنوز می‌توان تأثیرات مکتب نیویورک و بیت‌ها را مشاهده کرد و در عین حال نطفه ایده‌هایی که در آثار بعدی برکا به بلوغ رسید، در این اثر موجود است. در اشعار اولیه برکا هنوز شوخ طبعی و بی‌تکلفی اشعار فرنک اهارا قابل مشاهده است. چنین است نخستین شعر این مجموعه:

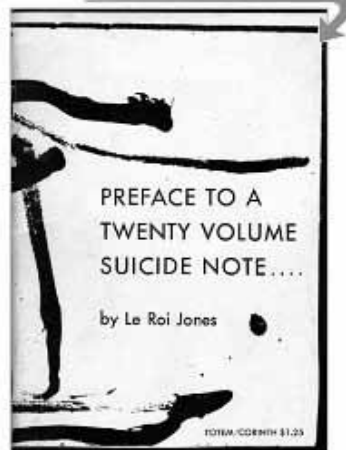
Preface to a Twenty Volume Suicide Note

Lately, I've become accustomed to the way
The ground opens up and envelopes me
Each time I go out to walk the dog.
Or the broad edged silly music the wind
Makes when I run for a bus...

Things have come to that.

And now, each night I count the stars.
And each night I get the same number.
And when they will not come to be counted,
I count the holes they leave.

Nobody sings anymore.



یکی از دستاوردهای زیباشناختی دهه شصت آن بود که هنر سیاه‌پوستان باید با معیاری متفاوت از هنر سفیدپوستان ارزیابی شود و هنر سیاه دیگر نباید با معیارهای متداول مورد قضاوت قرار گیرد.

رسید که اغلب آنها از دیدگاه یک سیاه‌پوست نوشته شده بودند، اشعاری که لحن خشمگین و پرخاشگر داشتند. اگرچه در اشعار اولیه برکا، لحنی همدلانه با آوانگاردهای سفیدپوست دیده می‌شد، اما وی با وضوح هرچه بیشتر به هنر سیاه‌پوستان تعهد سیاسی پیدا کرد. بدین ترتیب بی‌توجهی جهان سفیدپوست نسبت به کارهای برکا را می‌توان به بی‌توجهی کلی سفیدپوستان نسبت به هنر سیاه مرتبط دانست. واکنش سفیدپوستان نسبت به هنر سیاه‌پوستان را عمدتاً می‌توان با سکوت و یا خشم و در مواردی نادر با حس اندوه توصیف نمود. مثلاً نشریه نیویورک تایمز نوشت: «با وجود اتهاماتی چون نژادپرستی، حس افتخار برکا نسبت به برتری روحانی فرهنگ سیاه، بی‌شبهت به افتخار هیتلر نسبت به نژاد آریایی نیست.» از این جهت، شهرت برکا در جهان سفیدپوستان و سیاه‌پوستان بازتابی کاملاً متفاوت داشت. در دنیای سیاه‌پوستان، برکا پدر نسل جدید شاعران سیاه‌پوست تلقی می‌شد، در کوچه و خیابان می‌شد بازتاب سخنان او را شنید و حتی نویسندگان نسل ارشد چون گوئندلین بروکس با توجه به دیدگاه‌های او به

تجدید نظر در طبیعت هنر خویش پرداختند. این دیدگاه ستایش‌آمیز نسبت به برکا تا آنجا پیش رفت که آدیسون گیل گفت که «دوره سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۲ را می‌توان سال‌های ریچارد رایت نامید. او بر ادبیات زمان خود سلطه داشت و به آن جهت بخشید. سال‌های ۱۹۶۵ تا به حال به امامو برکا تعلق دارند.»

یکی از دستاوردهای زیباشناختی دهه شصت آن بود که هنر سیاه‌پوستان باید با معیاری متفاوت از هنر سفیدپوستان ارزیابی شود و هنر سیاه دیگر نباید با معیارهای متداول مورد قضاوت قرار گیرد، همان گونه که موسیقی جاز سیاه‌پوستان نمی‌تواند با معیارهایی که موتسارت با آنها سنجیده می‌شود، مورد قضاوت قرار گیرد. برداشت سیاه‌پوستان آن بود که محافل دانشگاهی همچنان دارند با محک‌های مورد قبول سفیدپوستان، ادبیات را محک می‌زنند و آثار سیاه‌پوستان را به آن شرط در گلچین‌های ادبی خود جای می‌دهند که قابل مقایسه با آثار نویسندگان معروف سفیدپوست باشند. از طرفی منقدان سفیدپوست

shadows will creep over your flesh
& hide your disorder, your lies.

There are unattractive wild ferns
outside the window
where the cats hide. They yowl
from there at nights. In heat
& bleeding on my tulips.

Steel bells, like the evil
unwashed Sphinx, towing in the twilight.
Childless old murderers, for centuries
with musty eyes.

I am distressed. Thinking
of the seasons, how they pass,
how I pass, my very youth, the
ripe sweet of my life; drained off...

Like giant rhesus monkeys;
picking their skulls,
with ingenious cruelty
sucking out the brains.

No use for beauty
collapsed, with moldy breath
done in. Insidious weight
of cankered dreams. Tiresias'
weathered cock.

Walking into the sea, shells
caught in the hair, Coarse
Waves tearing the tongue.

Closing the eyes. As
simple an act. You float

در شعر فوق، برکا گذر یک روز را برای ما روایت می‌کند که با باز شدن چشم‌ها آغاز می‌شود و با بستن آنها به پایان می‌رسد. این هر دو اعمالی ساده هستند، اگرچه در ذات خود، مفهوم مرگ را نیز حمل می‌کنند. عبارت تغزلی «lady's eyes» نخست شاعر را به سوی جهان طبیعی سوق می‌دهد، به سوی برگ‌ها و سپس به سوی تحلیل رفتن آنها، چنانکه بعداً چشم‌ها نیز با احوال معتادان پیر میدان شربدان مقایسه می‌شوند.

And then last night I tiptoed up
To my daughter's room and heard her
Talking to someone, and when I opened
The door, there was no one there...
Only she on her knees, peeking into

Her own clasped hands

در میانه این مجموعه شعر، دو شعر «در منتهی الیه غربی» و «پل» دوره جدیدی را در فعالیت شعری برکا آغاز می‌کنند. ایده افول و تحلیل رفتن کل جامعه چنانکه در اشعار تی.اس. الیوت توصیف می‌شود، در این دو شعر وجود دارد و البته برای شاعری که محصول فرهنگ بیت و نیز مکتب نیویورک است، این لحن تا حدی غیرمتداول است، زیرا که این هر دو مکتب، بهای چندانی به تی.اس. الیوت نمی‌دادند و اگر قرار بود بین مدرنیست‌ها کسی را بپذیرند، ویلیامز را ترجیح می‌دادند. این لحن الیوتی در بخش دوم مجموعه «مقدمه‌ای بر یک یادداشت خودکشی بیست جلدی» همه جا وجود دارد. برکا شعر «در منتهی الیه غربی» را به گری اسنایدر تقدیم کرده است.

Way Out West

As simple an act
as opening the eyes . Merely
coming into things by degrees.

Morning : some tear is broken
on the wooden stairs
of my lady's eyes. Profusions
of green. The leaves. Their
constant prehensions. Like old
junkies on Sheridan Square, eyes
cold and round. There is a song
Nat Cole sings ... This city
& the intricate disorder
of the seasons.

Unable to mention
something as abstract as time.

Even so, (bowing low in thick
smoke from cheap incense; all
kinds questions filling the mouth,
till you suffocate & fall dead
to opulent carpet.) Even so,

screams in me; pitiful like a little girl
you sense will be dead before the winter
is over.

I can't see the bridge now, I've past
it, its shadow, we drove through, headed out
along the cold insensitive roads to what
we wanted to call "ourselves."
"How does the bridge go?" Even tho
you find yourself in its length
strung out along its breadth, waiting
for the cold sun to tear out your eyes. Enamoured
of its blues, spread out in the silk clubs of
this autumn tune. The changes are difficult, when
you hear them, & know they are all in you, the chords

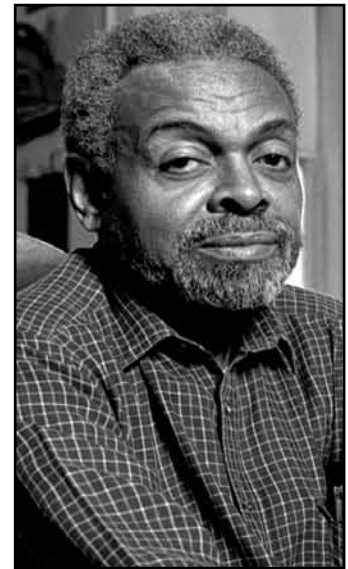
of your disorder meddle with your would be disguises.
Sifting in, down, upon your head, with the sun & the insects.
(Late feeling) Why down till it barely, after that rush of
wind & odor reflected from hills you have forgotten the color
when you touch the water, & it closes, slowly, around your
head.

The bridge will be behind you, that music you know, that place,
you feel when you look up to say, it is me, & I have forgotten,
all the things, you told me to love, to try to understand, the
bridge will stand, high up in the clouds & the light, & you,

(when you have let the song run out) will be sliding through
unmentionable black.

«پُل» ساختاری ثابت و ماندگار دارد، در حالی که کارکرد آن تحقق گذار
از یک سو به سویی (از حالتی به حالتی) دیگر است. مدرنیسم سال‌های
۳۰-۱۹۲۰ (سال‌های طلایی موسیقی جاز و هنر آوانگارد) اکنون به
گذشته تعلق دارد. بدین ترتیب بی‌زمانی و اجتناب ناپذیری تغییر در
برابر واقعیت تغییرپذیر زمان حال قرار می‌گیرد.

این شیوهٔ البوتی استفاده از
زیبایی تغزلی طبیعت برای بیان
تجزیه و افول در تمدن شهری
مدرن به طور مؤثری توسط
برکا در این شعر مورد استفاده
قرار گرفته است. البته زمانی
که نوبت به موسیقی می‌رسد،
برکا نمونهٔ نت کینگ کل را ارائه
می‌دهد که مستقیماً از موسیقی
سیاه‌پوستان اخذ شده است.
شاعر در یک سرزمین هرز
(حتی مدرن‌تر از سرزمین هرز
البوت) گام می‌زند.



شعر بعدی با عنوان «پُل» یک شاعر مدرنیست دیگر یعنی
هارت کریین را سرمشق قرار می‌دهد، شاعری که به اندازهٔ
تی. اس. البوت مشهور و با نفوذ نبود، لیکن وی را می‌توان یکی از قله‌های
شعر مدرن آمریکا به شمار آورد. اگرچه این شعر از لحاظ ظاهری چندان
به شعر کریین شبیه نیست ولیکن عنوان شعر و تصویرسازی آن به
وضوح کریین را خطاب قرار می‌دهد. از خاطر نبریم که در این زمان
برکا هنوز کل ارثیهٔ ادبی سفیدپوستان را به بیرون نینداخته بود و مواضع
سیاسی آشتی ناپذیرش را اتخاذ نکرده بود. شعر «پُل» می‌تواند از
دیدگاه یک موسیقی‌دان جاز نوشته شده باشد و این پل می‌تواند یک پُل
موسیقایی باشد و گویی آگزیستانسیالیستی شاعر را می‌توان همچون
خلسهٔ ناشی از گم شدن در موسیقی ناب تصور کرد. موج موسیقی برای
برکا (جونز) همچون موج زمان است که به پیش می‌راند و این حرکت
رو به جلو را جز به قیمت از دست دادن کلیت آن نمی‌توان متوقف کرد.

The Bridge

I have forgotten the head
of where I am. Here at the bridge. 2
bars, down the street, seeming
to warp themselves around my fingers, the day,

منبع:

1 Harris, William J. The Poetry and Poetics of Amiri Baraka. University of Missouri Press. Columbia, 1985.

فهرست نام‌ها به ترتیب ظاهر شدن در متن:

1 Amiri Baraka -2 Beth Israel Medical Center -3 Ezra Pound -4 Dutchman -5 Clay -6 Lula -7 Gwendolyn Brooks 8. Addison Gayle 9. Richard Wright
10 Preface to a Twenty-Volume Suicide Note -11 LeRoi Jones -12 Frank O' Hara -13 T. S. Eliot 14. Williams -15 Gary Snyder -16 Nat King Cole
17 Hart Crane

Lida & Ray
Proudly Announces
The Great Grand Opening
Our New Second Location
Insurance Office



ALLSTATE

281-261-7777

281-949-4444

281-313-5555



lidaaria@allstate.com
rayorazani@allstate.com

Special Promotion

- LIFE
- AUTO
- HOME
- BUSINESS OWNERS
- CANCER INSURANCE
- ACCIDENT INSURANCE
- CHILDREN LIFE INSURANCE



- عمر
- اتومبیل
- خانه
- تجاری
- سرطان
- تصادف
- بیمه عمر بچه

دفتر ترجمه و خدمات ایرانیان

Office of Translation & Iranian Services

Massoud Moayed

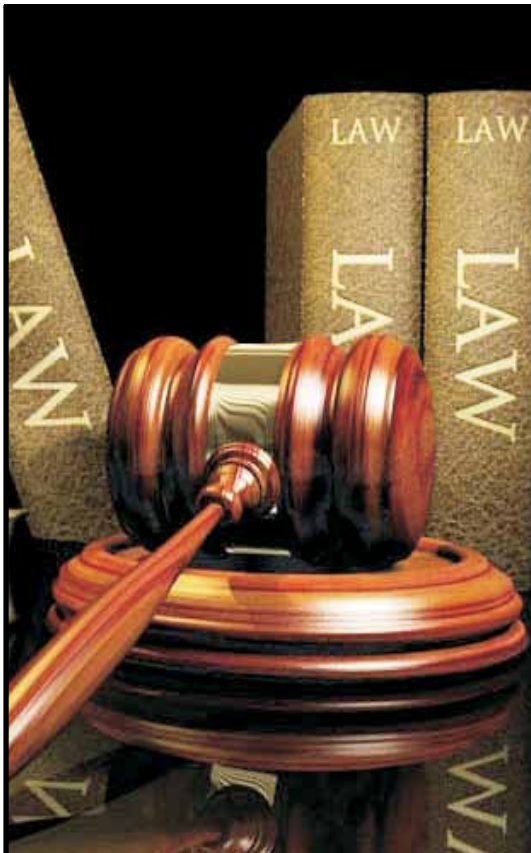
دستیار مشاور حقوقی
Legal Assistant



- تعویض پاسپورت ایرانی - آمریکایی - عکس پاسپورتنی • ترجمه رسمی کلیه مدارک
- تنظیم و کالتنامه و گواهی امضاء • خواندن خطبه - ثبت ازدواج و طلاق به طریقه اسلامی
- کارت سبز از طریق پدر و مادر - فرزندان - ازدواج
- Medicaid & Medicare برای سالمندان • ویزای نامزدی - تمدید ویزای توریستی

6420 Richmond Ave. Ste, # 430 Houston, TX 77057

Tel: 713-781-0900 Fax: 713-781-0943 Email: farsi4farsi@yahoo.com



PAUL MOODY LAW FIRM

ATTORNEY AT LAW

- Immigration - Asylum
- Family Law - Divorce & Custody
- Bankruptcy
- Civil Litigation
- Auto Accidents
- امور مهاجرت و پناهندگی
- طلاق و امور خانواده
- ورشکستگی
- اختلافات مدنی
- تصادفات اتومبیل

20 YEARS OF PRACTICE IN HOUSTON, TEXAS
LICENSED BY THE SUPREME COURT OF TEXAS

6420 RICHMOND AVE., SUITE 215

HOUSTON, TEXAS 77057

PAUL@MOODYLAWFIRM.US

713-977-1800

دستیار فارسی زبان





Heydari Financial Group, Inc.

3120 S.W. Freeway, Suite 218 • Houston, Texas 77098 • 713-953-0404 • Fax: 713-975-1722

- › AUTO INSURANCE
- › HOME INSURANCE
- › HEALTH INSURANCE
- › BUSINESS INSURANCE
- › COMMERCIAL INSURANCE
- › STOCKS
- › IRA'S
- › MUTUAL FUNDS
- › FINANCIAL PLANNING
- › LIFE INSURANCE
- › COLLEGE SAVING PLAN
- › INVESTMENT SERVICES



**ALIREZA HEYDARI, MBA
INSURANCE AGENT**

TEL: 713.953.0404

FAX: 713.975.1722

3120 S.W. FREEWAY, SUITE 218 • HOUSTON, TX 77098

MAIL@HEYDARIFINANCIAL.COM • WWW.HEYDARIFINANCIAL.COM

جهان ادب و هنر



حسن فرزانه

ایلیاد و اُدیسه هومر بر لوح کتاب های صوتی

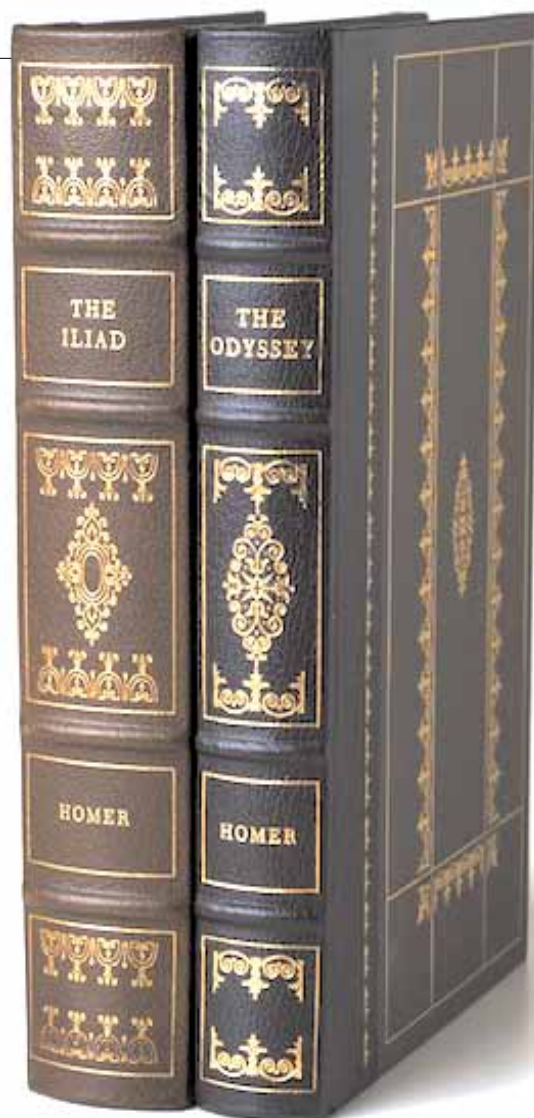
دو کتاب با هم ترکیب شده است. صرفنظر از اینکه حقیقت چیست، نام هومر در رُم و یونان مورد احترام بوده و «ایلیاد» و «اُدیسه» را همطراز «کتاب مقدس» مسیحیان می دانسته اند. این دو اثر همچنین از کتاب های اساسی تعلیم و تربیت آن زمان بوده که با نقل قول تکه هایی از آن، مشاجرات و مخالفت های اخلاقی را حل و فصل می کردند.

«ایلیاد» و «اُدیسه» داستان قهرمان ها و اعمال خارق العاده آنها در گذشته ای اسطوره ایست که ایزدان و ایزد بانوان مستقیماً در زندگی مردم دخالت می کردند و تأثیر فوق العاده ای داشتند. از اغلب شخصیت ها و وقایع این دو کتاب، نویسندگان بعدی یونان استفاده و برداشت های گوناگون کرده اند و هنوز هم در ادبیات امروز اروپائی اشارات و ارجاعاتی به آنها می توان یافت. «یولیسس»، شاهکار جیمز جویس، که بیش از سه هزار سال پس از این دو اثر هومر نوشته شده است، برگرفته از ماجراهای اُدیسئوس قهرمان «اُدیسه» است.

کتاب های صوتی «ایلیاد» و «اُدیسه» با خوانش دَن استیونس از سوی انتشارات مک میلان در ماه آگوست سال جاری منتشر خواهد شد و در دسترس علاقه مندان قرار خواهد گرفت.

دَن استیونس بازیگر معروف سریال «دانتون آبی» اخیراً به خواندن دو کتاب عظیم و حماسی ایلیاد و اُدیسه هومر، شاعر یونان باستان، پرداخته و آن را ضبط کرده است. خوانش استیونس از روی ترجمه رابرت فیتزجرالد از این دو کتاب صورت گرفته که در دهه ۱۹۶۰ به انگلیسی ترجمه شده است. هومر، از میان همه شاعران یونان باستان، اسرارآمیزترین و خارق العاده ترین است. او که به عنوان سراینده دو کتاب «ایلیاد» و «اُدیسه»، دو اثر حماسی و برجسته ادبیات اروپائی شناخته شده است، نه تنها چیزی درباره زندگی اش وجود ندارد بلکه اغلب پژوهشگران ادبی بر این باورند که هومر اساساً وجود نداشته است!

«ایلیاد» و «اُدیسه» وقایعی را توصیف می کنند که در طی جنگ تروجان و چندی پس از آن - جنگی میان یونانیان باستان و شهروندان شهری بنام تروی در حوالی سال ۱۲۵۰ پیش از میلاد - روی داده است. این دو اثر، بی شک، چند صد سال پس از این جنگ سروده شده اند. هومر اگر شاعری واقعی بوده، می باید در قرن هشتم یا نهم زیسته باشد. کسانی که معتقدند هومر اسطوره ای بیش نیست، می گویند این اشعار کار چند نسل شاعر است که سال ها بعد به صورت این



تحریم «انسان نامرئی» رالف ایسون



رمان «انسان نامرئی» رالف ایسون، نویسنده آمریکائی - آفریقائی به وسیله هیئت شورای تعلیماتی مدارس از کتابخانه های مدارس کارولینای شمالی تحریم و حذف شد. این تحریم و تصمیم هیئت شورای تعلیماتی مدارس که باعث اعتراض های گوناگونی شد، یکی دیگر از اعمال نژادپرستانه آمریکائیان محافظه کار و متعصب را به نمایش می گذارد و نمایانگر این حقیقت تلخ و دردناک است که داغ ننگ نژادپرستی هنوز بر تارک تاریخ آمریکا می درخشد.

رمان ایسون در سال ۱۹۵۳ جایزه ملی کتاب را از آن خود کرد و در سال ۱۹۶۵ طبق یک نظرخواهی، منتقدان ملی کتاب در سراسر آمریکا این کتاب را یکی از بزرگترین رمان های آمریکائی از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون نامیدند.

رمان «انسان نامرئی» ایسون، علاوه بر

نامرئی هستیم، می فهمید، صرفاً بخاطر اینکه مردم از دیدنم اجتناب می کنند. مثل سرهای بی پیکری که گاهی در برنامه های جنّی سیرک ها می بینید، انگار با آینه های ساخته شده از شیشه های سخت محصور شده ام. زمانی که با من رو به رو می شوند، فقط پیرامونم را می بینند؛ خودشان یا تصویر ساخته و پرداخته ذهن خودشان را می بینند؛ در واقع، هرچیز و همه چیز را می بینند، جز من.»

خوشبختانه با اعتراضاتی که از سوی مردم روشنفکر و فرهیخته شده است، هیئت شورای تعلیماتی در تصمیم خود تجدید نظر و آن را لغو کرد.

این، به عنوان نوزدهمین رمان از صد رمان برجسته قرن بیستم در فهرست «کتابخانه مدرن» آمریکا قرار دارد. این رمان تأثیر نژادپرستی را بر نژادپرستان و قربانیان آن بررسی می کند. راوی گمنام رمان، داستان خود را بدینگونه آغاز می کند: «من انسانی نامرئی هستم، نه شباهتی به اشیای که ذهن ادگار آلن پو را اشغال می کردند، دارم، نه مثل یکی از قهرمان های مافوق بشری فیلم های هالیوودی هستیم. من انسانی واقعی، دارای گوشت و استخوان، خون و رگ و پوست هستم - حتی می توانم گفت از ذهنی متفکر برخوردارم. من انسانی

تئاتر موزیکالی بر اساس فیلم «بازگشت به گذشته» اجرا می شود!

تهیه کنندگان تئاتر های موزیکال لندن اعلام کرده اند که تئاتر موزیکالی بر اساس فیلم سال ۱۹۸۵ موسوم به «بازگشت به گذشته» در تئاتر وست اند لندن در سال ۲۰۱۵ بر صحنه اجرا خواهد شد. رابرت زمکیس نویسنده و کارگردان فیلم «بازگشت به گذشته»، با همکاری باب گیل و جیمی لویید، نمایشنامه را بر اساس سناریو فیلم اقتباس خواهند کرد. موزیک و اشعار آن را الن سیلوستری، آهنگساز، و گلن بالارد، ترانه سرا و تهیه کننده موسیقی خواهند ساخت. جیمی لویید این تئاتر موزیکال را کارگردانی خواهد کرد. لویید معتقد است که این تئاتر موزیکال به روحیه خیال انگیز فیلم وفادار خواهد ماند و داستان را با دید تازه ای برای تماشاگران امروزی به نمایش خواهد گذاشت.



رستاخیز «مردگان» جیمز جویس در لس آنجلس

نمایشنامهٔ موزیکالی که بر اساس داستان کوتاه جیمز جویس در سال ۲۰۰۰ در برادوی به روی صحنه آمد و بیش از صد و بیست بار با موفقیت اجرا شد، اکنون پس از سال‌ها انتظار به لس آنجلس آمده و در تئاتر گرینوی کورت به مدت دو ماه اجرا خواهد شد. داستان کوتاه «مردگان» جویس، که یکی از داستان‌های کوتاه مجموعهٔ «دوبلینی‌ها» ست، در اولین نگاه داستان جشن سالانه کریسمس به نظر می‌آید که هر سال خواهران مورکان و خواهرزاده‌های آنها برگزار می‌کنند. جویس، با جزئیات کم نظیری، شخصیت چند مهمان را که در این جشن حضور دارند بررسی می‌کند و شب خوش و خرمی را که آنها با رقص و آواز سپری می‌کنند، به تصویر می‌کشد؛ اما زمانی که داستان را با نگاهی دقیق‌تر بررسی می‌کنیم در می‌یابیم که مسائل دیگری جز آنچه در سطح می‌بینیم نیز در آن وجود دارد. «مردگان» داستانی عاشقانه است؛ داستانی در بارهٔ عشق و از دست رفتن عشق و ناتوانی در فراموش کردن آن. اگر از این داستان کوتاه بخواهیم درسی بگیریم، این است که عشق آسان به دست نمی‌آید. زمانی که دو نفر به راستی و عمیقاً و دیوانه وار عاشق یکدیگرند، باید تا وقتی که فرصت دارند آن را ارج بگذارند. اگر فرصت از دست رود، عشق برای همیشه از دست خواهد رفت؛ حتی اگر عشق دیگری جایگزین آن شود، نخستین عشق راستین هرگز از یاد نخواهد رفت.

در اجرای موزیکال نمایشنامهٔ «مردگان»، تأکید بیشتر بر رقص و آواز و موسیقی و عشق بازی‌های سطحی و به وجود آوردن فضای کریسمس است تا بررسی مفاهیم نمادین داستان جویس. آوازخوانی اغلب هنرپیشه‌ها نیز آنقدر حرفه‌ای نیست. با این همه کوشش کارگردان، طراح رقص و آهنگساز و تهیه‌کنندگان در به روی صحنه آوردن این داستان جویس که سال‌ها پیش فیلمی نیز بر اساس آن تهیه شد، ستودنی است.



تنها رمان چارلی چاپلین منتشر خواهد شد



یک رمان کوتاه سی و چهار هزار کلمه‌ای چارلی چاپلین به نام *Footlights*، برای اولین بار به وسیلهٔ یک انستیتوی فیلم در ایتالیا به زودی منتشر می‌شود. این نوولا یا رمان کوتاه را چاپلین در اواخر دهه ۱۹۴۰ نوشته است و دستنوشته آن، طبق گزارش بی.بی.سی. در آرشیو انستیتوی سینتاکا د بولوگنا در ایتالیا کشف شده است. این رمان را چاپلین مقدم بر داستان «روشنائی صحنه» *Limelight*، که آن را می‌توان فیلمی خودزندگینامه دانست، نوشته بود. «روشنائی صحنه» آخرین فیلمی بود که چاپلین پیش از آنکه آمریکا را به اتهام کمونیست بودن ترک کند، در آمریکا ساخت.

رمان کوتاه *Footlights* ماه گذشته در لندن در اختیار ناشران گذاشته شد. این رمان مانند داستان فیلم «روشنائی صحنه»، داستان کالورو، دلک پیری را باز می‌گوید که در می‌یابد که دیگر نمی‌تواند توجه تماشاچیان را جلب کند. او بالترین زیبایی را که قصد خودکشی دارد، نجات می‌دهد و به او کمک می‌کند که دوباره به رقص بیردازد. این رمان کوتاه هنوز ناشری در لندن و آمریکا ندارد ولی علاقه‌مندان می‌توانند آن را از سایت آمازون خریداری کنند.

«شورش بی دلیل» جیمز دین پنجاه و هشت ساله شد!



می کند. دین مخلوق و مولود سینما بود. سینما جاتی است که او در آن به زندگی خود ادامه می دهد و هر بار که فیلم را می بینیم تجربه خارق العاده ای برای ما به وجود می آورد.

متأسفانه، گذشت زمان به کیفیت نگاتیو فیلم و رنگ های آن و همچنین به پاند صدا لطمه زیادی وارد آورده است. به همین جهت، «بنیاد فیلم» مارتین اسکورسیسی و استودیو برادران وارنر، پس از سال ها کار مداوم و توانفرسا، سرانجام موفق شده اند «شورش بی دلیل» را با تکنیک های دیجیتال مرمت و بازسازی کنند و این فیلم برجسته تاریخ سینما را برای نسل های آینده حفظ کرده، به نمایش بگذارند.

استودیو برادران وارنر ماه گذشته مجموعه آثار جیمز دین را به صورت دی. وی. دی. منتشر کرد که در این مجموعه، فیلم «شورش بی دلیل» که اخیراً مرمت و بازسازی شده و فیلم های «شرق بهشت» و «غول» که پیش از این بازسازی شده اند، گنجانده شده است.

مارتین اسکورسیسی، کارگردان نامدار سینمای آمریکا و یکی از فعالان مرمت و حفظ آثار کلاسیک تاریخ سینما، در باره اولین باری که فیلم پُر تنش و کلاسیک نیکولاس ری را دیده بود می گوید: «این فیلم که درباره نگرانی ها و وحشت جوانان از وضع نابسامان انسان در جهان است و قهرمان آن جیمز دین که نقش جیم استارک - جوانی در کشمکش با درگیری های روانی و عاطفی - را بازی می کند، مرا مبهوت کرد.»

در «شورش بی دلیل» (Rebel Without a Cause) علاوه بر جیمز دین، ناتالی وود و سال مینتو که هر دو نامزد جایزه اسکار در این فیلم شده بودند، در نقش نوجوانان نَس آنجلسی شرکت دارند. این فیلم کمتر از یک ماه پس از مرگ ناپهنگام جیمز دین در بیست و چهار سالگی بر اثر تصادف اتومبیل در سی ام سپتامبر سال ۱۹۵۵، به نمایش عمومی در آمد. اسکورسیسی، سازنده فیلم های کلاسیکی چون «راننده تاکسی»، «گاو خشمگین»، «پاران خوب»، می گوید: «اولین بار جیمز دین را در سال ۱۹۵۵ دیدم که اولین نقش سینمایی اش در «شورش بی دلیل» بود. چنان تأثیری بر من گذاشت که چند بار به تماشاخانه آن فیلم رفتم. اینکه بگویم با جیمز دین به عنوان شخصیتی که از زندگی رنج می برد احساس یگانگی می کردم، کمی عادی بنظر می آید. این احساس یگانگی بسیار عمیق و حتی فوق العاده خشونت آمیز بود. دین واقعاً شباهت زیادی به اغلب جوانان زمان خودش، به ما داشت و آن وقت، ناگهان، مُرد. از میان ما رفت. اما حالا که به این فسیه فکر می کنم می بینم که او نمرده است؛ با این فیلم هنوز در میان ما زندگی می کند؛ در این فیلمی که در باره زندگی و مرگ است، در باره سوء تفاهماتی که همه ما در جوانی با آن درگیر و روبرو هستیم، همچنان زندگی

جایزه دست آورد عمر برای پُل مازورسکی

ماه گذشته، اتحادیه سناریست های آمریکائی جایزه دست آورد عمر خود را که همه ساله به یکی از سناریست های برجسته اعطا می کنند، به پُل مازورسکی کارگردان و سناریست هشتاد و سه ساله آمریکائی اهدا کرد. هووارد رادمن معاون ریاست این اتحادیه در بیانیه ای اظهار داشت: «قریبه پُل مازورسکی در هنرپیشگی و فیلمسازی نباید باعث شود که استعداد فوق العاده او را در سناریو نویسی نادیده بگیریم. او در ردیف بهترین سناریو نویسان ما قرار دارد. مازورسکی صدائی نشاط آور، کم نظیر، و هوشمندانه ای در فیلم های خود خلق کرده است.»

مازورسکی تاکنون دو بار جایزه اتحادیه سناریونویسان را برده است و پنج بار نیز نامزد جایزه اسکار شده است. جایزه دست آورد عمر اتحادیه سناریونویسان آمریکائی طی مراسمی در روز اول ماه فوریه به مازورسکی اهداء شد. دیوید مامت، لورنس کاسدان، رابرت بنتون، تام استوارد از دریافت کنندگان پیشین این جایزه اند.



گنجینه شخصی هوگوئت کلارک به حراج گذاشته می شود

دولت سرانی در سانتاباربار است که این گنجینه شامل چهارصد تابلو در آنجا قرار دارد.

تابلو « نیلوفرهای آبی » مانه از سال ۱۹۲۶ تاکنون در هیچ نمایشگاهی به معرض دید بازدیدکنندگان گذاشته نشده است. کمپانی ثائبی تخمین می زند که این تابلو بین ۲۵ تا ۳۵ میلیون دلار به فروش خواهد رفت. تابلو پیر-آگوست رنوآر به نام « زنان جوان بدمینتون بازی می کنند » نیز طبق تخمین این کمپانی به مبلغ ۱۰ تا ۱۵ میلیون دلار فروخته خواهد شد. این دو تابلو در ششم ماه می سال جاری به حراج گذاشته خواهد شد و دیگر تابلوها نیز در هجدهم ماه جون حراج می شود.

تابلوهائی از کلود مانه و پیر-آگوست رنوآر، در میان چهارصد تابلو دیگر از آثار نقاشان بزرگ جهان که به گنجینه شخصی هوگوئت کلارک تعلق دارد، در بهار امسال به حراج گذاشته خواهد شد. کلارک صد و چهار سال عمر کرد و در سال ۲۰۱۱ درگذشت. از املاک موقوفه دیگر کلارک،



کتاب های چاپی هنوز بر کتاب های الکترونیکی برتری، و خواننده بیشتری دارد

دوستداران کتاب های چاپی نباید از انقلابی که کتاب های الکترونیکی به وجود آورده اند، هراسی به خود راه دهند. این پیام مرکز مطالعات دانشگاه پرینستون آمریکا است که اخیراً از عادات و رفتار و علاقه مردم میان سال آمریکا بررسی و نظرخواهی به عمل آورده است. شک نیست رشد روزافزون کامپیوترهای تبلت و نظیر آنها باعث شده است که مردم به خواندن کتاب های الکترونیکی روی آورند. با این وصف، بندرت می توان کسی را یافت که کتاب های چاپی را بکلی کنار گذاشته باشد. طبق گزارش مرکز مطالعات پرینستون، سال گذشته بر تعداد خوانندگان کتاب های چاپی که زمانی کاهش یافته بود، افزوده شده است. در حالی که ۲۹ درصد آمریکائیان در سال گذشته کتاب های الکترونیکی خوانده اند، ۶۹ درصد آنها از کتاب های چاپی برای مطالعه استفاده کرده اند. گزارش مرکز مطالعات پرینستون حاکی است که فقط ۴ درصد صرفاً از کتاب های الکترونیکی استفاده می کنند.



Tuesday
March 18

2014

7:00 P.M.

DJ

شهر روز

جشن شب چهارشنبه سوری

در محوطه پارکینگ " بنیاد " واقع در

10125 EMNORA Lane

(آتش بازی) (سرگرمی برای کودکان)

4 Shanbeh Soori Celebration @ Bonyad parking lot

TUESDAY MARCH 18 7:00 pm

سه شنبه : ۱۸ مارچ ساعت ۷ بعد از ظهر

Houston: Thursday March 20, 2014 11:57:07 AM تحویل سال به افق هیوستن صبح پنجشنبه

ورودی روز سه شنبه : بزرگسالان \$5 برای کودکان آزاد

والدین گرامی می توانند نامه معاف بودن فرزندان خود از شرکت در کلاس و مدرسه در روز عید را از دفتر بنیاد دریافت دارند

بازارچه نوروزی با عرضه اقلام سفره هفت سین
از ساعت ۳ بعد از ظهر روزهای : یکشنبه ۱۶ مارچ
(دوشنبه ۱۷ مارچ) (سه شنبه ۱۸ مارچ)
لطفا از بازارچه نوروزی بنیاد خرید فرمائید

آش رشته
انواع ساندویچ
نوشابه
برای فروش
آماده است

نشانی ساختمان بنیاد 10125 EMNORA Lane Houston, TX 77080

تلفن اطلاعات (832) 466 - 8849

تلفن پیام گیر 4726 - 461 (713)

روز ملی ایرانیان

Sizdeh Bedar 2014

سیزده بدر ۱۳۹۳

Live Concert



با هنرمندی **قاسم گلی**
شومن و کمدین بی رقیب صحنه ها



موسیقی پاپ با صدای **امین**
و گروه اختصاصی

یکشنبه ۶ آپریل ۲۰۱۴

Sunday, April 6th, 2014

Bear Creek Park, Pavilion 6

به بهترین های آواز و رقص فوکلور و لباس محلی جوایزی اهدا خواهد شد



For Booking Booths Call The Numbers Below

تلفن پیام گیر بنیاد: (713) 461-4726

تلفن اطلاعات: (832) 466-8849

نگاهی به دو فیلم برگزیده سال

عشق در روزگار اقتدار

تکنولوژی

حسن فیاد

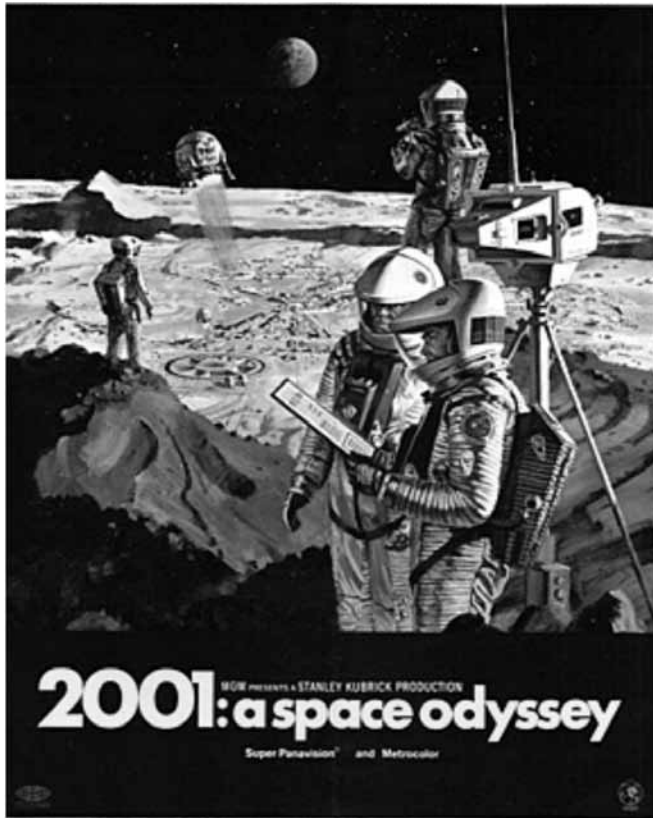
زمانی از آیزاک آسیموف پرسیدند فرق میان داستان های علمی و علمی - خیالی چیست؟ آسیموف پاسخ داد:

«داستان علمی ریشه در علم دارد؛ بنابراین، محتمل است. داستان علمی - خیالی وابسته به علم نیست؛ پس، غیر محتمل است. با این حال، اگر تخیل پایه و اساس داستان (و حتی هنرهای دیگر) است، پس همه ادبیات داستانی جهان را می توان خیالی، دور از واقع، موهوم، ساختگی و در عین حال خلاقه نامید. با این حال، گرچه نمی توان مرزهای هر داستان یا نوع فیلم را تعیین کرد و تعریف دقیقی از انواع داستان و فیلم به دست داد، ولی در بررسی هر داستان یا فیلم، مسأله باورپذیری، حقیقت ماندنی و محتمل بودن آن را در دنیای واقعی و زندگی روزمره نباید از نظر دور داشت؛ در حالی که حوادث داستان های خیالی، در جهانی غیر واقعی روی می دهد و معمولاً از توهومات شخصیت اصلی یا نویسنده داستان مایه می گیرد. خواننده داستان یا تماشاگر فیلم، در رابطه با این نوع داستان ها و فیلم ها، موقتاً



داستانگویی در سینما، بویژه در «نوع» فیلم های علمی، ابعاد و توان تازه ای بخشید. گذشته از این، کوبریک با فیلم خود نشان داد که می توان از «نوع» فیلم های علمی به منزله وسیله ای برای بیان بینش فلسفی و کاوش مسائل پیچیده جهان هستی و فراسوی آن، سود جست. کوبریک

در میان فیلم های برگزیده



با استفاده از پیشگویی، یکی از کهن ترین و مؤثرترین فرم های داستانگویی، و از دیدی فلسفی و علمی، سرنوشت انسان را در دنیای آینده، و کاربرد و پیشرفت تکنولوژی را - که امروزه با آن روبرو و درگیر هستیم - تا سال ۲۰۰۱ در فیلم تفکر برانگیز خود

علمی - خیالی تلقی کرد. فیلم های علمی اغلب نگاهی به آینده دارند و حوادث آنها در آینده می گذرد. در این نوع فیلم ها، تکنولوژی مربوط به آینده دستمایه فیلمساز قرار می گیرد و سفر در زمان، به فضا، و قلمروهای ناشناخته و شگفت انگیز، به وسیله ماشین ها و سفینه ها و دستگاه های خارق العاده و عظیم، و با نیرنگ های سینمایی حیرت آور، به نمایش گذاشته می شود. گرچه آینده چهارچوب اصلی فیلم های علمی است، ولی محل وقوع حوادث حد و مرز مشخصی ندارد. فیلم «سفر به ماه»؛ ۱۹۰۲ ژرژ ملیس، شعبده باز فرانسوی، به صورتی ابتدائی و با امکاناتی اندک نه فقط فیلم های علمی - خیالی را ابداع و آغاز کرد، بلکه اقتباس از ادبیات داستانی را نیز - فیلمش بر اساس رمانی از ژول ورن بود - رواج داد.

فیلم «مترو پولیس» فریتز لنگ؛ ۱۹۲۷، با بررسی حکومت استبدادی شهری در آینده، نوع فیلم های علمی را به قلمرو انتقاد از مسائل سیاسی - اجتماعی و تفکرات فلسفی کشانید. استنلی کوبریک، با فیلم «۲۰۰۱: اودیسه فضائی»؛ ۱۹۶۸، تحولی در فیلم های علمی به وجود آورد که تا آن زمان از تجسم عینی رویدادها فراتر نمی رفت. کوبریک با این فیلم، از سوئی عامل های بالقوه و امکانات تکنولوژی سینما را گسترش داد و از دیگر سو، به تدابیر و فنون به خود اجازه می دهد تا چیزی را که می داند واقعی نیست، (فقط یک فیلم یایک داستان است) باور کند تا بدین وسیله از مطالعه داستان با تماشای فیلم لذت ببرد. * داستان های علمی ۱ (Science Fiction) مثل داستان فیلم «۲۰۰۱: اودیسه فضایی» (A Space Odyssey: ۲۰۰۱) استنلی کوبریک وابسته به منطق و دست آوردهای علمی است. داستان های علمی - خیالی (Fantasy Science Fiction) که بهترین نمونه آن، «جنگ ستارگان» جورج لوکاس است، ابدأ بر کیفیت بنیادی علم استوار نیست و به داستان های مصور فکاهی و افسانه های پریان می ماند و هیچ یک از امکانات علمی را در نظر نمی گیرد. در فیلم هائی نظیر «بازگشت به آینده» و «ماشین زمان»، حتی توجه به این نکته نمی شود که زمان پیوسته به جلو حرکت می کند و امکان بازگشت به گذشته وجود ندارد؛ اما در این داستان ها و فیلم های علمی - خیالی همه چیز وجود دارد حتی اکسیژن و صدا در خلاء فضای بیکران! چرا که نویسنده یا فیلمساز از منطق و قوانین علمی عدول می کند و اساساً جهانی غیر محتمل، غیر واقعی به وجود می آورد که جز تفتن و سرگرمی، از ریشه در واقعیتی معنا دار برخوردار نیست. متأسفانه اغلب فیلم هائی را که از نوع فیلم های علمی نامیده اند، باید از نوع فیلم های

از ظاهر آنها بر می آید - می توان فیلم های به اصطلاح علمی نامید؛ در عین حال که فرق میان آن دو از زمین تا آسمان است.

فیلم «جاذبه» الفونسو کوآرون به ظاهر یادآور فیلم «۲۰۰۱؛ اُدیسه فضائی» کوبریک است ولی در واقع، از قماش فیلم های «جان بدر بردن از فاجعه» است، با این تفاوت که اگر داستان فیلم «همه چیز از دست رفته است» با بازی رابرت ردفورد در نقش یک دریانورد، در دریا روی می دهد، محل وقوع حوادث فیلم «جاذبه»، فضای سحرآمیز و لایتناهی و آسمانی پهناور و پُر ستاره است. فیلم به آرامی با سفینه فضائی و دو فضانورد در حال گفتگو - جورج کلونی و ساندرا بولاک - که معلوم نیست در سفر اکتشافی خود، جز تعمیر دوربین نجومی هابل، چه منظور و ماموریتی دارند، آغاز می شود. کوآرون به تدریج محل وقوع حوادث داستان خود را طوری ترسیم می کند که وقتی فاجعه رخ می دهد، بدانیم که چنین فضائی نه محل امنی است و نه زندگی در آن امکان پذیر. ولی چندی نمی گذرد که ناگهان بر اثر برخورد سفینه این دو فضانورد با باز مانده تکه پاره های عظیمی از یک سفینه روسی که روس ها خود آن را متلاشی کرده اند، صدمه می بیند و ارتباط آنها با زمین قطع و داستان بدل به یک فاجعه می شود و چرخ های داستان مثل سفینه فضائی به حرکت در می آید. آنگاه



دکتر راین استون (ساندرا بولاک)، گمگشته در فضائی بیکران که زندگی در آن امکان پذیر نیست، به فکر یافتن راهی برای بازگشت به زمین، به خانه می افتد. پایان فیلم «جاذبه»، زمانی که سفینه فضائی در دل آب فرو می رود و دکتر راین در تقلا برای بیرون آمدن از آب انگار به دور خود در زهدان می چرخد و تولدی دیگر می یابد و بعد به خشکی می رسد و زندگی تازه ای آغاز می کند، یادآور پایان فیلم «۲۰۰۱؛ اُدیسه فضائی» کوبریک است که در عین حال برداشتی سطحی از آن است. در پایان فیلم «۲۰۰۱؛ اُدیسه فضایی» کوبریک، یکی از فضانوردان، دولتا، را در آپارتمانش می بینیم که پیر، و فرسوده از سفر دور و دراز، توانفرسا و توفان زای

حال، شگفت آور و هراس انگیز است. اما از آنجا که کوآرون داستان خود را بر پایه حادثه و جلوه های ویژه سینمایی بنا می کند و صرفاً به پرداخت و گره گشائی فاجعه می پردازد، تمامی این تصویرهای به غایت زیبا و خیال انگیز، در بافت داستان، بی معنی و بی ارزش جلوه می کند، چراکه رابطه فرم با محتوای داستان طبیعی و آرگانیک نیست. تنها مسائل علمی که در فیلم توجیه می شود: نبود اکسیژن، خلاء صوتی، قوه جاذبه زمین، موضوع هائی ابتدائی و پیش پا افتاده است. به همین جهت، فیلم «جاذبه» با اینکه نامزد ده جایزه اسکار شده، سناریو آن، نه مورد توجه اعضای آکادمی و نه اتحادیه سناریو نویسان آمریکا و نه دیگر انجمن های منتقدان و گروه های جایزه دهنده واقع شده است.

فیلم «جاذبه»، با این همه، کوشش و تمرین ارزنده و جالبی است در زمینه گسترش مرزهای تکنیکی سینما. متأسفانه تا زمانی که تکنولوژی به عنوان وسیله ای برای رسیدن به هدف، که بیان اندیشه ها و دیدگاه های ارزشمند فیلمساز است، بکار نمی رود و فقط به صورت هدف و در خدمت گیشه در می آید، حتی جایزه اسکار هم نمی تواند ماندگاری فیلم را درحافظه سینما دوستان و در گذر زمان، تضمین کند.

عشق، این فضیلت والای انسانی، شاید نتواند بر همه

مشغول کرد به طوری که سرانجام به این فکر افتاد که از رابطه مردی با برنامه هوش مصنوعی می تواند داستانی عاشقانه در باره رابطه دو نفر که می خواهند باهم دوست شوند - فکری به غایت پیچیده - به روی پرده نقره ای سینما آورد.» فکر چنین داستانی با توجه

به HAL، شخصیت کامپیوتری فیلم «۲۰۰۱؛ اُدیسه فضائی» که کوربیک بیش از نیم قرن پیش ابداع کرد، و با در نظر گرفتن دست آوردهای امروزی تکنولوژی، چندان هم بعید به نظر نمی رسد. جونز می گوید: «من از اینکه می بینم تماشاگران وقتی که از سینما خارج می شوند چه برداشت های متفاوتی از فیلم دارند، متعجب می شوم. من، در سطحی بسیار ساده و بی پیرایه، فیلمی در باره عشق و تنهایی ساخته ام. مردم اشتیاق به دوستی دارند؛ نیاز به ایجاد ارتباط با یکدیگر دارند. چیزهایی در درون ماست که می خواهیم درک و آشکار شود. از نظر من، این داستان تئودور است. «او» داستانی است عاشقانه!»^۶

در واقع، تئودور آنچنان شیفته و دلباخته سامانتا است که از زندگی و امور دنیای واقعی دوری می گزیند. با آنکه با کاترین (رونی مارا) همسر سابقش، ایمی (ایمی آدمز)، یکی از دوستانش، هنوز رابطه ای دوستانه دارد، ولی زمانی که با زنی ناشناس (اولیویا وایلد) وعده ملاقات می گذارد وزن با همه عشوه گری و لوندی های خود او را تحریک

تمنای و نیازهای سامانتا و تئودور به یکدیگر شدت می یابد، دوستی آنها سرانجام، به عشق و عاشقی می انجامد. تئودور با گوشی کوچکی که در گوش می گذارد و همه جا همراه اوست، در هر مکان و زمان می تواند با سامانتا ارتباط برقرار کند.

اسپایک جونز، نویسنده و کارگردان فیلم، در پاسخ به این پرسش که آیا Siri^۷ فکر این داستان را در ذهن او برانگیخته، پاسخ داده است که: «فکر آن ده سال پیش، هنگام برخورد با نرم افزار هوش مصنوعی، به ذهنش رسید؛ اما در پنج سال اخیر این فکر بیشتر ذهنش را به خود

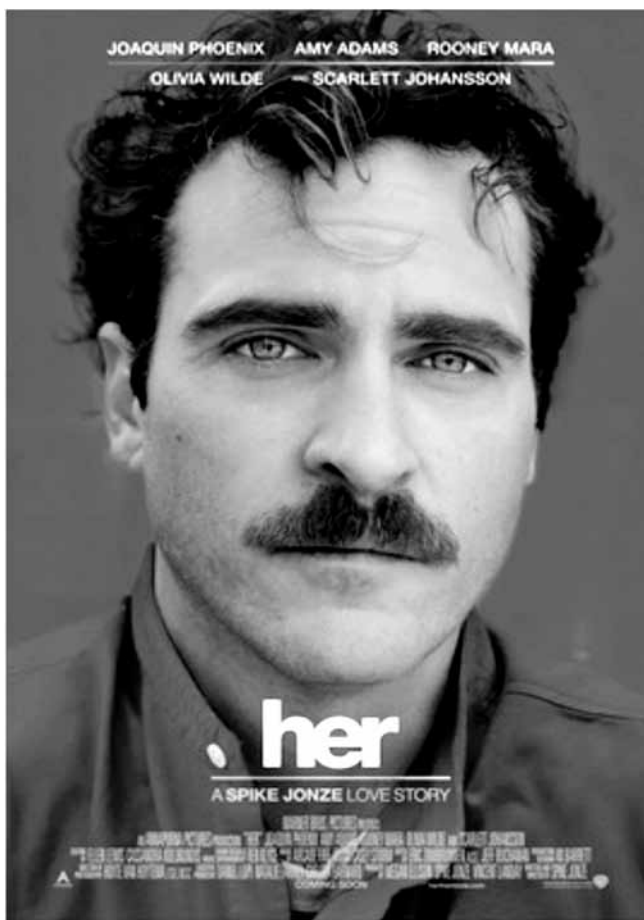
نزدیکی در لُس آنجلس می گذرد. تئودور تامبلی، مردی با روح و پُر احساس اما سرخورده و تنهاست که از راه نوشتن نامه های خصوصی و مهرآمیز برای دیگران، زندگی خود را می گذراند.

او دلشکسته از رابطه پیشین خود با همسرش که حالا به جدائی انجامیده است، پیوسته طلاق را به تعویق می اندازد، و در عین حال، شیفته و دلباخته سیستم عامل پیشرفته و تازه کامپیوتری بنام سامانتا (باصدای اسکارلت جوهانسون) می شود و با شور و شوق در صدد ملاقات این دختر هوشمند، با احساس، دلریا، لوند و اغواگر بر می آید. همچنان که

ناملایمات زندگی پیروز شود ولی تنها درمان درد تنهایی تئودور تاومبلی (اکوئین فینیکس) قهرمان فیلم «او» است؛ آن هم در روزگار اقتدار تکنولوژی که پیشرفت های شگفت انگیز آن، جهان و روابط پیچیده انسان ها و طرز سهیم شدن افکار و احساسات ما با دیگران را بکلی دگرگون کرده است. فیلم «او» ساخته اسپایک جونز بیش از آنکه مربوط به تکنولوژی باشد، یک بررسی دقیق و خلاقه، و نگاهی اصیل و کنجکاوانه به عشق و تنهایی است. خودش در این باره می گوید: «فیلم» «او» صرفاً داستانی عاشقانه است و فقط از این جهت به تکنولوژی ربط پیدا می کند که داستان آن در زمان و مکانی در آینده روی می دهد که تکنولوژی چهره آن را تغییر داده است.»^۳

مردی تنها و افسرده، زنی شاداب و جذاب در ذهن خود می آفریند که بیش از آنکه او را ملاقات کرده باشد وجود خارجی و واقعی ندارد. همچنان که رابطه ساده آنها به تدریج پیچیده تر می شود، این رابطه، از آنچه که امید و انتظار داشتند، فراتر می رود. داستان به برخورد دو انسانی از دو جهان کاملاً متفاوت می ماند؛ یکی واقعی و دیگری زاده تصور است. یکی مرئی و دیگری نامرئی است. با این حال، با هم نرد عشق می بازند، برای هم ترانه می نوازند و غرقه در رویاهای شبانه خود، یکدیگر را در آغوش می گیرند. حوادث فیلم «او» در آینده

اسپایک جونز نیز با فیلم «او»، از سیستم عامل کامپیوتر، انسانی به مراتب برتر، با احساسی تر و دوست داشتنی تر از اغلب انسان های واقعی آفریده است.





شهریار

رستخیز چمن

کاش پیوسته گل و سبزه و صحرا باشد

گلرخان را سر گلگشت و تماشا باشد

زلف دوشبزه گل باشد و غماز نسیم

بلبل شیفته شوریده و شیدا باشد

سر به صحرا نهد آشفته تر از باد بهار

هر که با آن سر زلفش سر سودا باشد

رستخیز چمن و شاهد و ساقی مخمور

چنگ و نی باشد و می باشد و مینا باشد

یار قند غزلش بر لب و آب آینه گون

طوطی جانم از آن پسته شکرخا باشد

لاله افروخته بر سینه موج چمن

چون چراغ کرجی ها که به دریا باشد

این شکرخواب جوانی است که چون باد گذشت

وای از این عمر که افسانه و رؤیا باشد

گوهر از جنت عقبی طلب ای دل ورنه

خزف است آنچه که در چنجه دنیا باشد

شهریار از رخ احباب نظر باز مگیر

که دگر قسمت دیدار نه پیدا باشد

ملک الشعرا بهار

رسید موبک نوروز و چشم فتنه غنود

دروید باد بر این موبک خجسته، درود

به هر که درنگری، شادیی پزد در دل

به هر چه برگذری، اندهی کند بدرود

اودیسه فضائی»، جهانی با ارزش تر و واقعی تر از جهانی که در آن زندگی می کنیم خلق کرد، اسپایک جونز نیز با فیلم «او»، از سیستم عامل کامپیوتر، انسانی به مراتب برتر، با احساس تر و دوست داشتنی تر از اغلب انسان های واقعی آفریده است.

زیرنویس

۱- داستان علمی یک نوع داستان است. (مثل داستان عاشقانه، داستان پلیسی، داستان تاریخی و...) با این تفاوت که بر پایه علم، منطق و دست آورد های آن استوار است. بهمین جهت، احتمال می رود که در جهان واقعی روی دهد. داستان های علمی - خیالی، بر عکس، بیشتر از نظر استفاده آنها از فضا و مکان و ابزار های علمی، به داستان های علمی شباهت دارند ولی تابع منطق و هیچیک از قوانین علمی نیستند و حوادث آنها با جهان واقعی منطبق و در عین حال، محتمل نیست. عنوان علمی - تخیلی به این نوع داستان ها نادرست است چون بنیاد همه داستان ها و حتی هنر های دیگر کما بیش بر اساس تخیل - عنصری مشترک در همه هنر ها - نهاده شده است.

۲- Survival Film

۳-۵-۶- گفتگوی مایکل

اوردونا با اسپایک جونز

۴- Siri : نامی نروژی است

بدین معنی: «زنی زیبا که شما را

به سوی موفقیت هدایت می کند.»

و دستیار شخصی هوشمندی است

که اطلاعاتی در زمینه های مختلف

در اختیار کسانی می گذارد که

از وسایل ارتباطی اپل استفاده

می کنند. نیز از نرم افزارهای

سیستم های عامل اپل است.

نیز، با آنکه در فیلم ظاهر نمی شود، با صدای گرم و لطیف و در عین حال معصومانه و کودکانه، و مسلط بر احساسات خود، فینیکس را در فراز و فرود تلاطم های روحی و عاطفی اش هدایت و همراهی می کند و در او شور و شوقی بی مانند و زندگی دوباره ای به وجود می آورد.

فضای فیلم «او» آمیزه ای از دورنماهای شانگهای و لس آنجلس است و دینامیسم تصویری، رنگ ها، ترکیب تصویرها، محل ها، با دینامیسم عاطفی فیلم به طور خارق العاده ای گره و پیوند خورده است. هر نگاه و حرکت تئودور و هر صدای سامانتا، دردناک و در عین حال امیدبخش است. اشتیاق بی نظیری برای ایجاد رابطه با یکدیگر میان آن دو احساس می شود؛ خصوصاً در خلوت ترین لحظه هایی که سامانتا با تئودور صحبت می کند. آن وقت همه دیوارهای میان این دو شخصیت دوست داشتنی از هم فرو می پاشد، ماسک از چهره آنها فرو می افتد و عشقی که در پس آن است، برملا می شود و در تماشاگر، تجربه ای عاطفی و انسانی، و احساسی از همدلی به وجود می آورد.

همانطور که استنلی کوبریک در فیلم «۲۰۰۱»

می کند و می خواهد با او هم‌آغوش شود، تئودور از خود واکنشی نشان نمی دهد. همچنین دوستش ایمی را که از ازدواج با همسرش ناخرسند است و عاقبت آنها به جدائی می انجامد، نمی تواند با حلقه کردن دستی بر گردنش تسکین دهد. حتی وقتی که سامانتا جایگزین زنده ای (پورتیا دبل دی) به آپارتمان تئودور می فرستد تا بتواند با هم‌آغوشی با او، تجربه ای واقعی از تن و اندامش در او به وجود آورد، تئودور از برخورد با زنی زنده خودداری می کند.

از آنجا که تئودور محور اصلی فیلم است، فینیکس در نقش تئودور، بار معانی و آژه ها و احساسات درونی و پیشبرد داستان را به دوش می کشد و هوشمندانه در قالب تئودور حلول می کند و تلاطم روحی و عاطفی او را به نمایش می گذارد. بازی فینیکس آنقدر هوشمندانه و پُر احساس است که عشق میان یک مرد و زنی را که از دنیای مجازی کامپیوتر پدید آمده است، واقعی جلوه می دهد. هرگونه لغزشی از سوی فینیکس می توانست باعث شود که داستان کسالت آور و ابلهانه به نظر آید. اسکارلت هانسون (سامانتا)



RESPONSIBLE PRINTING
Digital Signs & Banners
با مدیریت احمد آدم

WE DO SIGNS NOW!

Our Expert Team will help you with all your marketing needs.
From the initial design to the printing & shipping.

انجام کلیه امور چاپی از طرح تا اجرا به هر زبانی با قیمت مناسب در اسرع وقت

Full Color Banners	Magnetic Vehicle Sign
2x8\$80	12x24
Vinyl Letter Banners	2 Signs
2x8\$55	\$60.00

Color Copies 25¢
on white bond paper one sided

713-722-0100
1403 Brittmoore Rd.
www.responsibleprinting.com

H & F
Custom Remodeling



تعمیرات ساختمان • نقاشی ساختمان • نرده
کفپوش چوب • لوله کشی

**Flooring • Dry Wall • Kitchen
Siding • Plumbing • Tile
Fencing • Painting**

Tel: 281-496-1223
Cell: 281-814-6099
هوشنگ برزگار (Houshang)

Sunnyland
Real Estate Services

Brokerage
Surveying and Platting



Reza Samani
رضا سامانی
Broker/Owner

مشاور صادق ، آگاه و با تجربه
Tel: 281-759-0000
Fax: 713-264-8640
samanireza@hotmail.com

Professional Satellite Installer

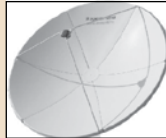


نصب دوربین های امنیتی برای

منازل و محل کسب شما

GL Box Available

برای خرید و نصب دیش های ۲۴ ساعته
فارسی، ترکی، کردی، عربی و رادیوهای فارسی زبان



"سهراب"

281-507-0662

Houston, San antonio, Austin

ABC

Fire Fighting Equipment



نصب سرویس و Inspection کیسول ها
سیستم های آتش نشانی رستوران ها
واحد های تجاری صنعتی مسکونی
کیسول های مطمئن و ارزان را از ما بخرید

به مدیریت پرویز مینوئی

713-952-7233



Air Conditioning, Heating & Mechanical Services

COMMERCIAL • RESIDENTIAL • INDUSTRIAL

کولر و تهویه مطبوع
فروش، تعمیر و نصب

FREE ESTIMATE on NEW EQUIPMENT! **شاهپور معتضدیان**

پاسخگویی سریع - کار خوب - قیمت مناسب

Emergency Service Available
Licensed - EPA Certified - Insured Contractor
TACLB017158C

(281) 235-6305

rpc3:\254\AHM

Iran Sattelite

برای اولین بار دستگاه گیرنده HD برای
تلویزیون HD با تضمین ۲ ساله جهت خرید و
نصب ماهواره با بهمن تماس حاصل فرمایید



بهمن **281-879-7979**

با بیش از ۱۷ سال سابقه



با بیش از
۲۵۰ کانال
بین المللی



ASHEGHANEH MAGAZINE PROUDLY PRESENTS
IN COLLABORATION WITH
Royal Straight Flush



نمایش کمدی

HOTEL

کاری استثنای از شاهین جامعی

به زودی در هیوستون



باشگاهت: مرد هزارصدا مایکل

چهره آشنای تلنر ایران پریسا آقایی

شاهین جامعی



FOR MORE INFORMATION
OR SPONSORSHIP OPPORTUNITIES

713-973-8686

WWW.ASHEGHANEH.COM



هالیوود

کارخانه فیلم سازی نه معلم تاریخ

جمال آریان

بد نیست نگاهی به خلاصه داستان این فیلم‌ها داشته باشیم تا بحث بیشتر روشن شود.

«گرگ وال استریت» محصول سال ۲۰۱۳؛ کارگردان: مارتین اسکورسیزی

فیلمنامه این فیلم را ترنس وینتر بر اساس کتاب خاطرات سهام‌دار متخلف آمریکایی به نام «جردن بلفرد»، به صورت روایتی داستانی و تخیلی، نوشته است. فیلمی کمدی - تفریحی، با بازیگری «لئوناردو دی کاپریو» که با طنزی تلخ و سیاه، به روایت زندگی و شخصیت «جردن بلفرد» و شرکتی که او تاسیس کرده بود، می‌پردازد و از ورای آن، مسأله فساد وال استریت در دهه ۹۰ میلادی مطرح می‌شود. منتقدان چندی فیلم را ستوده‌اند، اما از سوی برخی از تماشاگران و منتقدان به خاطر ابهام، نمایش هرزگی جنسی و نمایش فراوان استفاده از مواد مخدر مورد سرزنش قرار گرفته است.

«جردن بلفرد» (با بازیگری دی کاپریو) داستان فیلم را تعریف

هالیوود پس از ساخت فیلم «۳۰۰»، و تمامی سروصدهایی که مخالفان این فیلم به راه انداختند، اینک بخش دوم این فیلم را نیز ساخته که به زودی به نمایش در می‌آید. مخالفان نیز احتمالاً مشغول تمیز کردن اسلحه‌ها و صاف کردن گلو برای اعتراض هستند.

سه فیلم مهم و پر سر و صدای کارخانه فیلم سازی هالیوود، یعنی «گرگ‌های وال استریت»، «کلاهبرداری آمریکایی» و «کلوپ خریداران دالاس» که چندی است بر پرده سینماها به نمایش در آمده است، انتقادات بسیاری را، چه از سوی عده ای از تماشاگران و چه منتقدان داخلی، برانگیخته اند. منتقدان معترض معتقدند این فیلم‌ها به حیثیت آمریکا و مردمانش و بازار تولید، توهین‌های غیرقابل بخشایشی کرده‌اند؛ هر چند که هالیوود گوشش به این حرف‌ها بدهکار نیست، و پاسخ آنها را با نامزدی این فیلم‌ها در جشنواره‌ها و اهدای جوایز می‌دهد.

با این حال، این فیلم چهار جایزه «بفتا» و دو جایزه «گلدن گلوب» را ربود و نامزد پنج اسکار شد. «دی کاپریو» هم جایزه بهترین بازیگر را دریافت کرد.

«کلاهبرداری آمریکایی»: محصول سال ۲۰۱۳؛ کارگردان: «دیوید. ا. راسل»

«کلاهبرداری آمریکایی»، فیلمی جنائی با مایه‌های کمدی و درام، که براساس عملیات «اف. بی. آی» در اواخر دهه هفتاد و اوائل هشتاد، شکل گرفته است. این فیلم درباره دو شیاد است که توسط یک مأمور اف. بی. آی مأموریت می‌یابند که سیاستمداران فاسد را به دام اندازند. این دو شیاد پس از ملاقات یکدیگر در سال ۱۹۷۸ کار را آغاز می‌کنند. این دو به خوبی مکمل یکدیگرند؛ گرچه یکی از آنها زن و بچه‌ای دارد که مایل به ترک شان نیست. نقش مرد را «کریستین بیل» و نقش



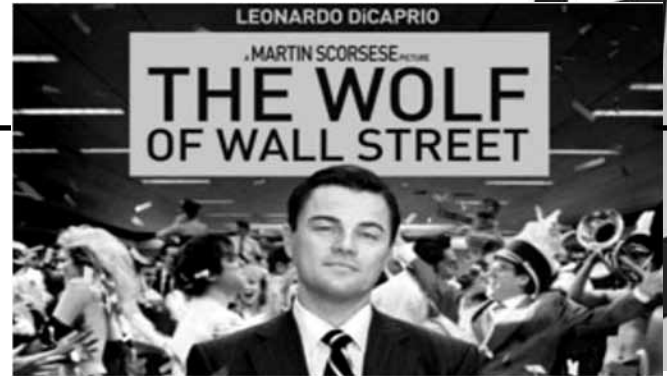
زن را «امی آدامز» بازی کرده است. «جنیفر لورسن» نیز نقش همسر مرد را به عهده دارد. مأمور «اف. بی. آی» به نام «ریچی» این دو را طی یک معامله به دام می‌اندازد و به آنها پیشنهاد می‌کند چنانچه در دستگیری چهار نفر به او کمک کنند، آنها را آزاد می‌گذارد. حوادث و شخصیت‌های بعدی شرح فساد همه جانبه درون سیستم است و...

فیلم در واقع براساس سناریویی به نام «American bullshit» آغاز شد و قرار بود «بن افلک» کارگردان آن باشد. اما راسل سناریوی اولیه را بازنویسی کرد و به غالب آنان شخصیتی کاریکاتوری در برابر زندگی واقعی‌اشان داد. فیلم پس از آغاز نمایش مورد توجه تماشاگران و منتقدین قرار گرفت و بازی‌ها، بویزه بازی «امی آدامز» و «جنیفر لورسن»، بسیار ستایش شد. «کلاهبرداری آمریکایی» کاندیدای هفت جایزه «گلدن گلوب» شد، که در چهار رشته برنده شد. این فیلم برای جایزه اسکار نیز در ده مورد نامزد شده است.

«کلوپ مشتریان دالاس»: محصول سال ۲۰۱۳؛ کارگردان: ژان مارک والی

داستان فیلم به سال ۱۹۸۵ باز می‌گردد، زمانی که پزشکان به «رون وودروف» می‌گویند که او مبتلا به ایدز است و تنها یک ماه

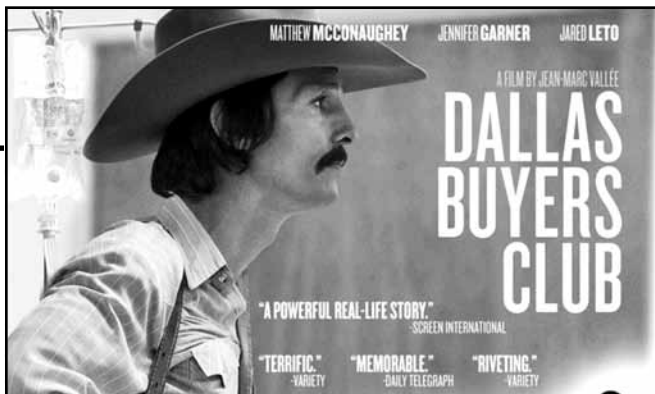
می‌کند و شرح می‌دهد که چگونه از هیچ به همه چیز رسید و سپس در سرانجامی سقوط و نابودی قرار گرفت و از زندان سر درآورد؛ و اینکه برای موفقیت در کار از هیچ کلک و حقه‌ای در جهت تحمیق خریداران سهام دریغ نکرده است. رئیس اولین کارش به او یاد می‌دهد که برای موفقیت باید سبک زندگی را برگزیند که بر سکس و استفاده از مواد مخدر تنظیم شده باشد. با فروپاشی بازار سهام در «دوشنبه سیاه»، روز بزرگترین سقوط اقتصادی بعد از دهه ۲۰، بلفرد کارش را از دست می‌دهد و پس از چندی، در شرکت کوچکی مشغول به کار می‌شود؛ اما او با تجربه‌ای که اندوخته، این شرکت را به یکی از بزرگترین شرکت‌های فروش سهام وال استریت مبدل می‌کند، بطوری که در مقاله‌ای که



در نشریه «فوربز» منتشر می‌شود، به او لقب «گرگ وال استریت» می‌دهند. زندگی بلفرد و همکارانش براساس پارتی‌های مجلل، سکس و استفاده از مواد مخدر بنا شده است. او با اینکه ازدواج کرده، معمولاً با فاحشه‌ها وقت می‌گذراند. همسر اولش را به خاطر زنی بلوند و جذاب ترک می‌کند، اما به او هم وفادار نمی‌ماند. کوکائین و دیگر مواد مخدر و هرزگی بلفرد را در خود غرق می‌کند، تا اینکه او و همکارانش مورد تعقیب «اف. بی. آی» قرار می‌گیرند. زیر سایه جستجوها و تحقیقات سازمان پلیسی، زندگی بلفرد و شرکتش به هم می‌ریزد و او سعی به فرار و نجات سرمایه‌اش می‌کند؛ اما، به دام می‌افتد و عاقبت خوشی نمی‌یابد.

برخی منتقدین، فیلم را نوعی ستایش نامسئولانه زندگی گرگ وال استریت دانسته‌اند، اما لئوناردو دی کاپریو در پاسخ گفته است که چنین نیست. از سویی، دختر یکی از کارکنان واقعی شرکت بلفرد طی نامه‌ای اعتراضی به خاطر عدم پرداخت کافی به قربانیان حقه بازی‌های این شرکت و صدماتی که به خانواده کارکنان آن زده، و نیز، دادن شخصیتی مثبت و سرگرمی‌ساز به جردن بلفرد و همکارانش، فیلم را مورد انتقاد قرار داده است.

جمله سینمای کشورهای دیگر و تولیداتش را از نظر دور نمی‌دارد، و بسیاری نکات دیگر. اما آنچه شاید از همه بنیادی‌تر و اساسی‌تر است، توجه آنها به ویتترین فروش، عرضه و بسته‌بندی شکیل محصولاتشان است، که به صورت مصاحبه‌های تبلیغاتی برای فیلم‌ها و بازیگران، و در نهایت در جشنواره‌ها ارائه می‌دهند. جشنواره‌ها بازار فروش و تبلیغ برای کارگزاران و سازندگان هالیوود و محصولاتشان یعنی فیلم‌ها هستند. این فروش فیلم‌هاست که چرخ کارچین کمپانی بزرگی را به حرکت مداوم وامی‌دارد و این فیلم‌ها هستند که با جذابیت‌هایشان بر جذابیت سازندگان می‌افزایند. در واقع سینما، هنر و انموسازی است و اساسش بر ارائه نمایشی واقعیت به جای واقعیت است. پس دیگر جایی برای انتظارات واهی از چنین کارخانه‌ای برای ارائه درست



واقعیات تاریخی باقی نمی‌ماند. هالیوود هیچ گاه چنین قصدی نداشته است. یک کارخانه فروش محصولات نمی‌تواند نقش یک معلم تاریخ را به عهده بگیرد، آن هم تاریخی دقیق و مستند؛ بلکه باید آن را در مدارس و دانشگاه‌ها و بنیادهای تحقیقی جستجو نمود. هرگاه هالیوود به مسأله‌ای تاریخی رجوع می‌کند، هدفش آموزش تاریخ نیست، بلکه تزریق افکاری خاص درباره مسأله مورد نظرشان است، که آن هم به سفارش سیاستمداران و کمپانی‌هاست و در نهایت، جذابیت فروش آن مسأله یا نکته تاریخی به دلیل اهمیت زمانی‌اش.

بنابراین در نسخه تازه فیلم «۳۰۰»، مسأله اغراق در تاریخ را زیاد جدی نگیرد. هالیوود نه تنها تاریخ کشورهای دیگر، بلکه همانطور که بحث شد، تاریخ و مسائل سیاسی کشور خودش یعنی آمریکا را هم به جعل و تحریف می‌گیرد. هالیوود فیلم‌هایی تفریحی، سرگرم‌کننده برای فروش عرضه می‌کند و گاه اگر واقع‌نمایی می‌کند، باز هم برای خلق جذابیت و فروش بیشتر است و از بازار بیرون راندن آنانی که حرفی برای گفتن دارند. بنابراین مهمترین فیلم‌های سیاسی و اجتماعی هالیوود را در نهایت از همین منظر می‌توان نگرینست و نه بیشتر. هالیوود، کارخانه فروش رؤیاهاست.

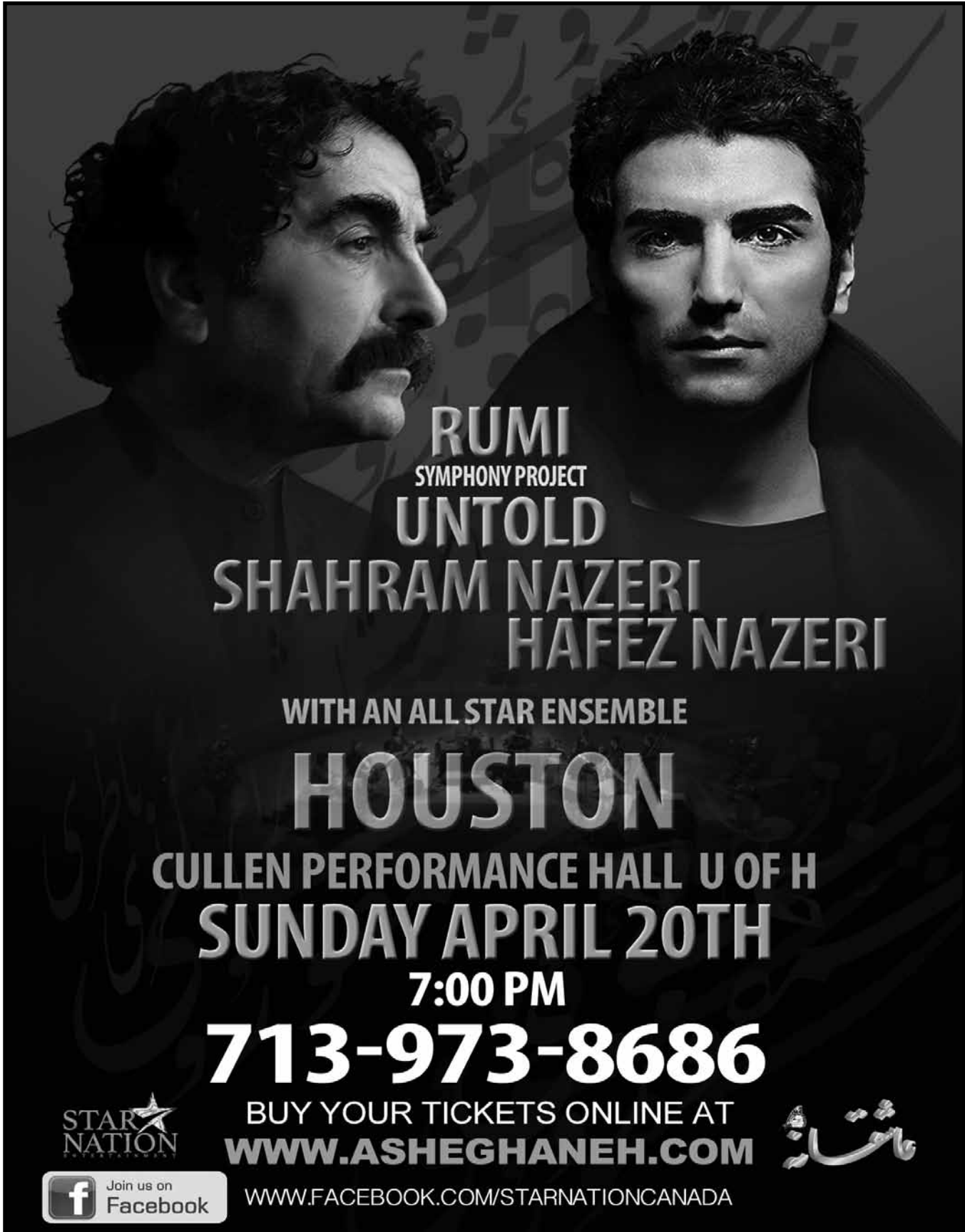
از عمر او باقی مانده است. رون کارش برق‌کشی، و از سوارکاران برنامه‌های نمایشی در ایالت تگزاس است. سناریو این فیلم بر اساس ماجرای حقیقی ساخته شده که شخصیت اصلی‌اش پس از ابتلاء به ایدز هفت سال عمر کرد و سرانجام در سال ۱۹۹۲ درگذشت. او برای زنده ماندن، قانون را زیر پا گذاشت، داروهایی را که در آن زمان ورودشان به کشور قانونی نبود، وارد کرد و به تدریج تبدیل شد به فروشنده داروهای غیرقانونی در بازار سیاه.

فیلم داستان واقعی زندگی یک مبتلا به ایدز است که در ماه‌های پایان عمرش، ماجراهایی را که بر وی گذشته، برای کریگ بورتن فیلمنامه‌نویس تعریف می‌کند، که عملاً تا ساخت فیلم بیست سال از این ماجرا گذشته است. توطئه‌های مربوط به ایدز، سیاستمداران، داروفروشان و انجمن‌های پزشکی، بویژه FDA (کنترل‌کننده دارو در آمریکا) در فیلم مطرح می‌شود.

از موضوعات جالب درباره این فیلم، کاهش شدید وزن «متیو مک کاناهی» بازیگر نقش رون وودروف است. او به خاطر بازی در این فیلم حدود ۲۰ کیلو از وزن طبیعی‌اش را از دست داد. مک کاناهی برای بازی در این فیلم نامزد دریافت جایزه اسکار بهترین بازیگری شده است.

فیلم «کلوب مشتریان دالاس»، یک درام خود - نگارانه است که فیلمنامه‌اش را «کریگ بورتن» و «ملیسا والاک» نوشته‌اند. فیلم تا به حال توسط تماشاگران و منتقدین بیشتر به خاطر دو بازی خوب «متیو مک کاناهی» و «جبرد لیتو» مورد ستایش قرار گرفته است. در مراسم «گلدن گلوب» نیز این دو بازیگر جوایز بهترین بازیگری را دریافت کردند. این فیلم در شش مورد برای دریافت جایزه اسکار نامزد شده است.

به طور کلی ساختارها و اشخاص و سیاستمداران آمریکائی همیشه بخشی از مسائل جذاب برای سینمای هالیوود بوده است که به نحوی با دیدی انتقادی بدان‌ها نگرینسته است. اما باید گفت که مسأله و هدف اصلی هالیوود همیشه آگاهی رساندن به جوامع نیست بلکه مسأله سودرسانی و فروش است؛ گرچه افکار سیاسی خاصی همیشه در پس‌زمینه فیلم‌ها موجود است. سینمای رویاسازی هالیوود، سینمای دولتی نیست؛ هر چند که در بسیاری موارد پشتیبان افکار اصولی آن است، بطور مثال، در زمینه جنگ. اما در واقع، هدایت افکار عمومی برای خرید و مصرف است که زیربنای اساسی سینمای هالیوود را تشکیل می‌دهد. این کمپانی بزرگ فیلم، یعنی هالیوود، تمامی مشخصات یک کمپانی بزرگ داد و ستد را داراست؛ از جمله اینکه از هرگونه تبلیغات درست و نادرست برای فروش کالاهای خود ابا ندارد؛ مأموران و کارگزاران خود را در همه جا از جمله در رسانه‌های عمومی جهت حفظ منافع به کار گمارده می‌گمارد. مقابله با کمپانی‌های سینمایی دیگر، از



RUMI
SYMPHONY PROJECT
UNTOLD
SHAHRAM NAZERI
HAFEZ NAZERI

WITH AN ALL STAR ENSEMBLE

HOUSTON

CULLEN PERFORMANCE HALL U OF H
SUNDAY APRIL 20TH
7:00 PM

713-973-8686

BUY YOUR TICKETS ONLINE AT
WWW.ASHEGHANEH.COM

STAR NATION
www.facebook.com/star_nation_canada

شماره

«باغ دزاشیب»

امیرحسین چهل تن

خاله جان گفت: راه گم کرده ای؟!
گفتم: راستش این طرف ها بودم با خودم
گفتم خوب است...
جوری که انگار مچم را گرفته باشد گفت:
پس همان؟!... راستش حسنعلی که آمد گفت
مهندس آمده دلم هری ریخت پائین... نه که
شماها اهل این جور معجزات نیستید گفتم
نکنند...
خندیدم، گفتم: آدم جرئت ندارد یک وقت
سری به خاله اش بزند؟!
گفت: بگذار برایت از این نان برنجیه
بیاورم... کجاست این عصاهه؟!
نگذاشتم، اصرار می کرد، همه اش
می گفت نمی دانی چه شیرینی ئی ست، توی
دهان آب می شود.
گفتم: نه خاله جان، شما با این پا دردتان!
گفت: مگر می خواهیم بروم سفر پتل پورت!
گفتم: پس خودم می آورم، کجاست؟



امیرحسین چهل تن نویسنده ایرانی متولد ۹ مهر ۱۳۳۵ است. در رشته مهندسی برق تحصیل کرده و در بیست سالگی نخستین مجموعه داستانش، «صیغه» (۱۳۵۵) را منتشر کرد. آثار او بارها نامزد جوایز مختلف ادبی از جمله جایزه هوشنگ گلشیری و کتاب سال جمهوری اسلامی بوده است. برخی از آثار چهل تن به زبان های انگلیسی و آلمانی ترجمه و یا با صدای نویسنده بازخوانی و منتشر شده اند. تابستان سال ۱۳۸۸ بورس اقامت یک ساله در برلین از طرف DAAD به او تعلق گرفت. پس از آن بورس بنیاد فرهنگی «هاینرش بل» متعلق به حزب سبزهای آلمان از آن او شد. چهل تن همچنین به عنوان نویسنده میهمان در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی به لس آنجلس رفت. او عضو کانون نویسندگان ایران است. رمان های این نویسنده عبارتند از: روضه قاسم؛ تالار آیینه؛ مهرگیا؛ «عشق و بانوی ناتمام»؛ تریلوژی تهران شامل سه رمان: «تهران، شهر بی آسمان»؛ «تهران، خیابان انقلاب»؛ «آمریکایی کشی در تهران»

و مجموعه داستان های: صیغه؛ دخیل بر پنجره فولاد؛ دیگر کسی صدایم نزد؛ چیزی به فردا نمانده است؛ ساعت پنج برای مردن دیر است

مضامین آثار چهل تن را محیط و فرهنگ سنتی، رویارویی انسان سنتی با مدرنیته، اسطوره ها و حوادث تاریخی، روابط عاطفی آدمیان، مشکلات اجتماعی زنان، مرگ روحی و تدریجی آدم ها و مسائل مربوط به جنگ و... تشکیل می دهد.



گفت: همین جا، توی همین گنجه!

همه چیز خانه برابم آشنا بود، تابستان های کودکی را یکسره آنجا گذرانده بودم، بارها و بارها در آن گنجه را باز کرده بودم و از تویش چیزی برداشته بودم، و آن روز وقتی درش را باز کردم همان بوهای همیشگی را شنیدم که یک جور گرمای بخصوص داشت و حسی را منتقل می کرد که اطمینان، امنیت یا این جور چیزها می شد اسمش را گذاشت، گفتم: خاله جان من چقدر خانه ات را دوست دارم!

آه کشید، بعد گفت: نمی آئید که!...چه می شود اگر یک روز دست زن و بچه ات را بگیری و بیاوری اینجا؟!...هان!؟

گفتم: شرمنده ام خاله جان!
این بار عمیق نگاهم کرد، گفت: می دانم تو

هم گرفتاری!

قوری چای روی بخاری بزرگ آهنی بود، برای خودم ریختم. گفت: حسنعلی همین پیش پای خودت آمد و دم کرد.

گفتم: خاله جان چه عطری!!

چشم ها را بستم و فنجان را به بینی ام نزدیک کردم، خاله جان گفت: نوش جان!

همیشه همه چیز خانه شان مرغوب و درجه یک بود، خب وضع شان هم البته روبراه بود، همیشه مصدر و باغبان داشتند، شوهرش داوود خان، نظامی بود، البته بعدها هم امیر شد اما خاله جان همیشه سرهنگ صدایش

می زد، می گفت تیمسار توی دهانم نمی چرخد. پرسیدم راستی از فریبرز چه خبر خاله جان؟

خاله جان سری تکان داد، گفت خوب است و این را جوری گفت تا درضمن دل تنگی اش را هم آشکار کرده باشد، گفت: آنوقت ها لافل پاری وقت ها نا مه ای هم می داد اما حالا -هف هس ده روزی یکبار فقط یک تلفن، همین!

گفتم: خب تلفن که بهتر است، صدایش را هم می شنوید!

گفت: خب بله، اما به شرطی که بشود آدم دو کلمه هم حرف بزند، نامه که می داد هر کدامش را صد دفعه می خواندم، چشمم به خط نامه بود اما صدای فریبرز توی گوشم می پیچید، نامه ها همین جا روی طاقچه کود بود، حالا گذاشته ام شان توی مجری، هنوز هم بعضی وقت ها می آورم و می خوانم شان، نامه هایی که بگو ده بیست سال پیش تر فرستاده، اما با تلفن بیشتر وقت ها هنوز سلام و علیک نکرده می گوید دیرم شد دیگر باید بروم، یا اینکه آیدا از توی دستشویی صدایم می زند یا اینکه... پرسیدم: دختر کوچیکه اش را می گوئید؟

به تأیید سر تکان داد، بعد یکهو چهره اش شکفت، گفت: دختر به این خوشگلی به عمرم ندیده ام! چشم ها رنگ زمره؛ همان جور برق

می زند!

پرسیدم: حالا چند تا بچه دارند؟

گفت: سه تا! شیده از بس بچه دوست دارد، یعنی فریبرز هم همین طور، گفتم دیگر بس تان است، همین ها را بزرگ کنید، خب می دانی آنجا آدم ها از زن و مرد باید بیست و چهار ساعته کار بکنند. شب ها شیده از فریبرز هم دیرتر به خانه می رسد.

فریبرز یک دانه اولاد بود، ما چهار تا بودیم، من همه دوران کودکی بگو تا آخر دبستان فقط یک دوچرخه داشتیم که تازه گاهی وقت ها می دادم به خواهران و برادریم آنها هم سوار شوند، اما فریبرز هر تابستان یک دوچرخه می شکست. داوود خان مرا با انگشت نشان می داد و به فریبرز می گفت «از این امیر یاد بگیر!» من و فریبرز همسن و همکلاس بودیم، من شاگرد نمونه بودم و او هر سال تجدیدی داشت، داوود خان راغب بود که تابستان ها من همراه شان به باغ دزاشیب بروم، خب من از خدا خواهی ام بود.

آنها همیشه میهمان داشتند، شب ها روی آن ایوان پهن تشک ها را کنار هم پهن می کردیم و می خوابیدیم، من و فریبرز تا نیمه های شب پیج پیج می کردیم، برای فردا نقشه می کشیدیم، آن موقع شمیران پر از باغ بود، پر از کوچه های سایه سار و جوب های پر آب!

خاله جان گفت: هر دفعه هم سراغت را می گیرد!

گفتم: بی معرفت نمی کند تلفنی چیزی... خاله جان حق را به من داد، با وجود این گفت: خودت چی؟!... خودت خب یک تلفنی بزن بهش!

گفتم: من که می زنم.

اما دروغ می گفتم، از آخرین گفتگوی تلفنی مان دو سالی می گذشت، بعد از تحویل سال بود که...

خاله جان گفت: شما دوتا فقط سری از هم سوا بودید!



یادش دادم، کرد و دید که می شود. من به او می گفتم باید پلک ها را بهم نزدیک کنی، جوری که کم و بیش مژه هایت را ببینی و آنوقت به درشت ترین ستاره آسمان نگاه کنی، می بینی که تیغه های نور ستاره کش می آید و تا توی رختخوابت جلو می آید، آن شب همانطور که تا قبا ز خوابیده بودیم، به آسمان نگاه می کردیم و حرف می زدیم، یکهو متوجه شدم که فریبرز دیگر چیزی نمی گوید، فکر کردم شاید خوابش برده است، به سمتش چرخیدم تا مطمئن شوم که یکهو گفت: امیر!... من هم توانستم! تیغه ستاره کش آمد، اینقدر دراز شده بود که انگار نوکش به پیشانیم می خورد!

گفتم: دیدی باور نمی کردی؟! با صدایی که می لرزید گفت: هنوز هم باور نمی کنم، اما می دانی چه اتفاقی افتاد؟! من به تیغه ستاره دست زدم!

ساکت شد، نفس نفس می زد، حرکت تند و منظم لحافی که تا روی سینه بالا کشیده

همه شان بودند، ناگهان احساس کردم فریبرز و شیده هر دو کمی دلتنگ به نظر می رسند هرچند نیش شان تا بناگوش باز بود، بچه ها اما شاد بودند، خوشبختی از ژرفای وجودشان انگار شعله می کشید. گفتم: چه بچه های خوشگلی!

خاله جان گوشش به من نبود، گفت: عکس می خواهیم چکار! عکس یک تکه کاغذ است... من خودشان را می خواهیم!

بغض داشت و بعد رویش را به سمت پنجره چرخاند.

از آنجا که نشسته بودم گوشه ای از ایوان را می دیدم و همچنین تنه یکی دو درخت را، میان دو ستون بند رخت بسته بودند؛ رویش هیچ لباسی پهن نبود!

بی هوا گفتم: خاله جان چند روز پیش می دانی یاد چی افتاده بودم؟! به سمتم برگشت، با چشم های نم زده متعجب نگاهم کرد، گفت: ها؟! گفتم: یاد آن تابستانی که فریبرز بیست و چهار ساعت تمام گم بود!

انگار بار دیگر از یک سر مگو صحبت به میان آورده باشیم با صدایی پائین و قیافه ای حیرت زده گفت: یادته؟! و تا لحظاتی هر دو سر تکان دادیم.

خاله جان گفت: من هنوز هم سر در نمی آورم!

و دست ها را به نشانه یک شگفتی فوق العاده از هر دو سو باز کرد.

من و فریبرز ده یازده سال بیشتر نداشتیم، نیمه های شهریور بود و شب ها حسابی هوا سرد می کرد، خاله جان می گفت بهتر است تو بخوابی، زیر بار نرفتم، خاله جان دو سه لحاف کلفت برای ما گذاشت و خودش رفت که بخوابد، آن بازی را من سال پیشش کشف کرده بودم، فریبرز اولش باور نمی کرد، همه اش می گفت آخر مگر می شود؟ اما من

و بعد گفت: چائیت که سرد شد... عوضش کن!

گفتم: من سرد می خورم!

گفت: شیده هم همینطور!... بهش می گویم این که تو می خوری چای نیست والله، آب حوض است!

گفتم: خیال ندارید دوباره سری بهشان بزنید؟ بلافاصله و به تأکید گفت: نه!

حتی به نشانه احتراز رویش را آن طرف کرد و بعد از مکثی گفت: گفتم که آنها هر دو صبح می روند، نصفه شب بر می گردند، برای در و دیوار خانه شان بروم؟! بچه ها هم که مونس من نیستند، همه اش جلوی تلویزیونند، تازه فارسی هم درست بلد نیستند، دو سال پیش که آنجا بودم یک روز از دل درد داشتم می مردم، یک تکه نبات از شان خواستم، هیچ جور حالی شان نمی شد، هرچه توی گنجه های آشپزخانه بود کشیدند و آوردند پیشم، آخر سر هم گفتند نداریم، گفتم بابا من خودم با این دست چلاقم دو کیلو زعفرانی اش را برایتان آوردم، می گفتند نیست، تمام شد! راست می گفتند. شیده شب که آمد گفت همان دو سه روزه اول کلکش را کردند!

از یاد نوه ها دو باره چهره اش از شوق و شادی شکفت، من هنوز نگاهش می کردم که یکهو اخم کرد، نالید و باز سر زانو ها را مالید، پاهای خیک باد مثل متکا شده بود، گفتم: راستی پای تان چطور است؟

گفت: همانطور ها! نمی بینی...؟ فقط همین قدر که بتوانم با این عصاچه (به واگرش اشاره کرد) تا دستشویی بروم و برگردم.

و بعد یکهو انگار به صرافت چیزی افتاده باشد، مکثی کرد و گفت: پشت سرت را نگاه کن!

برگشتم؛ سر طاقچه یک عکس به دیوار تکیه داشت، گفت: همین دیروز به دستم رسید.



خاله ها و دایی ها خبر شده بودند، مادرم تکه تکه اسباب بازی های فریبرز را از گوشه کنار خانه پیدا می کرد و به جگر می چسباند و زار می زد. شب که داوود خان دست خالی برگشت تازه ضجه عمه ها و خاله ها اوج گرفت، داوود خان به زن ها تشر زد و سروقت خاله جانم رفت. خاله جان رمق نداشت بی تکان و خاموش بود، فقط یک کلام گفت: آمدی؟!

داوود خان سر تکان داد و پیشانی خاله جانم را بوسید و آنوقت با سر برادر کوچکترش را که مثل خودش نظامی بود و درس دکتری هم خوانده بود صدا زد، گفت: یه چیزی بهش بده که بتونه بخوابه!

شب موقع خواب، خانه هنوز پر از میهمان بود، گوشه کنار پیج پیج می کردند و برای خاله جانم دل می سوزاندند.

من باز روی ایوان خوابیدم و آنقدر به همان ستاره درشت در آسمان نگاه کردم تا خوابم برد اما نیمه های شب ناگهان بیدار شدم، فریبرز کنار دستم خوابیده بود، در گوشم گفت: من برگشتم!

بغلش کردم گفتم: کجا بودی؟!

گفت: خودت که لابد دیدی، یکپهو ابر شد هوا، دیگر نمی شد برگشت.

گفتم: برایم تعریف کن بگو کجاها رفتی و چه ها دیدی؟

فریبرز لام تا کام نگفت.

فردا صبحش در خانه یک جشن حسابی بود، گاه البته از او می پرسیدند: بالاخره به ما نگفتی کجا رفته بودی؟

فریبرز می گفت: شما از چی حرف می زدید؟ (و در همان حال زیر چشمی به من نگاه می کرد).... من شب خوابیدم و صبح که چشمم را باز کردم دیدم همه تان دورم حلقه زده اید و تماشا می کنید،.... همین!

من به نگاهش پاسخ می دادم و مطمئنش می کردم که این راز تا ابد بین ما باقی خواهد ماند.

می شود این همه را ه را...

حرفم را قطع کرد، گفت: من بالا نمی روم، ستاره خودش تیغه اش را جمع می کند و مرا بالا می کشد!

من باز هم مخالفت نشان دادم، گفتم غیر ممکن است و او ناگهان لحاف را پس زد و در حالی که به سمت من می چرخید، کتف ها و شانه ها را از تشک برداشت، گفت: از کجا این حرف را می زنی؟!

دلخوری اش آشکار بود و لحظه ای بعد با خونسردی تمام گفت: حالا امتحان می کنم! چنان جدیتی در لحن و در صدایش بود که من بی هوا گفتم: نه!... این کار را نکن!

و لحاف را روی سرم کشیدم. یادم نیست چه مدت آن زیر بودم که نیاز به هوای تازه و ادارم کرد لحاف را پس بزنم، فریبرز نبود؛ با پا لحاف مچاله را به یکسو زدم، نه، او واقعا نبود. من دوباره به همان ستاره درشت نگاه کردم، یادم هست که بطور احمقانه ای کوشیدم او را از همان فاصله بعید بر سطح ستاره ببینم، از زور ترس و بیچارگی نزدیک بود به گریه بیفتم و یکپهو دیدم تکه های ابری که معلوم نبود تا آن موقع کجا قایم شده بودند کم کم بهم وصل شدند و صدای رعد باغ را لرزاند، ستاره درشت و محبوب ما دیگر پیدا نبود و لحظاتی بعد باران گرفت. من لحاف را دوباره روی سرم کشیدم و دیگر چیزی نفهمیدم.

صبح فردا خاله جان صدایم زد و گفت: فریبرز نیست؛ هرچه صدایش می زنم، هر جای خانه و باغ را که می گردم سری از آثارش پیدا نیست!

همه روز در خانه ولوله بود، به همه کلاتتری ها سپرده بودند، داوود خان کار و بارش را ول کرده بود و با جیبش شهر را می گشت، خاله جان از بس سر و صورتش را چنگ زده بود دیگر جای آبادی توی صورتش نبود، همه عموها و عمه ها و

بود کاملا محسوس بود، دانه های عرق روی پیشانی اش برق می زد.

گفتم: خب بعدش؟!

و انگار یکپهو نگران شده باشم پرسیدم: دستت سوخت؟

گفت: نه!... سرد بود، انگار دستت را توی آبی خنک فرو کرده باشی!

بار دیگر ساکت شد اما جوری که انگار هنوز حرفش را تمام و کمال تحویل نداده است، حالتی از انتظار و تعلیق را منتقل می کرد. من همچنان نگاهش می کردم تا او دوباره به حرف آمد: فکر می کنم اگر نوک تیغه نور را ول نمی کردم می توانستم تا خود ستاره بالا بروم! من تخته پشت را بر تشک گذاشتم، درشت ترین ستاره آسمان در تیررس نگاهم بود. در آن لحظه بزرگترین آرزویم این بود که گمان او حقیقت داشته باشد اما با بدجنسی تمام گفتم: نه نمی شود!

اما او تقریبا مطمئن بود. گفتم: می دانی از اینجا تا آسمان چقدر راه است؟! چطوری



۸ مارس یادآور مبارزات زنان جهان برای تغییر و بهبود نمودن

در آستانه هشت مارس، روز جهانی زن هستیم؛ روزی که زنانی مبارز برای احقای حق خود به پا خاستند و راه حق طلبانه ای را گشودند که همچنان با مبارزات و فعالیت بسیاری از زنان سراسر جهان ادامه یافته است.

تلاش و مبارزه زنان برای احقاق حقوق انسانی و مدنی خود، با ورود وسیع آنان به مناسبات اجتماعی و عرصه کار و تولید و برای بهبود زندگی و شرایط بهتر کار آغاز گشت و با مبارزات برای به دست آوردن حق رای و حقوق مدنی دامه یافت؛ و اکنون نیز با مبارزات پیگیر برای به دست آوردن

حقوق و فرصت‌های برابر با مردان، و برای صلح و زندگی بهتر ادامه دارد.

۸ مارس سمبل و یادآور مبارزات زنان جهان برای تغییر و بهتر نمودن شرایط ناعادلانه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زنان در جامعه جهانی است.

هر چند ۸ مارس نبرد زنان سوسیالیست برای حقوق برابر بدون هیچ قید و شرط، و پس از آن نبرد طبقاتی زنان کارگر کارخانجات ریسندگی شیکاگو علیه بورژوازی را تداعی می کند، اما این روز، یادآور همبستگی جهانی و حقوق جهانشمول زنان علیرغم هر تعلق ملیتی، فرهنگی و مذهبی است.

در ایران، در سال‌های اخیر، تلاش‌های خستگی‌ناپذیر فعالین حقوق زن و سایر فعالین اجتماعی برای برگزاری ۸ مارس، دستاوردهای ارزشمندی داشته است. این زنان فعال هر ساله به هر شکلی که امکان داشته است، به استقبال ۸ مارس رفته‌اند، بیانیه و قطعنامه داده‌اند؛ و بر فعالیت و مبارزه خود پا فشرده‌اند.

۸ مارس روزی جهانی است که آنها با همراه شدن با موج عظیم زنان سراسر دنیا، می‌توانند خواسته‌های خود را به نمایش بگذارند؛ خواسته‌هایی چون، پایان دادن به: خشونت علیه زنان، تبعیض جنسیتی، تجاوز، فحشا، فرهنگ مردسالارانه، ازدواج‌های اجباری، عدم امنیت کاری و اجتماعی در محل کار و زندگی، گرانی سرسام‌آور و دستمزدهای ناچیز، هتک حرمت زنان در ملاء عام و کشتار زندانیان دربند و... بسیاری دیگر، که طولانی و بی‌پایان است.

آنها خواهان پایان دادن به تمامی شرایط نابسامان غیر انسانی و ناعادلانه هستند.



طنز نوروزی از سعید طلایی

با آمدن بهار ما گل کردیم
 یاد از گل و مرحومه بلبل کردیم
 با وعده این که می رسد فروردین
 سرمای سه ماه را تحمل کردیم
 از جانب ابر چون که در تحریمیم
 چندی ست که با چاه تعامل کردیم
 از جوش و خروش ماه نوروز همه
 تبخیر شدیم بس که قلقل کردیم
 تا یک ذره درد کمتری حس نکنیم
 در لحظه تزریق بلا شل کردیم
 هی فال گرفتیم و بد آمد، بعدش
 با همت بیشتر تفأل کردیم
 امسال که هفت سین مان سکه نداشت
 فکر سمنو و فکر سنبل کردیم
 چون خرج مسافرت به شدت بالاست
 یک گوشه نشستیم و توکل کردیم
 تا روحیه مان کمی دگرگون بشود
 با تکتک فامیل تعامل کردیم
 از بس که تعارفات کردند به زور
 یک عالمه آجیل تناول کردیم
 با هفت عدد چای که رویش خوردیم
 این هاضمه را به شدت اسکل کردیم
 چون بچه صاب خانه عیدی می خواست
 هی پا نشدیم، هی تعلل کردیم
 در آخر داستان هم از ناچاری
 عیدی دو عدد ماچ تبادل کردیم
 *

امسال شبیه سال های پیش است
 هر چند تقاضای تحول کردیم
 انکار که کارمند یعنی که همین
 با کوشش مستمر تنزل کردیم



با شما نبودم

شخصی دمر و خوابیده از جوی آب می خورد.
 کسی به او رسید و گفت:
 « اینطوری آب نخور. عقلت کم میشه. »
 اون شخص او را براندازی کرد و گفت:
 عقل دیگه چیه؟
 مرد جواب داد: « هیچی بابا، با شما نبودم، ببخشید.»

با خوشحالی به دوستش میگه بالاخره این پازل رو
 بعد از ۳ سال حل کردم.
 دوستش میگه: ۳ سال زیاد نیست؟
 میگه: نه بابا، رو جعبه اش نوشته ۳ تا ۵ سال!



کاروانش



احمد رضا احمدی

من و کودک به آب های رنگینِ فواره ها
خیره می شویم
اما از بهار خبری نیست!
با من می رود، به محله های قدیمی می روم
در جستجوی چاپخانه ای هستم
که در جوانی من حروف سربی داشت
می خواستم با حروف سربی نام بهار را
روی دیوارِ روبروی خانه ام بنویسم
بر درِ فرسوده چاپخانه یک قفلِ بزرگ
زنکار گرفته است
به خانه می آیم
در فرهنگ لغت به دنبال کلمه بهار هستم
در غیبت بهار همه کلمات فرهنگ بی معنی و
پوچ است
در غیبت بهار رنج، هراس، بیم، تردید،
هرمان، وحشت را از یاد نبرده ام
به دنبال تسلی هستم
چه کسی باید در غیبت بهار مرا تسلی دهد
می خواهم بخوابم
پرنده ای به پنجره من نوک می زند
از پنجره با حرمان جهان را نگاه می کنم
جهان ناگهان غرق در شکوفه ها،
گل های شقایق و بنفشه است
پنجره را باز می گذارم
باران می بارد
در باران می گویم
بهار را یافتم
بهار آمد ...

بهار

همیشه هراسم آن بود
که صبح از خواب بیدار شوم
با هراس به من بگویند
فقط تو خواب بودی
بهار آمد و رفت...

از خواب بیدار می شوم
می پرسم بهار کجا رفت؟
کسی جواب مرا نمی دهد
سکوت می کنند!
در پشت اتاقم باران می بارد
می پرسم شاید این باران بهار است
کسی جواب مرا نمی دهد
سکوت می کنند!

پنجره را که باز می کنم
باران تمام می شود
در آینه چهره ام را نگاه می کنم
آرام آرام چهره ام پیر می شود
از پنجره زمین را نگاه می کنم
خیس است و ساکت

بر تن لباس می کنم، به کوچه می آیم
از نخستین عابر که در باران بدون چتر می دود
می پرسم
شما عبور بهار را در این کوچه ندیدید؟
عجله دارد، فقط می گوید نه!
از همسایه ها دلگیر هستم

می گویم آیا این ستمگری نیست

که هنگام عبور بهار از پشت پنجره ام
مرا خبر نکردید؟
سکوت می کنند

سکوت همسایه ها برای من دشنام است.
کودکی در باران دست مرا می گیرد
به میدانی می برد که انبوه از فواره های
رنگین است



«سید ابوطالب مظفری»

از شاعران مطرح افغانستان

بهار آمد، بساط سبزه افکند
زمستان را لباس ژنده بر کند
میان باغ، قمری غزل گوی
مرکب خوان تصنیف خداوند
ببین، برف از سر آن قلّه کوچید
ببین، بابا ز سر وا کرده سربند
جهان حال خوشی دارد به نوروز
دریغا به حال خلق مانده در بند
شکسته مردمی کز دیرسال است
به روی خود ندیده یک شکرخند
بهار! ناز کم کن، چانه کم زن
بهای این لب پرخنده ات، چند؟
بهار! نوبهار بلخ تلخ است
بیاور از سمرقند خودت قند



منوچهر آتشی

آید بهار و پیرهن بیشه نو شود
 نوتر بر آورد گل اگر ریشه نو شود
 زیباست روی کاکل سبزت کلاه تو
 زیباتر آنکه در سرت اندیشه نو شود
 ما را غم کهن به می کهنه بسپرید
 به حال ما چه سود اگر شیشه نو شود
 شب‌دیز، رام خسرو و شیرین به کام او
 بر فرق ما چه فرق اگر تیشه نو شود
 جان می‌دهیم و ناز تو را باز می‌خریم
 سودا همان کنیم اگر تیشه نو شود

وحشی بافقی

سال نو و اول بهار است
 پای گل و لاله در نگار است
 والای شقایق است در رنگ
 پیراهن غنچه نیم کار است
 آن شعله که لاله نام دارد
 در سنگ هنوز چون شرار است
 پستان شکوفه است پر شیر
 نوباوه باغ شیرخوار است
 برگ از سر شاخه تازه جسته
 گویا که مگر زبان مار است
 این فرش زمردی ببینید
 کش از نخ سبزه پود و تار است
 ای پرده نشین گل بهاری
 مرغ چمن در انتظار است
 این وزن ترانه می‌سراید
 مرغی که مقیم شاخسار است
 کای تازه بهار عالم افروز
 هر روز تو عید باد و نوروز



هوشنگ ابتهاج

پیام پرستو

بیار باده که بوی بهار می آید
 هزار غم ز تو دارم به دل، بیا ای گل
 که گل شکفته و بانگ هزار می آید
 طرب میانه خوش نیست با منش چه کنم
 خوشا غم تو که با ما کنار می آید
 نه من ز داغ تو ای گل به خون نشستم و بس
 که لاله هم به چمن داغدار می آید
 دل چو غنچه من نشکفد به بوی بهار
 بهار من بود آنکه که یار می آید
 نسیم زلف تو تا نگردد به گلشن دل
 کجا نهال امیدم به بار می آید
 بدین امید شد اشکم روان ز چشمه چشم
 که سرو من به لب جویبار می آید
 مگر ز پیک پرستو پیام او پرسم
 و گر نه کیست که از آن دیار می آید
 دلم به باده و گل وا نمی شود، چه کنم
 که بی تو باده و گل ناگوار می آید
 بهار سایه تویی ای بنفشه مو، باز آی
 که گل به دیده من، بی تو خار می آید

بیدل دهلوی

منتظران بهار بوی شکفتن رسید
 لمعه مهر ازل بر در و دیوار تافت
 نامه و پیغام را، رسم تکلف نماند
 عشق ز راه خیال، گرد الم پاک رفت
 صبر من نارسا، باج ز کوشش گرفت
 عیش و غم روزگار، مرکز خود و شناخت
 مطلع همت بلند، مزرع اقبال سبز
 زین چمنستان کنون بستن مژگان خطاست
 بردم از این نوبهار نشئه عمر دو بار
 سرو خرامان ناز حشر چه نیرنگ داشت
 بیدل! از اسرار عشق هیچکس آگاه نیست
 مژده به گل ها برید، یار به گلشن رسید
 جام تجلی به دست، نور ز ایمن رسید
 فکر عبارت کراست، معنی روشن رسید
 خار و خس وهم غیر، رفت و به کلخن رسید
 دست به دل داشتم، مژده دامن رسید
 نغمه به احباب ساخت، نوحه به دشمن رسید
 ریشه به نخل آب داد، دانه به خرمن رسید
 آیین صیقل زدید، دیده به دیدن رسید
 دیده‌ام از دیده رست، دل به دل من رسید
 هر چه ز من رفته بود با به مسکن رسید
 گاه گذشتن گذشت، وقت رسیدن رسید



دکتر طناز ارمانی

فوق تخصص خون شناسی و سرطان شناسی
و متخصص بیماری های داخلی



March: National Colon cancer awareness month

ماه مارچ: ماه ملی آگاهی

از سرطان روده بزرگ

داد؟

چگونه می توان احتمال مبتلا شدن به سرطان روده بزرگ را کاهش
مرکز پیشگیری و درمان آمریکا (center of disease control and prevention) که به اختصار «CDC» نامیده می شود، ماه مارچ را ماه آگاهی از سرطان روده بزرگ (American colon cancer awareness month) نامگذاری کرده است.

در این ماه، رسانه های گروهی، خبری و انجمن های سرطان شناسی آمریکا، آگاهی عموم مردم جامعه را با ارائه اطلاعات زیادی افزایش می دهند.

در این مقاله مطالب عمده و مفیدی را درباره سرطان روده بزرگ، خدمت ایرانیان عزیز ارائه می نمایم.

سرطان روده بزرگ، رتبه سوم را در میان سرطان های شایع

آمریکا داراست.

پیش بینی می شود که در سال ۲۰۱۴ میلادی در حدود پنجاه هزار و سیصد نفر به این بیماری مبتلا شده، و جانشان را از دست خواهند داد.

از هر ۲۰ نفر، ۱ نفر (۵ درصد) در آمریکا احتمال ابتلا به سرطان روده بزرگ را دارد. در علم و درمان پزشکی این رقم، رقم بسیار بالائی بوده و به این دلیل غربال کردن (Screening) نقش مهمی در پیشگیری این بیماری بازی می کند.

البته در سال های اخیر مشاهده شده است که مرگ و میر ناشی از سرطان روده بزرگ بطور چشم گیری کاهش یافته است. روش های تشخیصی بهتر، تکنیک های جراحی برجسته تر، شیمی درمانی مناسب تر، و مهمتر از همه، غربالگری گسترده تر افراد در معرض

نوع «Villous» است. به دلیل تفاوت در سرعت رشد پولیپ‌ها، تواتر کولونوسکوپی‌ها بین افراد مختلف فرق می‌کند. اگر پولیپ «Villous» در روده بزرگ یافت شود، کولونوسکوپی بعدی یک تا سه سال بعد انجام می‌گیرد. تاریخچه خانوادگی، سن و نوع پولیپ عواملی هستند که بهترین زمان کولونوسکوپی را تعیین می‌کنند. این موضوع را پزشک تشخیص می‌دهد و توصیه‌های لازم را به عمل می‌آورد.

عوامل مهم ایجاد سرطان روده بزرگ، که معمولاً قابل تغییر نیستند، عبارتند از:

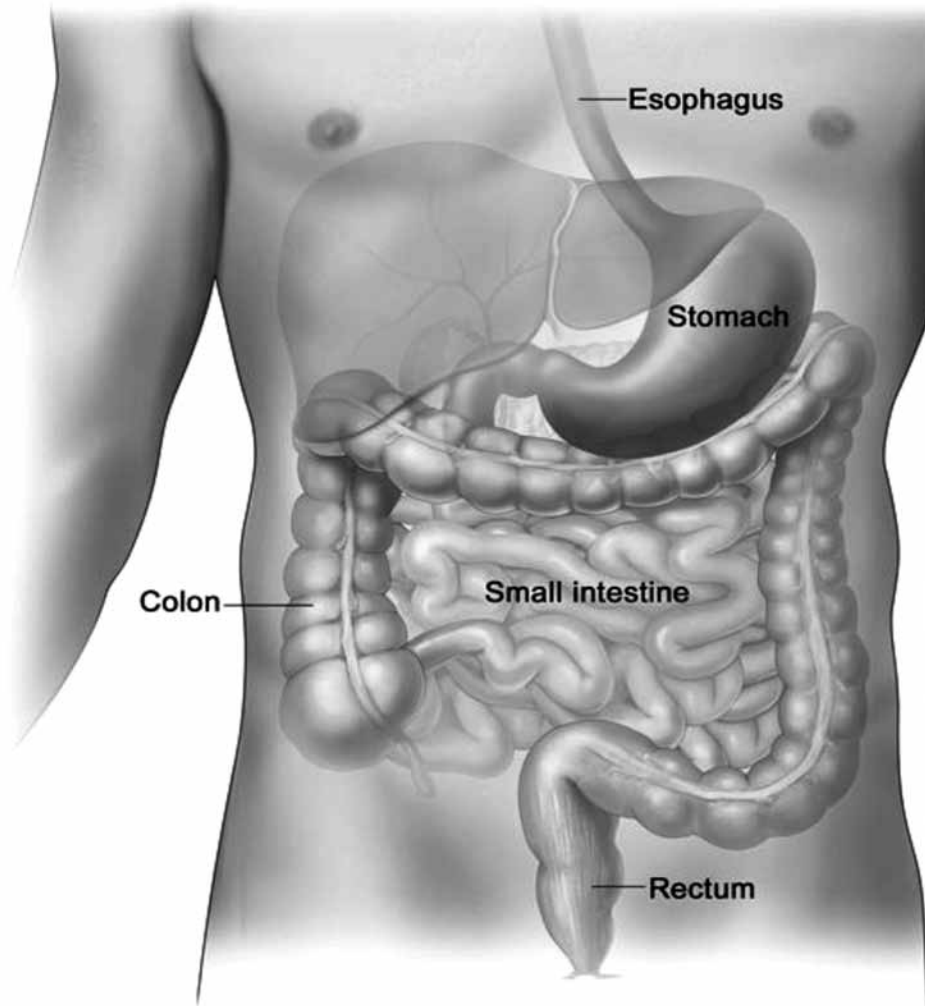
۱- سن بالا: احتمال ابتلا به سرطان روده بزرگ در اشخاص مسن‌تر بیشتر است و این احتمال با بالا رفتن سن، افزایش پیدا می‌کند.

۲- بیماری‌های مزمن التهابی روده. مانند: ulcerative colitis or crohn's disease

۳- سرطان روده بزرگ در افراد درجه اول و درجه دوم خانواده، تشخیص داده شده باشد.

۴- پولیپ‌های ریسک بالا (High risk) در هنگام کولونوسکوپی پیدا شود.

۵- در نژادهای خاصی احتمال ابتلا به



غربال‌گری: مهمترین و مفیدترین روش جلوگیری از سرطان روده بزرگ است. غربال‌گری،

یعنی جستجو کردن سرطان در اشخاصی که هیچ یک از علائم بیماری را ندارند.

سرطان روده بزرگ بیشتر است؛ از جمله سفیدهای Ashkenazi و سیاه پوستان آمریکائی (African Americans)

۶- دیابت (مرض قند)

۷- سندروم‌های خاص از جمله Familial (polyposis coli (FAP

Hereditary Non-polyposis colon cancer (HNPcc=Lynch syndrome)

جدار روده جدا ساخته و از بین ببرد. این روش، بهترین روش برای پیشگیری سرطان روده بزرگ محسوب شده و توسط تمام انجمن‌های موثق آمریکائی و اروپائی به اشخاصی که در معرض ریسک این سرطان قرار دارند، توصیه می‌شود.

برخی از پولیپ‌ها رشد بسیار سریعتری دارند و می‌توانند در مدت کوتاهتری به سرطان تبدیل شوند؛ از جمله این پولیپ‌ها،

ابتلا به سرطان روده بزرگ از جمله علل این کاهش شمرده می‌شوند.

در حدود ۹۵ درصد سرطان‌های روده بزرگ از پولیپ (polyp) روده منشأ می‌گیرد. بطور متوسط ۱۰ سال طول می‌کشد که یک پولیپ به سرطان مهاجم تبدیل شود.

غربال‌گری به توسط روش کولونوسکوپی (Colonoscopy) نه تنها می‌تواند پولیپ‌ها را تشخیص دهد، بلکه می‌تواند آنها را از

گوشت هایی که در آمریکا برای ساندویچ استفاده می شوند، سرطان زا هستند. همچنین، گوشت هایی که در حرارت بسیار بالا پخته شده اند (مثل کباب کردن، سرخ کرده و داخل فر با حرارت بسیار بالا) سرطان زا محسوب می شوند.

اثر آسپرین بر سرطان روده بزرگ: تحقیقات نشان داده است که آسپرین و داروهای هم خانواده از جمله ایبوپروفن (NSAIDS) از تشکیل پولیپ روده بزرگ جلوگیری می کند.

در حال حاضر خوردن آسپرین و داروهای مشابه برای جلوگیری از سرطان روده بزرگ توصیه نمی شود؛ چرا که این داروها احتمال خونریزی از دستگاه گوارشی را به همراه دارند و ممکن است ضررشان بیشتر از منفعت شان باشد.

در حال حاضر این داروها تحت پژوهش بالینی (Clinical trial) تجویز می شود تا این مورد بیشتر بررسی شود.

نشانه های ابتلا به سرطان روده بزرگ:

- ۱- تغییر در عادات روزانه روده ای: یبوست، اسهال، کوچک شدن قطعات مدفوع
 - ۲- خون در مدفوع
 - ۳- مدفوع کاملاً سیاه رنگ
 - ۴- درد شکم
 - ۵- کم خونی ناشی از کمبود آهن
 - ۶- کاهش وزن
- برای اطلاعات بیشتر لطفاً به وب سایت ما www.westcca.com مراجعه نمایید.

References:

- ۱- American cancer society
- ۲- National cancer institute

اشخاص معمولی که ریسک بالا ندارند (Average risk) از ۵۰ سالگی و در اشخاص با ریسک بالا (high risk) از سنین پایین تر آغاز شود.

اشخاص با ریسک بالا عبارتند از اشخاصی که در خانواده درجه یک و دو آنها، سرطان روده بزرگ مشاهده شده است، سندروم های خانواده گی، یا پولیپ های ریسک بالا داشته اند.

۲- کاهش وزن

۳- کاهش مصرف گوشت قرمز و جایگزینی آن با گوشت ماهی و مرغ

۴- مصرف مقدار فراوان سبزیجات و میوه

۵- ورزش روزانه

۶- مصرف مواد غذایی با فیبر (Fiber) بالا مانند نان با سبوس بالا

۷- تنظیم مصرف الکل روزانه: دو گیلاس شراب برای مردان و یک گیلاس شراب برای زنان در روز ضرر ندارد.

۸- به سطح طبیعی رساندن ویتامین D در خون

عوامل مهم ایجاد سرطان روده که قابل تغییر هستند، عبارتند از:

۱- ورزش کردن: ورزش مداوم با برنامه ریزی روزانه احتمال سرطان روده بزرگ را کاهش می دهد.

۲- اضافه وزن: احتمال ابتلا به سرطان روده بزرگ در اشخاص چاق بیشتر است.

۳- رژیم غذایی: گوشت قرمز و گوشت های تغییر داده شده (Processed)،

از جمله گوشت هایی که در آمریکا برای ساندویچ استفاده می شوند، سرطان زا

هستند. همچنین، گوشت هایی که در حرارت بسیار بالا پخته شده اند (مثل کباب کردن،

سرخ کرده و داخل فر با حرارت بسیار بالا) سرطان زا محسوب می شوند.

البته این به معنای حذف کامل گوشت قرمز از رژیم غذایی نیست. بلکه مقصود این است

که مقدار مصرف گوشت قرمز را کم کرده و حتی الامکان آن را در حرارت پائین تری

پزیم.

۴- مصرف زیاد الکل

چگونه می توان از سرطان روده بزرگ پیشگیری کرد؟

۱- غربالگری: مهمترین و مفیدترین روش جلوگیری از سرطان روده بزرگ است.

غربالگری، یعنی جستجو کردن سرطان در اشخاصی که هیچ یک از علائم بیماری را ندارند. اگر شخصی علائم سرطان روده

بزرگ را داشته باشد، باید در اولین فرصت موضوع را با پزشک خود در میان بگذارد و

اقدامات لازم را به عمل آورد.

توصیه می شود که غربالگری در

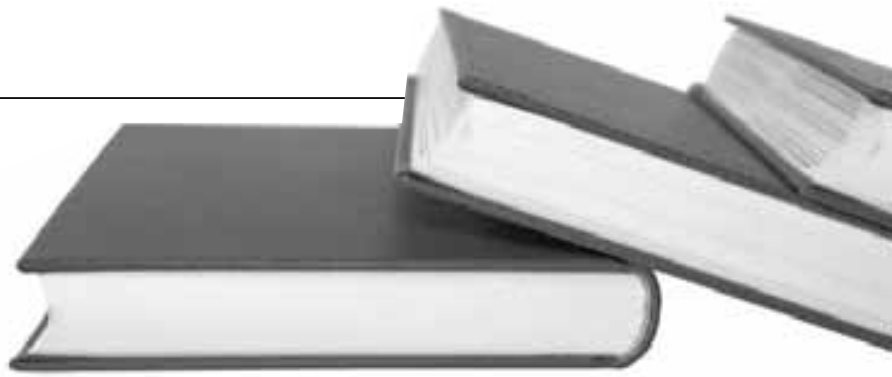


جاناتان سید
بازنشسته مشاور

انواع بیمه ها و مالیات دولتی

۷۱۳-۸۱۸-۷۲۹۴

کتابخانه عاشقانه



سگ‌سالی؛ بلقیس سلیمانی



داماد» و «پسری که مرا دوست داشت» از آثار منتشرشده این نویسنده‌اند.

۶۰ و با حال و هوای سیاسی آن زمان، اتفاق می‌افتد.»
رمان در فصل‌های کوتاه، و براساس روایت دانای کل محدود نوشته شده است و ۲۴ سال از زندگی شخصیت اصلی را به صورت روایت‌های کوتاه بیان می‌کند.

بلقیس سلیمانی سال ۱۳۴۲ در کرمان به دنیا آمده است. رمان‌های «بازی آخر بانو»، «خاله‌بازی» و «به هادس خوش آمدید» و همچنین مجموعه داستان‌های «بازی عروس و

توسط نیروهای امنیتی کشف شد و از آنجا که داستان بسیار جالب و پیچیده بود، قرار شد این موضوع به فیلم تبدیل شود. به همین دلیل با یک کارگردان و تهیه‌کننده درباره به تصویر کشیدن این قصه گفت‌وگو شد، اما تهیه‌کننده به دلیل بیم از عدم جلب تماشاگر، از ساخت فیلم انصراف داد. به این ترتیب، من موضوع این واقعه را از تهیه‌کننده گرفتم و براساس آن رمانی نوشتم که در شهر فرضی خودم به نام گوران، و در دههٔ

سگ‌سالی»، جدیدترین رمان «بلقیس سلیمانی» است که بر اساس موضوعی که در خراسان جنوبی اتفاق افتاده، شکل گرفته؛ اما از آن جایی که سلیمانی کرمانی است، وقایع و اتفاقات را به محل زندگی خود برده است. سلیمانی در ابتدای این رمان نوشته: «در این داستان جز موضوع اصلی، کلیه شخصیت‌ها و رخدادها ساختگی هستند.» اما نویسنده دربارهٔ موضوع اصلی این رمان و واقعی بودنش می‌گوید: «این واقعه در دههٔ ۷۰،

پنج شنبه‌های سالن؛ ملیحه صباغیان



ناتمام» و «رگ سرخی به تن بوم» رمان‌های منتشر شده این نویسنده هستند.

همین اشتباهات است؛ «یک فکر موذی می‌پرد وسط مغز سُرَبی» و «خوشبختی‌های نیلی: حتی اگر گاه دیوار باشد» نام فصل‌های رمان «پنج شنبه‌های سالن» هستند. ملیحه صباغیان، نوشتن را با داستان کوتاه آغاز کرده و پیشتر تعدادی زیاد از داستان‌هایش را در نشریات فارسی زبان اروپا و آمریکا منتشر کرده است. «روایات

که پشت پردهٔ این فضا، چه اتفاق‌هایی رخ می‌دهد. «شهر رنگ و عطر و صدا... و باز هم صدا»، «خواب را از سیاهی شب گرفتن»، «پایان آبی: چیزهایی که با هم آغاز می‌شوند...»، «لامپ‌های ریشه‌ای زرد و قرمز و آبی»، «عروسی‌های سرخ: بساط آینده را کجا پهن کند؟»، «به کبودی می‌زند انگار...»، «جیغ‌های بنفش: روند یادگیری،

«پنج شنبه‌های سالن» رمانی نوشته ملیحه صباغیان است که در تابستان سال ۹۲ منتشر شده است. داستان «پنجشنبه‌های سالن» که در فضای آرایشگاه زنانه رخ می‌دهد، در ۱۸ قسمت مجزا نوشته شده و سعی شده تا موقعیت‌ها در یک بستر واقعی روایت جریان یابند. در واقع، خط ربط این بخش‌ها فضای آرایشگاه است و خواننده به مرور در می‌یابد

وصل شدن ایران به....

بقیه از صفحه ۱۲

ورود کالاهای خارجی

با اولین گام‌ها در مسیر آینده ایران، یعنی «از ۱۳۳۳ سال به بعد، واردات کالاهای ساخته شده خارجی به سرعت افزایش یافت. به موازات این جریان هزاران شرکت وارداتی به وجود آمد و پس از مدتی ده‌ها شرکت غول پیکر زیر نام «نماینده انحصاری» صنایع غرب ظهور کرد که هر یک بخش مهمی از بازارهای کشور را در اختیار داشتند.» [۸] این واقعیت نشان می‌داد در شرایطی که بورژوازی ملی ایران دیگر توان ادامه حیات نداشت و در تولید عقب مانده بود، ایران می‌بایست به فاز جدیدی وارد می‌شد که در مرحله نخست، نیازمندی‌های خود را از طریق واردات کالاهای خارجی تأمین کند. جزی اضافه می‌کند: «سیستم اعتبارات بانکی موجب شد که واردات کالاهای خارجی، تناسبی با سرمایه بازرگانان داخلی نداشته باشد. در حقیقت هزاران نفر که دارای سرمایه‌ای برای وارد کردن و توزیع کالا نبودند صرفاً با اعتبارات بانک‌ها و از جمله بانک‌های تجاری خارجی (مثل بانک ایران و انگلیس، ایران و ژاپن و هلند، اعتبارات ایران و...) نماینده فروش انحصاری محصولات خارجی شدند.» [۹] این تحول مثبت، ضرورت رشد جامعه بود. حتی نیازمندی‌های فردی مانند خرید خانه و اتومبیل و حتی ادامه تحصیلات دانشگاهی با اعتبارات بانکی ممکن می‌گردد.

واقعیت این است که بسیاری از تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان کالا تنها با اعتبارات بانکی عمل می‌کنند. بانک ستون فقرات سیستم سرمایه‌داری است. اگر بورژوازی ملی ایران توان برآوردن نیازمندی‌های جامعه را نداشت، و بانک‌های ایرانی توان تأمین اعتبارات واردات کالاهای مورد نیاز جامعه را نداشتند، بی‌تردید راه



اضافه می‌کند که در سال ۳۸، کشور دچار بحران اعتباری شد... «علاوه بر درآمد نفت میلیون‌ها دلار وام خارجی در این راه به هدر رفته بود... و ده‌ها بارزگان کمپرادور ورشکسته شدند.» [۱۱] در واقع سرمایه داران، چه داخلی و چه خارجی، در راه سرمایه گذاری در ایران زیان دیدند و ورشکسته هم شدند. سرمایه گذاری با ریسک همراه است، و واگذارکنندگان اعتبار خارجی به دلیل بالا بودن درجه ریسک سرمایه گذاری در کشورهای در حال رشد، همراه با سلطه دیکتاتوری و احتمال دگرگونی‌های غیر منتظره مانند انقلاب و کودتا، انتظار میزان سود بالاتری را دارند.

تحول به تولیدات داخلی

اما نکته مهمتر اینکه «از سال ۳۶ به بعد، به تدریج عده‌ای از بازرگانان وارد کننده شروع به ساختن کارخانه‌های مونتاژ همان کالاهایی را کردند که نمایندگی انحصاری فروش آن را داشتند.» [۱۲] این واقعیت نشان می‌دهد که فرایند رشد از واردات به ساختار مونتاژ یا واسطه‌ای در زمانی نه چندان طولانی انجام گرفت. جزی اضافه می‌کند: «اتومبیل فیات اولین کالای سنگینی بود که به این ترتیب در ایران مونتاژ شد. با آغاز توسعه این قبیل کارخانه‌ها، ورود کالاهای آماده صنعتی که طی چند سال به سرعت افزایش یافته بود رشد خود را از دست داد.» [۱۳] این تحول با یک دوره افت به رشد سریع خود ادامه داد، بطوری که با گذشت زمان، نسبت کالاهای آماده به کالای‌هایی که در ایران مونتاژ می‌شد به شدت کاهش یافت. برای نمونه در سال ۴۲، مجموع کالاهای واسطه وارداتی ۲۸۵ میلیون دلار و کالاهای آماده مصرفی ۱۲۴ میلیون دلار بوده است. در سال ۴۶، کالاهای واسطه ۷۱۱ میلیون دلار و کالاهای مصرفی ۱۵۰ میلیون

حل، استفاده از اعتبارات خارجی بود. سرمایه یکی از عوامل چهارگانه رشد و پیشرفت است. در نبود سرمایه داخلی، می‌بایست از سرمایه خارجی استفاده نمود. در ادامه این ارزیابی جزی می‌نویسد: «نمایندگان انحصاری سود خود را در افزایش حجم فروش به دست می‌آوردند و می‌توانستند با سود اندک در هر قلم کالا اکتفا کنند، زیرا سرمایه‌ای در این کار نخواهیده بود. از سوی دیگر این بازرگانان جدید از مدیریت و مشاورت خارجی در امر بازاریابی، تبلیغات و مدیریت پیشرفته استفاده می‌کردند و امکانات و نفوذ انحصارات خارجی از آنها حمایت می‌کرد.» [۱۰] در این نکته نیز چند واقعیت مهم بیان شده است. نخست اینکه بورژوازی ملی ایران دیگر توان تأمین نیازمندی‌های جامعه ایران را نداشت. دوم، نمایندگانی انحصاری از مدیریت و مشاورت خارجی برخوردار می‌شدند. بازرگانان ایرانی خود قادر شدند از این مدیریت بیاموزند و در آینده از آن استفاده کنند. سوم، مصرف‌کنندگان کالا می‌توانستند با توجه به اینکه واردکنندگان قادر بودند با سود اندکی کالا را بفروشند، از تحول جدید بهره‌مند شوند. جزی در ادامه این نوشته

مستقیم و غیر مستقیم برای کارکنان ایرانی به وجود آمد، بطوری که در مقطعی ایران با کمبود نیروی کار روبرو شد و از راننده تا پزشک از کشورهای فیلیپین، کره جنوبی، پاکستان و هند وارد ایران شدند. در اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی کافی است گفته شود به نظر نمی‌رسد کشوری در جهان وجود داشته باشد که از آن استقبال نکند. در ارتباط با رشد صنعتی و اقتصادی، بخش‌های دیگر جامعه نیز به شدت رشد کرد. بطور مثال می‌توان از ساخت پنج سد بزرگ دز، منجیل، کرج، کهرنگ و شاه عباس، و در همین ارتباط، گسترش تولید انرژی و شبکه آبرسانی نام برد. هر یک از دو نگرش بالا می‌تواند به نتیجه‌گیری سیاسی متفاوتی منجر شود. شواهد نشان می‌دهد که آنچه در میان نیروهای سیاسی چپ و مذهبی‌های سنتی و رادیکال پیش از انقلاب غالب بود، نگرش اول بود؛ نگرشی که انقلاب ضد دیکتاتوری و آزادی‌خواهی را به انقلاب ضد سرمایه‌داری و ضد امپریالیسم بدل کرد و به جای ایجاد حکومتی دمکراتیک، حکومت به اصطلاح مستضعفان به وجود آمد.

ادامه این بررسی در بخش چهارم پی گرفته خواهد شد.

زیرنویس

[۱] یرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب: از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس آوری، محسن شانه چی، تهران، نشر مرکز، ج ۴، ص. ۲۸۳

[۲] بیژن جزنی، طرح جامعه‌شناسی و مبانی استراتژیک جنبش انقلابی ایران، بخش اول (اقتصادی)، زندان - زمستان پنجاه و یک، ۱۱.

[۳] همان، ص. ۱۳۰، [۴] همان، ص. ۱۴۰، [۵] بیژن جزنی، جمع بندی مبارزات سی ساله اخیر در ایران، ۱۹ بهمن تئوریک، شماره ۵، ۶ چاپ دوم، مهر ۱۳۵۵، ص. ۷۷.

[۶] محمد علی (همایون) کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، نشر مرکز، ۱۳۷۲ ج ۲، ص. ۲۶۶، [۷] همان، ص. ۲۶۷-۲۶۸، [۸] بیژن جزنی، طرح جامعه‌شناسی و مبانی استراتژیک...، ص. ۴۲، [۹] همان، ص. ۴۲، [۱۰] همان، ص. ۴۲، [۱۱] همان، ص. ۴۲، [۱۲] همان، ص. ۴۳، [۱۳] همان، ص. ۴۳، [۱۴] همان، ص. ۴۳، [۱۵] همان، ص. ۴۳، [۱۶] همان، ص. ۴۵، [۱۷] همان، ص. ۴۵.

[۱۸] همان، ص. ۴۷، [۱۹] همان، ص. ۴۸، [۲۰] همان، ص. ۴۸، [۲۱] همان، ص. ۴۸.

See more at: <http://isd.movement.com/112412/120123-Kazem-Alamdari-Is-Iran-regressing-more-Part2.htm#sthash.QVJGNgp1.dpuf>

می‌داد. این، گام‌های ضروری صنعتی شدن جامعه، رشد اقتصادی و پیشرفت بود. «در سال ۱۳۴۶ حدود ۶۰۰ کارخانه بزرگ در کشور مشغول کار بوده‌اند. (۱۶ کارخانه با ۱۸۰۰ کارگر بطور متوسط و ۵۷۰ کارخانه به میانگین ۲۲۵ کارگر در هر واحد) که با توجه به صنایع دولتی مثل برق، نفت و راه آهن جمعاً حدود ۲۲۰ هزار کارگر صنعتی در آن مشغول کار بوده‌اند.» [۱۸]

«در همین سال نزدیک به ۲۰۰۰ کارگاه صنعتی (نه کارگاه دستی) با حدود ۶۵ هزار کارگر وجود داشته است که بین ۱۰ تا ۵۰ (میانگین ۱۷) نفر در هر واحد کار کرده است. این ارقام در حال حاضر در سال ۱۳۵۱ افزایش زیادی یافته و به سرعت نیر در حال رشد است.» [۱۹] همچنین «سرمایه‌گذاری در استخراج معادن، رشته دیگری که بورژوازی صنعتی کمپرادور در آن رشد کرده است. استخراج معادن با مشارکت و کمک مالی و فنی صنایع و سرمایه‌های خارجی است که طی سال‌های اخیر رشد کرده است و آینده درخشانی برای سرمایه‌داران دارد. شرکت‌های مشترک معدنی به سرعت افزایش می‌یابند.» [۲۰] این آمار و ارقام مربوط به دوره پیش از سال ۱۳۵۱ است. پس از آن تا رویداد انقلاب در تمام رشته‌ها رشد شتابنده‌ای مشاهده می‌شود که در این نوشته مجال بررسی آنها نیست.

نتیجه‌گیری

به این دگرگونی‌ها به دو شکل می‌توان نگریت. نخست «به این ترتیب انحصارات خارجی به کمک بورژوازی صنعتی کمپرادور منابع و نیروی کار جامعه ما را می‌ریابد.» [۲۱] دوم، می‌توان گفت افزون بر رشد و گسترش تولید و پایه‌گذاری صنایع در ایران، با تلاش‌های بورژوازی ایران با استفاده از کمک‌های تکنولوژیک، مالی، فنی و مدیریتی شرکت‌های خارجی، نه تنها بخش مهمی از نیازمندی‌های روز افزون جامعه، به جای وارد شدن، در داخل کشور تولید می‌شود، بلکه صدها هزار کار،

دلار بود؛ یعنی کالاهای واسطه ۴۲۶ میلیون دلار در این مدت افزایش یافته، حال آنکه کالاهای مصرفی ۲۶ میلیون دلار اضافه شده و از ۲۳.۸ درصد از کل واردات به ۱۲.۶ درصد کاهش یافته. این نشان رشد سریع صنایع مونتاژ و وابسته در این فاصله کوتاه است. این رشد از سال ۴۶ تا ۵۱ شتاب بیشتری داشته است.» [۱۴]

نویسنده نتیجه می‌گیرد «به این ترتیب در حالی که طی دهه اخیر بورژوازی تجاری رشد اندکی داشته، بورژوازی کمپرادور صنعتی رشد سریع و بی‌سابقه‌ای کرده است.» [۱۵] این روند، رشد تولید کالاهای صنعتی را در ایران نشان می‌دهد، که تحولی مثبت در مسیر رشد و توسعه صنعتی جامعه است. جزئی به فهرست بالا از جمله اقلام زیر را اضافه می‌کند: «در صنایع غذایی مثل روغن نباتی، کنسروسازی، بیسکویت، شکلات سازی، در مواد غذایی، دارویی و لوزم آرایش، لوازم خانگی مانند پنکه، رادیو، بخاری، کولر، یخچال، در اتومبیل سازی، اتومبیل سواری، کامیون، اتوبوس، در ماشین آلات کشاورزی، در وسایل الکتریکی، در موتور پمپ، در کاغذ سازی، رنگسازی، فولاد نورد شده، کابل و در منسوجات پشمی و نخی.» [۱۶] با رشد این صنایع، تولید کالاهای مختلف در ایران به شدت رو به افزایش گذاشت. بطور نمونه «روغن نباتی از ۷۰۶ هزار تن به ۱۰۲ هزار تن، اتومبیل سواری از صفر به ده هزار دستگاه، یخچال از صفر به ۱۲۰ هزار دستگاه، صنایع نساجی از ۶۶ میلیون متر در سال ۳۶ به ۳۳۸ میلیون متر در سال ۴۲ رسید. بخاری در سال‌های ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ به ترتیب ۷۰، ۱۲۰ و ۱۵۰ هزار دستگاه تولید شده؛ ارقام زیر رشد عمومی صنایع را نشان می‌دهد. قند و شکر از حدود هزار تن در سال ۳۰ به ۵۴۲ تن در سال ۴۶ و برق از ۱۶۳ میلیون کیلو وات به ۱۸۲۶ میلیون کیلو وات و سیمان از ۲۲۴ هزار تن به ۱۵۴۸ هزار تن افزایش یافته است.» [۱۷] این آمار و ارقام نشان دهنده رشد بی‌سابقه‌ای بود که در کشور رخ

**آفر:** November 22 - December 24

یک بار دیگر شما بین وظایف کاریتان و مسئولیت‌های خود در خانه قرار گرفته‌اید. در حال حاضر حتی اگر وقتی باشد، شما باید بتوانید هر نوع مشکلی را حل کنید. تحولات مهمی در زندگی عاطفیت پیش می‌آید و مجبور می‌شوید تصمیمات تازه‌ای بگیرید. برای آنکه این تصمیمات در جهت آسایش شما باشد باید دوراندیشی داشت و فرداهای دورتر را نیز در نظر گرفت. موقعیت اقتصادی تو به زودی خوب خواهد شد.

دی: December 22 - January 19

اگر شما سعی کنید که احساسات خود را مخفی کرده و ابراز نکنید، بالاخره یک روز طاقتتان تمام می‌شود. شاید شما خیلی نگران کسانی که دوستشان دارید هستید و نمی‌خواهید آنها را ناراحت کنید. ولی از طرف دیگر اگر احساسات خود را سرکوب کنید خودتان بیشتر ضربه خواهید خورد. امروز شناس و اقبال با شما همراه است. قدر فرصت‌ها را بدان. به زودی شاهد رفت و آمدهای بیشتری در خانواده‌ها خواهید بود.

بهمن: January 20 - February

در این ماه شما می‌توانید در یک روز خیلی به خودتان مطمئن باشید و در روزی دیگر از اعتماد به نفس بالای خود رنج ببرید. سیر کردن در این روند اصلاً جالب نیست، اما شما می‌توانید طی این مراحل چیزهای خیلی مهمی درباره خودتان بفهمید و خودتان را بهتر بشناسید. سرزنش کردن و مقصر دانستن دیگران باعث نمی‌شود احساس بهتری پیدا کنید و مطمئناً به آنها هم کمکی نخواهد کرد.

اسفند: February 19 - March 20

شما هنوز کارهای ناتمام زیادی دارید و تا موقعی که آنها را تمام نکرده‌اید نمی‌توانید استراحت کنید. شما باید تعادلی منطقی بین مسئولیت پذیر بودن بی تفاوت بودن برقرار کنید. شما با شناختن هر دو جنبه ذات خود می‌توانید در عین حال که کار می‌کنید از کارتان لذت هم ببرید. تلاش فراوانی به خرج دادید تا به سود قابل ملاحظه‌ای دست یابید اما نتیجه این کار معکوس بود. اما نگران نباش به زودی راه‌های تازه‌ای کشف خواهید کرد.

مرداد: July 22 - August 22

دچار یک حالت روحی می‌شوید که برای غریب است. دوست داری خیلی کارها انجام دهی و در خود انرژی فوق‌العاده‌ای می‌بینی که باید در راه درست خرج کنی. اگر با خودت رو راست باشی منبع این انرژی هم پیدا می‌شود! به یک میهمانی دعوت می‌شوید که بهتر است در آن شرکت کنی چون لحظات جالب و خاطره‌انگیزی خواهد داشت. در زمینه کاری یا درسی به موفقیتی می‌رسی که در آینده برای منفعت مالی زیادی خواهد داشت.

شهریور: August 23 - September

شما رابطه‌ی دوستانه خاصی با یک نفر برقرار کرده‌اید، و الان فکر می‌کنید که اگر بخواهید به این رابطه پایان دهید همه زندگیتان تغییر کند بنابراین این موضوع خیلی شما را ناامید و همچنین خسته کرده است. اعتماد بیش از اندازه به دیگران باعث شده که خیلی بی‌احتیاط عمل کنید. در تدارک یک میهمانی هستی. دیدار یک دوست قدیمی و تداعی خاطرات با او جالب و سرگرم کننده است.

مهر: September 23 - October 22

اگر شما مدت زمان زیادی با یک راز زندگی کرده‌اید و تا به حال آن را افشا نکرده‌اید، الان وقتش رسیده که تا حدودی از این نگرانی بیرون بیایید. شما توانایی‌های دیگری نیز دارید و در حال حاضر باید بر روی مسائل مادی خود مثل جزئیات پروژه‌تان در محل کار تمرکز کنید. پس فعلاً به دنیای درونی خود توجه نکنید، این موضوع شما را برای مسافرتی که در پیش رو دارید آماده می‌کند. هوشیاری شما نسبت به مسائل مالی نظر دیگران را جلب می‌کند.

آبان: October 24 - November 21

شما در رابطه‌های دوستانه‌تان تنها کسی هستید که حساسیت زیادی دارید و از این موضوع خسته شده‌اید. اگر این موضوع ناراحتتان کرده است، شاید وقتش باشد که در موردش وارد بحث بشوید و یا حداقل برای خودتان مرزهایی تعیین کنید که احساسات را حفظ کنید. تحت تاثیر دیگران و حرف‌هایشان قرار نگیرید و گرنه روز به روز از دوست یا همسرتان فاصله گرفته می‌گیرید. حدالمقدور از استرس و هیجان دوری کنید زیرا به شما صدمه خواهد زد.

فروردین: March 21 - April 19

تحولی تازه رخ می‌دهد. شما آرزو داری که این تحول به نفع باشد اما ممکن است چنین اتفاقی نیفتد، خود را برای هر گونه احتمالی آماده کن. ممکن است حضور یک فرد مزاحم و یا میهمان ناخوانده برای مدتی فکر و ذکرت را به خود مشغول کند. اجازه نده بعضی افکار مزاحم بر شما چیره شود و روی اعصاب اثر منفی بگذارد. این وضعیت خیلی زودگذر است. این روزها اگر مراقب نباشی مشکلات اقتصادی به سراغت می‌آید.

اردیبهشت: April 20 - May 20

شما سعی می‌کنید برای تعادل برقرار کردن بین نیازهای خود و نیازهای دوستان و همکارانتان تعادلی متناسب برقرار کنید. به زودی خبر شیرینی دریافت خواهید کرد. نزدیکانت به شما محبت می‌کنند و بخاطر کاری که انجام دادی از تو تقدیر خواهند کرد. گاهی اوقات باید به چیزی که داری قانع باشی و زیاده‌خواهی و طمع نکنی. ریسک کردن برای شما زیاد خوب نیست.

خرداد: May 21 - June 21

در این ماه شما نمی‌توانید به راحتی از علایق خود در خانه و حتی سر کار چشم پوشی کنید. شما مطمئن هستید که تا موقعی که احساساتتان ناگهانی سرریز نکرده‌اند، قادر هستید آنها را تحت کنترل خود داشته باشید. وقتی که این اتفاق بیفتد برای خود شما هم به اندازه دیگران تعجب‌آور خواهد بود. بنابراین هر چه در دلتان دارید در طول روز بیرون بریزید. یکی از دوستان یا آشنایان قدیمی را که تقریباً فراموشش کرده بودی می‌بینی.

تیر: June 22 - July 22

حتی اگر شما خودتان دقیقاً بدانید که چه کارهایی باید انجام دهید، ولی قبل از اینکه به هدف‌تان برسید، رویاهایتان شما را از مسیر اصلیتان خارج می‌کنند. بنابراین به خاطر از دست دادن زمان و انرژی‌تان خیلی ناراحت خواهید شد، اما شما می‌توانید با قبول کردن این گفته که «در هر اتفاق حکمتی نهفته است» نوع نگاه خود را عوض کنید. این ماه برای مشاوری گرفتن زمان مناسبی برای شما خواهد بود. این روزها باید منتظر یک خبر و یا یک اتفاق خوش باشید.

جدول و سرگرمی

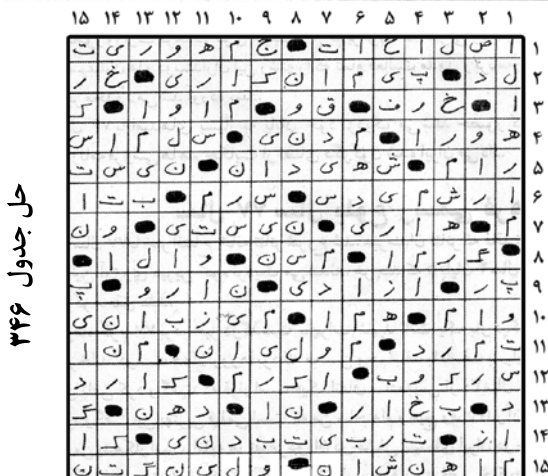
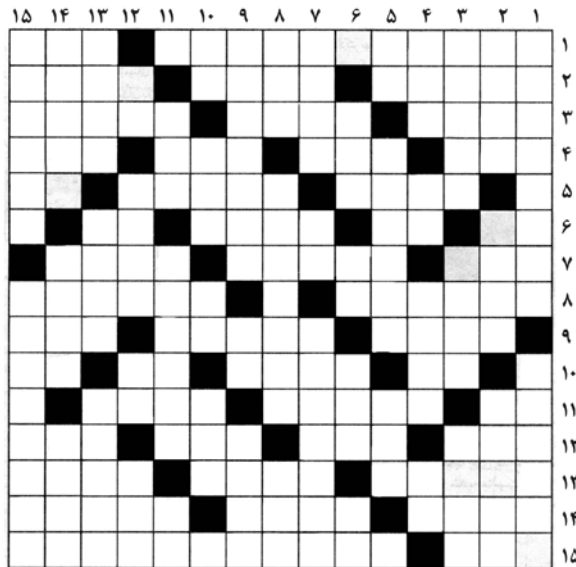


عمودی:

- ۱- نام سدی در زردکوه بختیاری - نام چند تن از شاهان اشکانی
- ۲- سقف و دیوار فرو ریخته - از وسایل بنایان - چسب سنتی درودگر
- ۳- پارچه مطلا - اصل و نسب - سرهنگ فرنگی
- ۴- سالن و گالری - صریح و بی پرده - چرک و پلید - فرانامی است
- ۵- اشاره به دور - گندزدایی است اما اصطلاحاً به تشویش ذهن دیگران هم گویند - سالمند.
- ۶- پسر صدام - اصطلاحی ورزشی - عضو پروازی - بو و بویایی
- ۷- زیاد شدنش در خون موجب بیماری است - یادداشت - عجول و کم تحمل.
- ۸- ناگهان خودمانی - از جزایر ژاپن در اقیانوس آرام که مقر نظامیان آمریکایی است - پیک باران
- ۹- ایالتی در شمال غرب هند با مرکزیت جی پور - ظرف تیبیاخورده - پدري کردن
- ۱۰- عامل جنگ های آتی - اصطلاحی در صنعت فیلم و عکس - درخت انگور - رشد و بالیدن
- ۱۱- نیک و پسندیده - دیرین و کهنه - از آوندهای دستوری.
- ۱۲- پهلو و جنب - دیر جنب و تنبل - رودی در فارس - نگاه و نظر
- ۱۳- غلام بچه را می گفتند - انگشتر و نگین انگشتری - آهنگی در دستگاه شور
- ۱۴- صحت و تندرستی - اسم مصدر از روییدن - نژاد منسوب به پسر نوح نبی
- ۱۵- مرکز کشور ماتادورها - قطعات و مدارهای الکترونیک رایانه

افقی:

- ۱- عنوان نخستین بخش از دایره المعارف ده جلدی موسیقی ایران به نگارش محمدرضا درویشی - عرف معمول.
- ۲- از روزنامه های تعطیل شده - بسیار بخشنده است و از القاب الهی - خانه بیلاقی
- ۳- پایتخت جنگ زده طالبان - برآمدن و بالا رفتن - ماه گذشته
- ۴- پشت سر - از جشن های ایرانی - پرشگاه موشک - وسط و میان
- ۵- سازنده ایتالیایی/آمریکایی نخستین پیل اتمی - لقب امین السلطان صدراعظم عهد قاجار و رهگشای چپاولگران بیگانه به کشور - چای فرنگی
- ۶- قرن بی آغاز - ظرف ترشی و مربا - ظرایف و لطایف - برادر عرب
- ۷- برخی به نرخ روز خورند - بخشی از لباس - همین چند روز پیش پایان یافت.
- ۸- آن که ستون فقراتش خمیده - اقتصاددان انگلیسی که اول بار خطر رشد بی رویه جمعیت را مطرح کرد
- ۹- معروفترین ستاره دنباله دار - زنگ کلیسا - ضربه پذیر چکش
- ۱۰- پیشوند ضدیت و زستی - یقین و اعتماد - به منقار هم گویند - جناب در فارسی کهن
- ۱۱- خاک صنعتی - نظاره و مشاهده - کال و خام
- ۱۲- قعر جهنم - راه و روش - بی خطر - دریغ و افسوس
- ۱۳- بی هدف و سرگردان - اسب بارکش - نقیض کوتاه
- ۱۴- ارزاترین سیگار داخلی - گل معطری که خیری هم خوانده می شود - هنر هفتم
- ۱۵- سوره بیست و هفتم قرآن - از بناهای عهد فتح علی شاه قاجار در کاخ/موزه گلستان



			۷	۹					
	۸	۷		۱				۵	
	۳			۵					۷
۳		۸		۹	۵				
			۲					۶	
				۱	۶			۸	۳
								۹	
۵				۴					
۶				۸				۵	۲
			۱	۵					



چهار گوش باید از شماره های در هر ردیف افقی و عمودی و ۱ تا ۹ باشد و عدد تکراری در آن نداشته باشد.

۴	۸	۵	۱	۵	۱	۵	۱	۵	۱
۴	۸	۵	۱	۵	۱	۵	۱	۵	۱
۴	۸	۵	۱	۵	۱	۵	۱	۵	۱
۴	۸	۵	۱	۵	۱	۵	۱	۵	۱
۴	۸	۵	۱	۵	۱	۵	۱	۵	۱
۴	۸	۵	۱	۵	۱	۵	۱	۵	۱
۴	۸	۵	۱	۵	۱	۵	۱	۵	۱
۴	۸	۵	۱	۵	۱	۵	۱	۵	۱
۴	۸	۵	۱	۵	۱	۵	۱	۵	۱
۴	۸	۵	۱	۵	۱	۵	۱	۵	۱

کل جدول ۳۴۶

آموزشگاه ماد

آموزش موسیقی

توسط نامدار ایلام پور

تدریس:

ویولن

کمانچه

تار

سه تار

سنتور

عود

تنبک



تعلیم آواز خوانی
تعمیر آلات موسیقی

832-814-1479

آهنگ ساز: عطاالله خرم
خواننده: ویگن

شکوفه

شاعر: پرویز وکیلی
تنظیم: منوچهر چشم آذر

Moderato

مقدمه

شعر

1. 2. A

1. 2. B

1. 2.

1. 2.

A-B

1.

شده سرتاسر دشت سبز و گلناری
به صبا بوسه دهند با لب سرخابی
آن روی زیبا نظری سوی ما دارد

آراید از ساز و سخن بزم چمن ها
باد بهاری با بی قراری
به هر طرف دست صبا گشته گل افشان

شده سرتاسر دشت سبز و گلناری
نغمه مرغ چمن کرده خاموشم

آن روی زیبا نظری سوی ما دارد

لالا لالا لالا لالا لالا لالا لالا لالا لالا لالا

شده سرتاسر دشت سبز و گلناری
به صبا بوسه دهند با لب سرخابی

آن روی زیبا نظری سوی ما دارد (۴x)

شکوفه می رقصد از باد بهاری
شکوفه های بیقرار روز آفتابی
ای شکوفه خنده تو جلوه ها دارد

دل داده بلبل دارد سخن ها
پروانه در بزم طرب آمده تنها
شکوفه پرپر کند و لاله پریشان

شکوفه می رقصد از باد بهاری
عطر جان پرور گل می برد هوشم

ای شکوفه خنده تو جلوه ها دارد

لالا لالا لالا لالا لالا لالا لالا لالا لالا لالا

شکوفه می رقصد از باد بهاری
شکوفه های بیقرار روز آفتابی

ای شکوفه خنده تو جلوه ها دارد

نیازمندی ها و بازار عاشقانه

فقط با پرداخت ۲۵ دلار شما می توانید

آگهی های فروش اجناس، جویای کار، استخدام، اجاره و هم خانه و ...

خود را در این قسمت درج نمایید

خدمات

قابل توجه هموطنان سالمند و محتاج کمک جسمی

برای رفع احتیاجات روزمره خود، شامل خرید غذا، رفتن به مطب دکتر، ملاقات با دوست و یا داشتن یک همراه برای دو الی سه ساعت در روز با مهندس بهادر ودیعی تماس بگیرید.

این خدمات کاملاً مجانی است و فقط در روزهای یکشنبه، دوشنبه و چهارشنبه در خدمت شما هستیم.

713-412-7465 بهادر ودیعی
۷۱۳-۴۱۲-۷۴۶۵

Bvadie@gmail.com

نگهداری از بچه

به صورت نیمه وقت، به یک خانم برای نگهداری بچه در منطقه ی Katy نیازمندیم.

832-878-6534
713-384-9820

استخدام

یک خانم یا آقا با تسلط به زبان انگلیسی جهت انجام دمو (سمپل دادن) مواد غذایی در چند فروشگاه در هیوستون مورد نیاز است.

818-518-4721 کوروش

CLASSY DESIGN FLORIST

FLOWERS, BALLOONS & GIFTS

Delivery & Decoration
for all OCCASSIONS

(713) 782-ROSE (7673) 24 Hrs.

Toll free: 1-800-252-4535

www.classydesignflorist.net

9717 Westheimer - Houston, Texas 77042



SUBSCRIPTION FORM

Please fill out the subscription form and send with a check to *Asheghaneh Publication*.

فرم اشتراک مجله عاشقانه

لطفاً فرم اشتراک زیر را پر نموده، همراه با

چک وجه اشتراک به نشانی عاشقانه ارسال فرمائید.

 Change of Address تغییر آدرس New Subscription آبونمان جدید

نام: First Name: _____

نام خانوادگی: Last Name: _____

آدرس: Address: _____

شهر: City: _____

ایالت: State: _____ Zip: _____

تلفن: Phone: _____

فاکس: Fax: _____

پست الکترونیک: Email: _____

SUBSCRIPTION FEE FOR ONE YEAR

حق اشتراک برای یکسال (۱۲ شماره)

دولار	\$45	آمریکا <input type="checkbox"/>	U.S.A.	\$45
دولار	\$70	کانادا <input type="checkbox"/>	Canada	\$70
دولار	\$100	اروپا <input type="checkbox"/>	Europe	\$100
دولار	\$120	آسیا <input type="checkbox"/>	Asia	\$120

تغییر مکان داده‌اید؟

لطفاً آدرس جدید خود را در فرم آبونمان مرقوم دارید،

زیرا در غیر این صورت اداره پست، عاشقانه را به

آدرس جدید تحویل نخواهد داد.

1403 Brittmoore Rd., Houston, Texas 77043

Tel: (713) 973-8686

Fax: (713) 722-0153

www.asheghaneh.com

email: info@asheghan.com



LUMINEERS
BY CERINATE



ZOOM!

For a brilliant smile
in 45 minutes...

Put some Zoom!
in your life today

**One Hour
Teeth Whitening**

ZOOM!

Professional Whitening System

Save \$100



invisalign
straight teeth, no braces

You Owe It To Yourself!

Take your first step to feeling good, looking great and making a memorable impression every time you smile.

کلیه خدمات دندانپزشکی و زیبایی

سفید کردن دندانها

پیدا کردن هرگونه خرابی دندان با استفاده از لیزر

آخرین پدیده‌های تکنولوژی دندانپزشکی

بازسازی دندانها بدون درد، تزریق و بدون تعویض یا تغییر محل دندان

Call Now **713-781-9444**

**Kaviani Cosmetic
& Family Dentistry**

www.KavianiDental.com



10001 Westheimer, #2920
Carillion Shopping Center, Inside The Beltway



دکتر افشین کاویانی

دکتر افشان کاویانی



Houston Family Physicians P.A.

دکتر بیتا جعفری

پزشک خانواده

- Board Certified Family Physician
- Member of American Academy of Facial Esthetics

خدمات پزشکی تست های تشخیصی در کلینیک

- تشخیص و درمان بیماری های قند، چربی و فشار خون
- درمان بیماری های داخلی، پوست، مفاصل، کبدی و تیروئید
- معاینه سالیانه اطفال و بزرگسالان
- تشخیص بیماری های زنان و انجام پاپ اسمیر
- بخیه و نمونه برداری از ضایعات پوستی
- درمان دردهای عضلانی و مفصلی
- Joint and Trigger Point Injection -

- سی تی اسکن
- ام. آر. آی
- عکس استخوان
- سونوگرافی
- نوار قلب
- تست ریه
- آزمایش خون و ادرار

خدمات پوست و زیبایی

- بوتاکس و فیلر
- پیشگیری و رفع خطوط اطراف چشم، پیشانی، دور لب، و خط خنده با مشاوره رایگان

8968 Kirby Drive, Houston TX , 77054
 Phone: 713-492-0433 • Fax: 713-391-8413
 Email: Bitta.pour-jafari@hfpmdpa.com
www.hfpmd.com

اکثر بیمه ها پذیرفته می شود Medicare, Medicaid, and private insurance

B. Z. Pharmacy

داروخانه BZ برای رفاه ایرانیان داخل تگزاس شرایطی آسان فراهم آورده است. بیشتر داروهای Generic به قیمت زیر ده دلار و در صورت گران بودن به همان قیمت عمده فروشی به ایرانیان عزیز تقدیم می گردد. انواع بیمه ها، مدیکر و مدیکیت پذیرفته می گردد و در صورت دور بودن بوسیله پست ارسال می گردد.

داروخانه BZ در خدمت ایرانیان عزیز

برای ارسال دارو، وسائل پزشکی و بیمارستانی به ایران و منطقه نماینده می پذیرد.



Tel: 713-973-7500 • Fax: 713-973-7501
 15622 Silver Ridge Dr. • Houston, TX 77090
 Email: B.zpharmacy@att.net • www.bzpharmacy.com

TALABI & ASSOCIATES, P.C.
ATTORNEYS AT LAW



"Competent. Aggressive. Creative."

Personal Injury:

Auto & Truck Accidents
Slip & Falls
Medical Malpractice
Dog Bites/Attacks
Sexual Harrasment
Refinery Explosions
Medical Device
Medicine (prescription drugs) litigation

Criminal Law

Family Law

Wills and Probate

وکلاي مجرب ما آماده ارائه خدمات حقوقی

در هر یک از حوزه های ذیل میباشند:

• مهاجرت

• صدمات بدنی و تصادفات

• وصیت نامه و گواهی حصر وراثت

• جرایم

• خانواده

CALL

713-266-0529

Mehran Talabi, Sean Palavan, and Atousa Nezamabadi

2909 Hillcroft, Suite 200
Houston, TX 77057
Tel: (713) 266-0529
Fax: (713) 266-2203
Email: info@talabilawfirm.com

Immigration:

Green Cards through investment, family, and work
H1B & L Visas
U.S. Citizenship
Deportation Defense and Asylum